

تاریخِ نصیحتِ ایران

حاجی

میرزا

ع

کتاب

تاریخ نهضت ایران

تألیف

ح. مدیر حلاج

مطبعان کتب مطبوعاتی

صاحب
موسسه مطبوعاتی

آبان ماه ۱۳۱۲

حق ترجمه و تقلید و طبع محفوظ است

قیمت هر جلد ۴ ریال

طهران

مطبعه

کتاب

پایخ نهضت ایران

تألیف

ح. هادی حلاج

ناشر
مطبعه کبیریه

صاحب
مؤسسه تربیتی

آبان ماه ۱۳۱۲

حقوق ترجمه و تقلید و طبع محفوظ است

قیمت هر جلد ۸ ریال

طهران

مطبعه مومنین

فهرست مندرجات

- ۱ - دیباچه
- ۲ - پیدایش مشروطیت در ایران
- ۳ - هیجانات اولیه و قیام عمومی
- ۴ - توسل به بیگانه
- ۵ - دوره اول - انتخابات طبقاتی
- ۶ - تأثیر نهضت مشروطه و معاهده ۱۹۰۷
- ۷ - مهاجرت و جنگ بین الملل
- ۸ - فرق سیاسی در ایران
- ۹ - اثرات جنگ بین الملل در ایران
- ۱۰ - مهاجرت و کمیته دفاع ملی
- ۱۱ - قرار داد ۱۹۱۹
- ۱۲ - تاریخ مطبوعات ایران « روزنامه نگاری »
- ۱۳ - اوضاع قبل از کودتای ۱۲۹۹
- ۱۴ - پایان و نتیجه
- ۱۵ - ضمیمه

يك پرده از تاريخ معاصر

این همه نقش که بر صحنه کیتی پیداست

سینمائیت که از دیدهٔ اختر گذرد

عرصه پهنای گیتی بمنزله نمایشگاه دائمی است که افراد بشر همانطور که فوج فوج از کتبم عدم یا بعرضهٔ وجود میگذرانند در این صحنه متناوباً حضور یافته و چندین پرده از نمایشهای کوچک و بزرگ آنرا تماشا کرده و با يك سلسله خاطرات تلخ یا شیرین کرسی خود را بتماشایان دیگری واگذار و از این سالون خارج میشوند.

دفتر خاطرات هر فردی فقط همان چیزهایی را یادداشت میکند

که در این صحنه با چشم خود دیده و بقدر قوهٔ فهم و ادراک خویش در اطراف آن اندیشه‌هایی یافته و از روی همان تصورات قضایتهایی کرده و گذشته است و یگانه دستگاہ عظیمی که میتواند تمام رشته‌های این قیام لابزال بی بنیادیت و نهایت را بهم اتصال داده و حوادث گوناگون و تطورات بیحد و حصر آن را یادداشت کرده در جاو چشم حاضر و غایب مجسم سازد همانا تاریخ است که کم و بیش حلقه‌های مختلفه را بهم ارتباط داده و طومار درهم پیچیدهٔ زمان را از قدیم تا جدید در مقابل چشم همگان باز و چون جام جهان نما نقاط مجهول و وقایع فراموش شده را در لوح حافظه خوانندگان خود معلوم و یادآوری میکند.

آنچه همین آینهٔ جهان نما یعنی تاریخ نشان میدهد هیچیک از

فرون و اعصار گذشته دنیا بقدر يك قرن اخیر آمیخته بحوادث و اتفاقات

و علوم و اختراعات گوناگون نبوده و اگر دفاتر حوادث بشریت را از بدایت تا نهایت ورق زیم شاید کمتر نظیر اتفاقات و اختراعات و اکتشافات متوالیه این عصر را در آنها بیابیم و از این جهت میتوان گفت که دفتر خاطرات تماشاچیان عصر حاضر بیش از تمام کسانی که در قرون ماضیه در این نمایشگاه حضور داشته اند آمیخته با دداشتهای محیر العقول و کم نظیر است.

بدیهی است لذت هر تماشائی را بیشتر کسی میبرد که در ابتدا فاقد آن بوده و بعد واجد شده است و مزیت مخصوصی که خاطرات معاصرین ما بر اسلاف و حتی اخلاف خود دارد همین است که بیشتر این حوادث و اختراعات در زمان اینها بوجود آمده و آن لذتی را که شتر سوار یا کجاوه نشین دیروز از اتوبیل و راه آهن و طیاره امروز میبرد یا آن استفاده که قاصد فرست دیروز از تلگراف و رادیو و هزاران وسائل استطلاعی امروز میکند هیچوقت اسلاف او که تصور این اختراعات را هم نمیکردند یا اخلافش که این آلات و ادوات را جزء امور عادی و همیشگی خواهند پنداشت نبرده و نخواهند برد.

مخصوصاً داستان انقلاب مشروطیت ایران و فداکاریهایی که از طرف ملیون وطن پرست برای نجات این ممالکت از چنگال بایات گوناگون بعمل آمده و کوششهایی که برای نشر تمدن و پیشرفت ترقی و تعالی این سر زمین باستانی در عصر پر افتخار پهلوی شده و میشود بمنزله يك سرگذشت شگفت خیز و حیرت انگیزی است که خواننده آن پس از دیدن يك سلسله پردههای حزن انگیز و دلخراش بالآخره مواجه با مشاهده يك عاقبت محمود و نتایج روح بخش و مسرت افزائی میشود

که زنگ الم و کدورت از لوح خاطرش زدوده شده و خستگیها و مایوسیها و تأسفات بی حد و حصری که از مشاهده یا مطالعه وقایع و حوادث ایام قبل از کودتای مقدس ۳ صحت ۱۲۹۹ در روحش حادث شده پس از دیدن پیشرفت‌های معجزه مانند عصر پهلوی یکمرتبه به روح امیدواری و غرور ملی و نشاط حیات آمیزی مبدل میگردد.

متأسفانه تاریخ این انقلاب بزرگ و حوادث خطیره با آنکه اشاره نمودیم که از تمام حوادث تاریخی گذشته مهمتر و جالب توجه تر است تا کنون منظمآ تدوین نشده و جز یادداشت های مختصری که بعضی دانشمندان معاصر برای خود تهیه کرده اند کتابی که تمام ابناء وطن را از جریان امور گماهی آگاه و مطلع سازد در دست نیست.

فقط تاریخ بیداری ایران که بقام مرحوم هجده الاسلام کرمانی بطور مجله متدرجاً طبع میشد تا یک اندازه منتهی تا طالع و پیشرفت مشروطیت را تدوین کرده ولی موفق بختم آن نگردید و اینک مایه بسی خوشوقتی است که یکی از همکاران با ذوق ما آقای حلاج در صدد انجام این خدمت مهم برآمده و تا آنجا که دسترس داشته است کتابی جامع و مختصر راجع بنهضت ایران تألیف و اینک جلد اول آنرا که منتهی بطبع است کو کب بی زوال پهلوی میشود در دسترس مطالعه عموم میگذازد و امیدواریم موفق شود جلد دوم آنرا که تاریخچه پر افتخار دوره با عظمت پهلوی است بطبع رسانیده و حوادث و ترقیات مسرت خیز این عصر را نیز بر صفحات جایزید تاریخ برای آیندگان بیادگار گذارد.

تاریخ نهضت ایران که فعلاً از طبع خارج شده کتابی است که با نهایت بیطرفی و بی غرضی اهمیت حوادث را بدون اعمال نظیر مخصوص

بطور اختصاص یادداشت کرده و مخصوصاً گراورهای زیادی که از اشخاص مهم تاریخ مزبور تهیه و طبع شده بر محسنات آن بیشتر افزوده و آنرا يك كتاب كامل معرفي ميكند كه تمام افراد داخلي و خارجي ميتوانند همانرا استفاده هائي را كه حقيقتاً از يك كتاب تاريخ حقيقي بايد نمود از آن بنمايند .

من بسهم خود با آفای حلاج نویسنده با ذوق این کتاب تبریک و تهنیت گفته و از خداوند متعال توفیق ایشان را در اتمام و نشر قسمت ثانی در خواست مینمایم .

یدالله - عماد نویسرگانی





تجدید کننده جلالت و عظمت ایران باستانی
اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی خلدالله ملکه

تاریخ نهضت ایران

بنام خداوند بخشنده و مهربان

دیباچه

کرة خاک که مسکون از اولاد آدم است یا بگفته دانشمند شیراز سعدی (سرای دو در) جولانگاه یا محل تلاقی انواع حیوانات و میدان مبارزه صنوف غالب و مغلوب میباشد - که از آن زمره قافله های بشریت نسل به نسل یا نژاد به نژاد با پیوند طبیعی و تکوین بهم اتصال یافته از طرفی داخلی و از جهتی خارج میشوند ، راستی اگر بدیده عبرت و دقت در این دار فانی نگریسته شود - ملاحظه خواهد شد که در این صحنه نمایش حیرت آور گوئیها هر دسته از موجودات جاندار را بازی مخصوصی آموخته اند که از بدو تولد شروع و با آخرین دقیقه پرواز روح از کالبد ظاهراً خاتمه میپذیرد در این میان خوشبخت و سعادتمند آن جمیع یا فردی است که بواسطه غایب شهوت و طمع از وظایف بنده گی بازمانده آنچه اسناد نزل تعالیم داده و موجود برای آن بوجود آمده و با تزیین بی زبانی گفته است بگو - آن گفته و امانت خاقت را بسر منزل مقصود تحویل داده و رفته اند چنانکه ما بحکم و اراده خود دنیا بداییم و بعین و اراده خویش قالب از روان تنی نخوریم ساخت - لازم است دانسته و آگاه باشیم که خاقت موجودات عبث نبود و هر بنده را نسبت به پروردگار خود وظایفی است که در صورت عدم انجام آن کفران نصرت و فاسد خاقت خود را نشانخته ایم ،

بنظر نگارنده وظیفه اولیه اولاد آدم عبارت است از خدمت به آبادی و ترقی مادی و معنوی جهانیان . محبت و صمیمیت با هم‌نوع و سعی و کوشش بطرف ترقی و کمال

مدتی دراز با خود اندیشه مند بوده و میگفتم : علاج ، تودر ظرف پنجاه سال نشیب و فراز پست و بلند دیده و با سوانح زیاد روبرو شده و با غالب تحولات و حوادث و اتفاقات اجتماعی ایران هم‌معنان بوده ، چه ضرر دارد خاطرات دوره زندگی را بطوریکه استنباط نموده و فهم کرده برشته تحریر در آورده یسازگاری ناچیز باقی بگذاری ؟ تا تاریخ معاصر ایران در عالم مطبوعات وطن ثبت و برای نسل آینده و طالبان فهم گذارش نهضت ایران در قرون اخیره خاطره پدیدارمانده و بجهت ارباب ذوق هم‌مایه عبرت و توبه و هم باعث تفریح گردد چه با ترقیاتی که اخیراً نصیب ایران جدید شده و کشور داریوش عظمت و آبادی دیرینه را تجدید نموده و بطرف کمال پیش میرود . قریباً اوضاع شرب الیهود ایام ناگوار تا قبل از کودتای مقدس ۱۲۹۹ شمسی هجری از انتظار نسل معاصر فراموش علاوه بر آنکه مقیاسی برای تطبیق وضعیات قبل و بعد در دست نیست زحمات و فداکاری های نامداران مات برور نیز بطایق نسیان برتاب و بالنتیجه برای دانستن تاریخ نهضت وطن عزیز باید بکتاب نگارندگان بیگانه که هر یکت با نظری مخصوص تألیف و بمعرض استفاده گذارده شده مراجعه و از هر حیث خواننده گمراه نشده و تاریخ ملت خود را از دریچه عینک ارباب شوخ معاینه نمایند .

مخاطبه : مجملی از مطالبات و یادداشت خاطرات خود را بر

روی صفحات کاغذ ترسیم نموده از خدامغفرت و از قرائت کنندگان
عزیز چشم پوشی از لغزش و اشتباه و خطا را طالبم .
غرض نقشی است که ما باز مانند
که هستی را نمی بینم بقائی

پوشیده میان آنکه نگارشهایی مذکور در این کتاب مشحون
از یگرشده حوادث و تطورات میباشد که در وطن عزیز ما ایران رخ
داده، و خلاصه ایست در دودبیاچه و پایان و دوازده فصل بدین ترتیب
از عالی بیدایش مشروطیت، و حوادث ادوار مختلفه آن تا قبل از سوم
حوت ۱۲۹۹ شمسی، مداخلات بیگانگان تا مهاجرت وائرات آن،
جنگ بین اممال و تاثیر آن در ایران، تصادم نفوذ روس و انگلیس و
قرار داد ۱۹۱۹ میلادی، مختصری از تاریخ احزاب و مطبوعات ایران، باجماعه
نشاندن وضعیت حزبان نهضت فکری و اجتماعی برای اخذ تمدن جدید.
سرگذشتی را که مینگارم. شامل ملاحظات و مشاهدات و
استنباطات و طالعائی است که در نتیجه تماس با جریانات از جاری موق
شونده با دیده و یادگر کنب و مطبوعات، مطالعه کرده ام.

امیدوارم گردش قام طوری باشد که بدون انحراف از خط مشی
بمعرضانه تالیف خود را تدوین نموده به عرض افکار عمومی بگذارم
اینست مقصد و منظور نویسنده تا اللهم غیبی را در ضمیرم جهانر افتد
ح. حلاج

فصل اول

پیدایش مشروطیت در ایران

تاریخ نهضت تجدد و مشروطیت را در ایران باید از زمان و دوره محسوب داشت که ایران دستخوش سیاست مغرب زمین گشته و صحنه مملکت میدان رقابت دول اروپائی شده است بطوریکه میدانیم از اواسط دوره فتحعلی شاه قاجار بین سنوات ۱۲۵۰ الی ۱۲۶۰ هجری قمری بوسیله پیشرفت و غالبه قشون روسیه در سواحل دریای سیاه از طرفی و قفقاز و ترکستان و نادر بحر خزر از طرف دیگر، توجه فزاینده به شرق و هند، تاخت و تاز و تسلط انگلیس با درس امر هندوستان، موجبات و اسباب رفت و آمد ایرانیان را با ممالک اروپا فراهم و انتظار عقلا و متفکرین با اوضاع و علوم و فنون و نظامات فرانکستان بیش از پیش جاذب گردید. از سنه ۱۲۳۶ الی ۱۲۴۲ هجری قمری دوره ده ساله از دو خورد ایران و روس و خصوصاً بعد از شکستهای بیابانی لشکریان ایران بواسطه اسایحه ماشینی و آتشی از مهاجمین روسی، توجه بیشتری باخذ تمدن جدید در طبقات عالی و رجال حل و عقد مبدول گردید. بعلاوه ایاب و ذهاب فرنگیان با ایران و اموری بین ایران و فرنگ از دید پذیرفته و ادخال نفوذ و تمدن و نظامات فرنگ بیشتر توسط عباس میرزا نایب السلطنه در سال ۱۲۵۶ هجری قمری بوسیله مستشاران انگلیس و فرانسوی بدو در قشون و سپس در صنایع و دوائر سیاسی و مالی عملی گردید، و نیز در تسریع نفوذ غرب با ایران بیشتر از سایر طبقات آرامنه سعی بودند، چه بواسطه ارتباط و بستگی مذهب آرامنه با مذهب مسیحی فرنگ از دوره صفویه با اینطرف بویژه عصر شاه عباس کبیر، غالباً عهده دار تجارت و مبادله

اجناس اقتصادی با اروپا بودند و در این زمینه دخالت مؤثری داشته اند
در بین رجال آندوره مرحوم میرزا بزرگ و میرزا ابوالقاسم
قائم مقام بیشتر از سایرین بذل مساعی جهت اجرای نظامات غربی در امور
ممالک هاری نموده اند ولی اثر عمده پیشرفت نمودن علم و فن مغرب در ایران از
دوره میرزا تقی خان امیر کبیر شروع و مرحوم امیر (*) عالمانه خرابی اوضاع
ملک و ملت را با چشم بصیرت مشاهده و اصلاحات جدیدی از قبیل ایجاد و تاسیس
دارالفنون (۱۲۶۸ هجری قمری) و اعزام محصل علمی و فنی با اروپا -
تنظیم و تسبیح بودجه را فراهم - و بعداً در سنه ۱۲۷۹ هجری قمری
اولین کتابچه قانونی یا دستور عدالت خانۀ بانرمان استرای آن از طرف
ناصرالدین شاه بطوریکه ذیلاً نقل میشود توسط حاجی علی خان اعتماد
السلطنه وزیر عدالت خانۀ و حاجی محمد قلی خان قاضی تحقیق هجری
گردیده است

ایجاد و تاسیس دارالشورای دولتی در سال ۱۲۸۱ قمری صورت

عدل بخود گرفته و مرحوم میرزا حسین خان سپهسالار جدیت مخصوصی
(*) میرزا علی خان امر کبیر علاوه بر اعزام محصل برای فرا گرفتن
علم و فنر حمی از اهل صفت را به رنگ و استاد با درکار خارجات و بلا هنر آموخته
و در اجابت رسانیده از حواء عهد اعزامی در کار آفا و رحم اصدیهای است که در سال
۱۲۶۸ هجری قمری در طهران ایجاد کرد خانه باور سازی کرده و در امدت تاسیس
کارخانه کاغذ سازی کرده که فعلاً کارخانههای مدرسه کاغذ سازی در محل با این دروازه
اصدیهان موجود است

در زمان آزان یعنی سن ۱۲۶۸ تا ۱۲۸۲ هجری قمری بطوری
که مرآت الزامان تدکیر میدهند در ایران بعضی صنایعی برای تاسیس و ایجاد
صنایع جدیدی چون آموخته و چنانکه با دست هنر و برای کارخانههای کاغذ سازی و
ریسمان ریزی در طهران دایر و در طهران کارخانه سکر ریزی ایجاد شده است
ولی بعداً بواسطه عدم توجه رجال قاجاریه با تادی و ملکت از این رشته است.

در ادخال تمدن و نظامات غربی بعمل آورده و به جلسات مشورۃ هیئت وزراء رسمیت بخشیده اند

چنانکه شورای وزراء در تحت ریاست خود آن مرحوم رسماً در روز دوم شوال ۱۲۸۹ قمری مفتوح گردید

شورای وزراء مرکب بود از صدارت عظمی، وزارت داخله، وزارت خارجه، وزارت مالیات، وزارت جنگ، وزارت عدالت خانه، وزارت علوم، وزارت فواید، وزارت تجارت و فلاح

اینست فرمان تاریخی قانونی عدالت خانه که از نظر خوانندگان میگذرد

فرمان ناصرالدین شاه

راجع بدستور عدلیه و اجرای کابیتولاسیون

فصل اول

در تکلیف سایر وزارتخانهها بادیوان عدلیه اعظام

وزارت امور خارجه

نظر بآنکه یکطرف مدعی بامدعی علیه از تبعه خارجه خواهد بود باید کاریکه بمابین تبعه این دولت و اتباع خارجه اتفاق می افتد، بگذرد باین جهت از وزارت عدلیه مداخله در آن جایز نیست اما مگر اینکه تبعه خارجه نیز بااطلاع سفارت آن دولت و وزیر امور خارجه خود رجوع بدیوان عدالت نمایند - البته باید رسیدگی و احقاق حق بعمل آید توضیح آنکه اگر از متداعیین یکی از تبعه خارجه باشد این خالی از دو صورت نیست: یا عارض اعم از داخله و خارجه بصرافت طبع خود بوزارت عدلیه رجوع خواهد کرد، وزارت خارجه کاری که دراین میان خواهد داشت فرستادن و کیلی است بوزارت عدلیه که از

بدو تا حتم گفتگو مستحضر شده مراتب را بوزارت خود اطلاع دهند
و اگر بعکس باشد از وزارت عدلیه همین وکیل در وزارت خارجه لابد
حاضر خواهد شد

برای حتم کار و کسب استحضار این دو وزارت در این دو قسم
معاکسات که یکی خارجه باشد و دیگری داخه حتماً از حتم گفتگو باید
یکدیگر را اطلاع دهند و با استحضار هم قطع و فصل گفتگو را بنمایند

سایر وزارتخانهها

نظر باینکه لفظ عارض مخصوص است باینکه در دیوانخانه
عدالت رسیدگی و احقاق حق شود و ابتدا احدی از متعلقات سایر وزارت
خانهها را از عرض بدیوان عدلیه اعظم نباید معانت کنند فرماً اگر
دو نفر تاجر یا دو نفر از اهل نظام یا از دفتر استیفا و غیر اینها رجوع
بدیوانخانه عدالت نمایند بدقت غوررسی نموده و احقاق حق بعمل خواهند
آورد و اگر مدعی یکی از وزارتخانهها باشد که مدعی علیه از او اجمع
آن وزارتخانه با اطلاع آن مأمور دیوان عدالت رسیدگی و احقاق حق
نماید و کیفیت قطع و فصل همین مدعی و مدعی علیه را از آن وزارتخانه
بدیوان عدالت خواهد فرستاد که به عرض حضور شده است و رسیدگی
اگر مدعی از بابت وزارتخانه و مدعی علیه از وزارتخانه دیگر باشد که
مدعی بدیوان عدالت آمده و عارض نگردد در سایر دیوان عدلیه می تواند
طرفین را حاضر نموده و غوررسی و احقاق حق را عمل آورد و مثلاً تاجر
یا بنوا یا باغیان و کاسبی از یککس صاحب نام با این که در ادعای طلبی
یا اظهار تظلمی نماید یا مالک کسی بدیوان عدالت عارض شود در دیوان
خانه عدالت میباید بدو شده در کمال استیجاب عرض شده را از وزارتخانه

متعلقه بآن مطالبه نماید که در دیوانخانه عدلیه حاضر شود. آن وزارت
خانه که مدعی علیه ابوابجمع آنست میباید فوراً و بلا تأمل هر کس باشد
روانه دیوانخانه عدلیه نموده و آدمی هم از خود همراه نماید که با اطلاع
آدم آن وزارتخانه امنای دیوان عدالت با کمال دقت رسیدگی نموده
تفکیک عمل و تحقیقات لازمه نموده احقاق حق نماید. و الا اگر مدعی
علیه در حاضر شدن استنکاف و تعالی و قائل نماید، وزیر دیوان عدالت
حق نخواهد داشت که بعضی خاکهای مبارک رسانیده محصل امور شده
حکماً مدعی علیه را در دیوان عدالت حاضر سازد و هیچیک از وزارت
خانهها حق نخواهند داشت که غیر از ابوابجمع خود مداخله در ابوابجمعی
دیگری نماید مگر وزارت عدلیه که حق دارد در هر وزارتخانه و
هر جا هر کس عارضی بمرسد غوری نموده احقاق حق بعمل آورده
بشرایط معلوم معینه که مرقوم شد و در هر دایره وزارتیه گفتگویی که
منتهی بر جوع شرع شد رسیدگی و اجرای آن بالانحصار مخصوص
وزارت عدلیه اعظم خواهد بود.

فصل دوم

در تکالیف دیوان عدلیه اعظم با احکام مسائل متبروسه

شقی اول: در تکالیف عمایین وزیر عدلیه با احکام دارالخلافه است
ساکین و متوطنین و متوقفین دارالخلافه اعم از شریعه بانومی
که باقسام مختلفه میباشند، نوکر، تاجر، تبعه خارجه، گسیه، خوش نشین،
رعیت، زارع و آنچه متعلق بسایر وزارتخانهها باشد از قبیل نوکر، تاجر،
تبعه خارجه و غیره و شیره حکم آنها بانحوی است که در فوق مرقوم شد
آنچه کسبه و رعیت و زارع است، موافق قاعده کلیه که دیوان
عدالت ذی حق است در رسیدگی عراض و احقاق حق کافه ناس همین

حق را در رسیدگی عموم اهالی دارالخلافه و توابع نیز دارد .
لیکن محض ملاحظه تقویت حاکم دارالخلافه از جانب سنی الجوانب
همایون امر و مقرر میشود که اهالی دارالخلافه و توابع مختار هستند ،
در اینکه عرض خود را بدیوانخانه عدالت بیاورند یا نزد حاکم و وزیر
دارالخلافه ببرند .

حاکم و وزیر دارالخلافه طهران نباید احدی را ممانعت از عراض
دیوان عدالت نماید . و در دیوان عدالت هم اگر عارضی از اهالی و نواحی
عرض کند آنهم بر ذریع نوع است : اگر عارض عارض از دست گماشتگان
حاکم و وزیر و مباشرین دارالخلافه و توابع باشد ، بر ذمه امنای دیوان
عدالت فرض است که عرض عارض را بپاکیای همایون رسانیده ،
بنحویکه از جانب سنی الجوانب همایون امر و مقرر می شود معروض عنه را
حاضر نموده با کمال دقت و غوررسی رسیدگی نمایند و بعداً از عرض
ساطع النور همایونی احقاق حق نمایند . در این صورت اگر از جانب
امنای دیوان عدلیه معروض عنه را حاضر نمایند اگر چه شخص حاکم
یا وزیر باشد . باید در دیوان عدالت بدون عذر حاضر گردد و از عهده جواب
مدعی بطور حساب برآید و هیچ کاری را بر این مقدم ندارد و الا اگر
مدعی از کسان و بستگان حاکم دارالخلافه باشد از جانب امنای دیوان
عدالت آذمی همراهِ مدعی مأمور شده نزد حاکم و وزیر دارالخلافه
برسد حاکم نیز مدعی علیه را حاضر نموده و در حضور مأمورین دیوان
عدالت غوررسی و احقاق حق نماید و مأمور دیوان عدالت کیفیت را نوشته
بوزیر دیوان عدالت اعظم بدهد . تا بنظر انور اقدس همایونی برساند
اگر حاکم و وزیر دارالخلافه در رسیدگی عرض عارض طایف

و غرضی منظور کند که مدعی غرض و طرفداری آنها را در دیوان عدالت برساند . با حاکم و وزیر باین اعتنائی و اهمال و ظفره بگذرانند و بعرض عارض رسیدگی ننمایند . و آدمی که از دیوان عدلیه مامور میشود معطل دارند که از پنج روز بگذرد . در این صورت وزیر دیوان عدالت حق خواهد داشت که مدعی علیه را در هر جا و هر کس باشد در دیوانخانه عدلیه بامدعی حکما حاضر ساخته رسیدگی نموده احقاق حق نماید و بعرض خاکپای همایونی برساند . و نیز اگر مدعی مزبور بسبب موجهی که در دیوان عدالت نماید انکار از ترفع و تحاکم در نزد حاکم و وزیر دارالخلافه نموده و سببی موجه و حشمت نماید از دیوان عدالت حاکم و وزیر دارالخلافه مینویسند که مدعی علیه را با آدمی از خود بدیوان عدلیه بفرستند تا با اطلاع آدم حاکم و وزیر طی دعوای طرفین بحق بشود و حاکم و وزیر دارالخلافه نیز مدعی علیه را بلا تاخیر بفرستند بدین معنی است محض تقویت حاکم و وزیر دارالخلافه و وزیر دیوان عدلیه اعظم رجوع محاکمات و گفتگوی فیساین اهالی دارالخلافه را که در تحت حکومت مندرج هستند مهمل امکن بخودشان خواهند نمود . لیکن حاکم و وزیر دارالخلافه میباید در اجرای اوامر و نواهی احکام دیوان عدلیه اعظم ، بهیچوجه مسامحه و اهمال جایز ندارند . و هیچ حکمی را از دیوان عدالت مهمل و متروک نگذارند . و امر عارض را هر جا منتهی کردند ، بوزارتخانه عدلیه اطلاع دهند ، که بواسطه وزارتخانه مزبور مراتب را بعرض حضور همایون برسانند زیرا که احکام دیوان عدلیه اعظم راجع بوجود مسمره همایون و بعرض خاکپای مبارک است و تخلف از آن خلاف رای عدالت آرای همایونست

شق ثانی : در تکالیف دیوان عدلیه اعظم است باحکام ولایات
ممالک محروسه.

نظر باینکه اجرای حقوق ذوی الحقوق و رفع ظلم و رفع جور
مرکوز ضمیر منیر همایون است ، لازم بود مانند دادرخالخلافه در هر ولایتی
نیز دیوانخانه با اجزا و اسباب آن از جانب دیوان عدلیه اعظم مقرر
گردد که کلی دعوی مردم با اتمام در آنجا بشود ، و همیشه روزنامه کل
بدیوان عدلیه اعظم برسد ، که امضای دیوان عدالت ثبت و ضبط کنند
تأیس از این دعوی گذشته در هر جا که باشد دو باره نتوانند از سر بگیرند
و مزاحمت با ولایای دولت یا بطرف منازع برسانند ، لیکن چون حکام ممالک
محروسه متمسک باین هستند که برقرار نمودن دیوانخانه با اجزا و لوازم
آن مایه اختلال امر حکومت میشود ، لهذا بسلاحقه تقویت حکام عجالاً
از این منظور بزرگ خجسته صرف نظر فرموده امر و مقرر داشتند که از
دیوان عدلیه اعظم بهر ولایتی یک نفر آدم عاقل ، آرام ، بی داعیه با عرض
خفا گمبای مبارک مسود گردد ، محض از جهت اینکه اشخاصیکه بدر بار همایون
آمده و بدیوان عدلیه اعظم عارض میشوند ، برای اجرای هر حکمی
محصل مخصوص منظور نشود ، و احکامیکه از دیوان عدالت حکام صادر
میشود آن شخصیتی که از جانب دیوان عدلیه مامور است ناظر اجرای
آن حکم باشد که حکام آن ولایت چگونه با عارض رفتار نموده بهر
نوع در اجرای حکم دیوان عدالت رفتار نمود مراتب را کسباً هوحقه
بدیوان عدالت نوشته عرض نمایند .

اگر حکام اجرای احکام دیوان عدلیه در الزومی بیغرضی و درستی
جاری نمودند که در خفا گمبای مبارک ممدوح و مستحسب خوانند بود
و الا اگر بی اعتنائی کردند و بغرض و طمع حق ذوی حق را باسبال کردند ،

بدیهی است چنین حاکی ظالم خواهد بود . و رفع ظلم بر ذمت همت
ملوکانه فرض است در این صورت واجب میشود که از دیوان عدالت
مامورین بزرگ مامور بشوند و رسیدگی بعرض و داد مردم مخصوص
آنها شود ، و برای حاکم هم آن اعتبار و اعتماد در حضور مهر ظهور
همایون نخواهد بود . و نیز ماموری که از جانب دیوان عدلیه بجائی منصوب
میکردد . اگر از مظلومین رعایا کسی از بستگان و گماشتگان حکام شکایت
وعرض داشته باشد که چاکم عرض کرده و حاکم بجهة طبع یا طرف
گیری مدعی علیه اعتنا بعرض مدعی نموده غوررسی و احقاق حق
نکرده باشد ؛ ماذون خواهد بود که عرض عارض را مخفیانه بدیوان عدالت
برساند ، که از دیوان عدلیه معروض خاکبای مبارک افتد تا بهر چه
اقتضای رای جهان آرای همایون حکم محکم جهانمطاع باشد از مصدر
خلافت کبری صادر خواهد گردید .

و اگر ماموری که از جانب دیوان عدلیه بجائی منصوب میشود دروغ
افتراء در حق کسی از حاکم و غیره بنویسد . یا بخلاف واقع عرض کند
و در وقت غوررسی و تحقیق نتواند از عهده اجرای عرض خود برآید
مورد تنبیه خواهد شد ، و هم معزول از شغل و منصب و مواجب میگردد .
و ابدا دیگر در این دولت بهیچ خدمتی مامور و منصوب نخواهد شد . و
در هیچیک از وزارتخانه ها و رانبايد خدمت دیگر و ادارات نیست دستور العمل
و تکالیف دیوان عدلیه اعظم که بر حسب امر و اراده رای بیضا ضیای همایون
اقدس مرقوم گردید .

چون خدمت و نظم عارضین دیوان عدلیه را از شخص اعتماد السائنه
حاجی علیخان وزیر عدلیه خواسته ایم و باید در این فقرات کمال سعی را

بکنند لهذا این کتابچه و دستور العمل دیوان عدلیه اعظم بر وفق حکم
و فرمایش مانوشته شده و صحیح است

امنای دیوانخانه و سایر وزراء و حکام و غیره نباید از این تخلف نمایند.

۲۲ جمادی الثانیه ایتیل ۱۲۷۹ هجری قمری (نقل از مرآت البلدان)

میرزا سعید خان وزیر دول خارجه بوسیله مرحوم (شیخ علی
مژندرانی) با کفتمه ناسخ التواریخ و تاریخ پیداری ایران که «مخترع» ننگ
تیر» و «کالسکه خودر و» و «ساعت دزدگیر» در طهران است قانون
کاملی برای ادارات و عدلیه تحریر نمودند که در کتابخانه سلطنتی
موجود است

مرحوم امین الدوله نیز خدمات شایانی بنهضت و ترقی و تکامل و
قبول نظامات فرنگ در دوایر مختلفه و تکمیل دوایر بستی نموده است
از اشخاصی که خدمات عمده بعالم شرق و ممالک اسلامی عموماً و
ایران خصوصاً نموده و هوجبات جنبش عمومی و خاندان افکار را فراهم
ساخته اند مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی (انقلابی) و دوستان نزدیک
وی میباشند

عزیزانیه بوسیله همفکران خود امثال شیخ احمد روحی کرمانی
و میرزا آقاخان نایبات مؤتوی در زمینه اتحاد اسلام بعمل آورده و با
علماء اسلامی نمایندگان و مراسم را گذارده و باعث پیداری طبقه ممتاز
نگر دیده اند

برای سرعت جور بان ابلغ در سال ۱۲۵۹ هجری قمری در مکه
و عظمه آنچه ن (ام الفوری) را تأسیس و تا بکمال انجمن برورد دابر بود و

بالاخره از طرف سلطان عبدالحمید پادشاه معروف عثمانی منعزل گردید.
پس از آنحال جمعیت ام القری، مرحوم سید برای نشر افکار خود نامه
زیبنده (عروذ الوثقی) را منتشر و تادم مرک از خدمت بعالم شرق سو تنافت
پرنس ملکم خان (ناظم الدوله) که در جای دیگر یعنی در قسمت
تاریخ احزاب و مطبوعات ذکر آن خواهد شد در پیشرفت و اخذ تمدن فرنگ
کوشش های مؤثری بعمل آورده است و مرحوم مؤید الاسلام مدیر حبل المتین



(۱) طرفدار اتحاد اسلام و بیدار کننده ملل شرق خصوصاً ایران
در قرن معاصر

سید جمال الدین اسد آزادی معروف به (افغانی)

بیش از سایرین از مجاری تبلیغ به بیداری و نهضت ایران خدمت نموده اند
صنیع الدوله و محمد حسن خان اعتماد السلطنه و فروغی (مرحوم ذکاء الممالک
پورنگ) بذرهای افشاندن را آبیاری و دامنه نهضت را وسعت بخشیده اند

خلاصه . رفته رفته دانیان و اصلاح خواهان از هر طبقه از گوشه و کنار ب فکر اصلاحات افتاده و دنباله این جریان غیر مستقیم ادامه داشت تا در دوره مظفری استقراضهای پیاپی از روسها و اسراف در مخارج بواسطه مسافرتهای بلا نتیجه بفرنگستان و بذل و بخشش بیجا و خرابکاری های امیر بهادرها تقریباً زمین را بجهة قیام ملت آماده ساخت . خصوصاً تقسیم مشاغل دولتی بین شاهزادگان - چنانکه صدارت عظمی نصیب شاهزاده عین الدوله و سپهسالاری ممالک حق مسلم امیرخان سردار برادر عین الدوله ، فارس قسمت شعاع الساطنه ، آذربایجان ملک - خان و تیول محمد علی میرزا ، لرستان و بروجرد نان خانه سالار الدوله همینطور سایر نواحی در زیر پای جمعی شاهزاده خود خواند پامال و خرابی دربار از طرفی و شدت رقابت سیاسی روس و انگلیس بر سر آسیا اصولاً و ایران فروعاً از جهتی بر اشتداد اوخاع افزوده و بکسره پرده را از روی کارها برداشته و راز نهفته را آشکار و ایران را از هر جهت برای نهضت و اخذ تمدن جدید و قیام و اقدام اصلاح خواهان مستعد و فراهم نمود که بعداً شرح آن بیاید





(۲) — پیرزاد ابو القاسم فر اهدانی مهر و فی به قائم مقام بزرگی
خدمت معظم له به بهت ایران مستغنی از توصیف است

فصل دوم

هیجانات اولیه

متعاقب جنگهای روس و ژاپون در شرق اقصی و اختلال اوضاع تجارتی که صدی پنجاه از میلان تجارت ممالک در دست روسها افتاده بود، بواسطه آشفتگی جریان اقتصادی روسیه و بستگی و ارتباط محکم تجارت ایران و روس بعد از معاهده منچوس، تر کمانچای، که تازه میرفت پای بر جای شود، نقت و قند یگانه محصول مهم وارده از شمال و مصرف زیادی که بتدریج در بازار ایران پیدا سوخته و جزء حوائج عمومی شده بود، در اثر شدت جنگ - ناگهان ترقی فاحش یافته و ترقی قیمت و کمیابی نقت و قند نقل هر مجلس و محفل شده بود.

معاوم است در یک چنین مواقع تجارت ذیفع در صدد حباب استفاده بر می آید. از آن زمان چند نفر تاجر قند فروش - یکی موسوم به سید هاشم قندی و دیگری سید حسین ساکن کاروانسرای تجارته امیر واقع در بازار طهران قند زیادی احکام و طرز دایخواه به معرض فروش می گذاردند.

نظر بانکه غالباً قندیهای طبقات دایه و دانیان عاده نسبت آذینوی رفیع احتیاجات روزانه خود نمایی میکنند تازه بدین قبیل را در دست و خیر اندیش منتظر چنین وقت و فرصتی بودند و درین موقع مناسب برای انحراف از عادت و میدادند در چهار وقت و با چه تر لب و زبانیهی و تر نسبی می توان بقیام و انجام

و داشت. و این مسئله دائم در محافل مخفی و ذی علاقه مطرح بود. و غالباً باز نزد خواص بود که: سیاست طهران وابسته بنان و ما بهیچتاج روزانه عموم است! از این نظر عمال تابع در آن موقع از هیچگونه اشارات گوناگون و هیچ فروگذار نمیکردند.

از طرف دیگر رجال دربار مظفری موضوع را دانسته و از تهیه و تسهیل ما بهیچتاج عامه تاهیتوانستند غافل نمیشدند.

در این هنگام که وضع قیمت و کمیابی قند در هم و برهم و اهمیت یافته و شهر را پر از هیاهو و جنجال ساخته بود، و دستهای پشت پرده بادیست کش شریعت خواهی و ملت پرستی سرگرم کار و موجدیت تلاطم و انقلاب را فراهم مینمودند. از طرف صدر اعظم شاهزاده عین الدوله با عجله هر چه تمامتر علاء الدوله را که در حکومت استرآباد جزیره بخرجه داده بود، احضار و بحکمرانی دارالخلافه منصوب و برای رفع غائله چون از دست ظالمین بودند. هر گونه اختیار را بدو تفویض نمودند.

علاء الدوله نیز حقه مرعوب نمودن اهالی روزی چند ثمر آردل و فراش با خود برداشته و پس از گردش مختصری در بازار بطوریکه قبلاً پیش بینی نه و در تصمیم گرفته بود، در کاروانسرای امیر داخل و در مقابل حجرات سید هاشم و سید حسین قدیمی ایستاده و پس از سؤال و جواب کسی امر داداشخاص مذکور را شلاق مفصلی زدند و چند عدل قند را بین فقیرای تماشاچی قسمت کرد (۱۴ شوال ۱۳۳۳ قمری) ضمناً با تنزل قیمت قند نرخى اعلام و بدارالحکومه عودت کرد.

شلاق خوردن سید هاشم و سید حسین سیاه پیر مرد بدست بازیگران سیاسی که از مدتها پیش خود را برای چنین روزی آماده می نمودند بهانه خوبی دست داد.

در اثر این پیش آمد صدای واشریعتا و وادینا و رد زبانها گسردیده و در ب منازل علماء دین که قبلاً دهمیاشده بودند مانند مرحوم آقای سید محمد طباطبائی مجتهد و مرحوم آقای سید عبدالله مجتهد بهبهانی بر روی سر جنبایان بازار و طلاب علوم دینیہ باز شد .

طبیعی بود تجمع طلاب و کسبه بازاری سبب اظهار شکایت گردید و باب مباحثه و مشاجره فیما بین قائم دین جماعت و رجال مظفری مفتوح و کم کم درشته بدر از اکتشیده و مساجد و منابر میدان مبارزه سیاسی و صحنه تبلیغ و تهییج و عاظ و اهل منبر شد و مردم سخت تحریک شده و بهیچان آمدند .

مساجد رونق گرفت و حجاج شیخ محمد واعظ معروف ساعطان الواعظین بیشتر از سایرین جوش و هیلا میزد و در موقع موعظه در مسجد جامع نسبت به صدر اعظم عین الدوله اهانت و زنیده اندا حکیم توفیق واعظ مذکور از طرف صدر اعظم صادر و در صدد گرفتاری او بودند .

فقهارا با نورین گرفتاری سخا شیخ درمقانی قراولخانه حجاب حیاط شهری اشیرج صادق و شیخ را در قراولخانه توقیف کردند

چند نفر سید و عظامه سر و سینه زان بدو رد افتاده و مردم را از وادعه بخس و اهالی برای نجات و اعظ فقر اولخانه مجرم آور شدند

حیاه میاحسین بقراولخانه باعث شایک سر از شده در این میان سید عبدالحمید نام طلبه جوان مقتول گردید .

قتل سید عبدالحمید بیشتر بر هیجان مردم افزود و جمعی نعش مقتول را برداشته و به مدرسه دینی (آصفیه) که در آن نزدیکی بود انتقال دادند .

شهرت قتل سید و هیجان کسبه بازار و طلاب باعث فهم عانی عاقد دین شده و بدین ترتیب در اماکن مغنسه از طرفین بازار قبویه حضرت



(۴) - مصباح امور کشوری و لشکری و موجود معارف حد

درايران سردار قتي خان امير كمر

بدالعظیم و قم حرکت نمودند. (۱۸ شوال ۱۳۲۳ قمری) و مسجد جامع محل اجتماع طلاب و اصناف بازاری گشت؛ برای اسکات علماء و مردم از طرف مظفر الدین شاه فرمان رسیدگی بعراض مردم و علماء و تکمیل عدالتخانه صادر و عدۀ از علماء از قم مراجعت نمودند و برای تعیین تکلیف قطعی و نتیجه گرفتن از اقدامات خود در قصبه حضرت عبدالعظیم سکونت اختیار نمودند و بیشتر بر مخالفت اوضاع افزودند و لوی سیاسی را در زیر نقاب مذهب و عدالت خواهی برافراشتند. و جمع مسجد جامع را تقویت بخشیدند از طرف صدر اعظم عین الدوله برای تفرقه جماعت متحصنین مسجد جامع محمدولی خان سپهسالار تکابنی مامور تفرقه مجتبعین مسجد جامع گردیده و فوج سر بازار اطراف بازار و مسجد را از هر طرف محاصره و راه آذوقه را بر روی اجتماع کنندگان مسدود کردند تا جایشیکه بین متحصنین و طلاب و محاصره کنندگان کارزد و خورد کشید و بازار اغتشاش و هیجان گرم تر شد.

رجال دربار مظفری نیز دو تیره بودند و برای مقام خود در حق از یکدیگر کار شکنی میکردند؛ دسته متوفقیین قصده حضرت عبدالعظیم را تخریب میکردند و عدۀ برای مرعوب نمودن کسبه و اهالی جمعی از اوطاع شهر را واداشتند تا شبانه داخل صحن حضرت عبدالعظیم شده و داخل خواب مرحوم میرزا مصطفی آشتیانی را با طرز فحش و بدقولی بیشتر و وحشت و طفیان را فراهم کردند و نیز جهت تکمیل مرعوبیت مردم فرمانی از طرف عین الدوله در شهر بدیوارها الصاق گردیده و عبود و ورود در شهر از ساعت از شب گذشته بدون اسم شب بخشن گزریدند، شبها مامورین قلاط و تعداد و فرامان حکومت خانهای منوراین و مظفرین را درق الباب



(۵) - میرزا حسین خان قزوینی (سپهسالار)

مؤسس شورای دولتی و شورای وزراء

کرده و میگویند: بیاید آب برید! بیچاره صاحب منزل بطمع بردن آب از خانه خارج و فوراً دستگیر و روانه محبس میگردد همه روزه تبلیغات اضطراب آور با کمال شدت در شهر و بین اهالی مخصوصاً طبقات اصناف بازاری و کسبه و تاجر از طرف محافل مخفی و اشخاص ذینفع جریان داشت، عمال شبیه که هر دسته برای پیشرفت نظریه خود کار میکردند با نهایت پیداری و زبردستی آب را برای ماهی گرفتن کمال آلوده نموده و دامنه تقنین بین رجال دربار مشغولی و مردم از همه جا بیخبر را وسعت داده و عوام را بنام دین و مذهب و عدالت بطنبان دعوت میکردند.

چنانکه از طرفی عمال حکومت را با استبداد و فشار و تجاوز تشویق و ترغیب مینمودند. و از جهتی طایف شاه و دینیه و همچنین کسبه و اصناف را به تهمید و سرکشی و غوغا و آوارگی و آتش فتنه را دامن مینزدند.

علماء و فقهاء کما فی السابق در منصب حضرت عبدالعظیم (ع) متوقف و جهة تهییج افراد ملت و ایجاد هیجان نماز جماعت را متروک و مساجد را تعطیل نموده و با ولایات و ایالات بنای کاغذ پرانی را گذارده بودند در این گیسو و دار عمال نقاب دار و میافین محافل خفیه بعنوان امنیت و عدالت میخواندیم. کسبه و اصناف را بر آتش و تهمین در سفارت انگلیس ترغیب و تشویق میکردند. از همه برای نتیجه بیوقف بیکانه فراموشی و مردم زحمت کشی و کسبه ازین بر جان زمان توکل بخارجی تا فوئدی عقلمشورده و جسمی بر آتش و حسی محمدتقی مصروف به بندگان باشند و بساط و اعتبار کافی در دولت مانع از تخریب دولت انگلیس را در شهر پلانی نامشایی را از خزانه در آورده



٦ - صنيع الدولة فنياكار راه اصلاحات مالي واقتصادي عصر جديد
واولس رئيس دارالشورى ملي

فصل سوم

توسل به بیگانه

مسئله توسل به بیگانه و قبول خفت و مذات از خارجه و طلب دخالت اغیار و پناه بردن در زیر بیرق اجنبی یکی از زیاد گزهای شوم دوره سلطنت قاجاریه میباشد! که عمال دول استعماری فرنگستان برای تولید تفاق و تضعیف قوای ملی بکار بردند و بدین وسیله استفاده‌های قابل توجهی از سادگی و عواطف افراد شرقی نمودند و مقاصد سیاسی خود را بنام خیرخواهی و نوع پرستی و قانون و نظامات ظلمی از پیش برده اند.

ولی موضوع اتکاء بنما کن مقدسه و بست نشستن در ظان عنایت و عدالت شاهانه و معا بد از زمانهای قدیم در ایران معمول بوده و در قرون اخیره سلاطین صفویه برای ترویج مذهب تشیع مردم را به تحسن در اما کن مقدسه مذهبی عمدا تشویق و ترغیب مینمودند.

بست نشستن و پناه بردن بنمایندگان خارجه بطوریکه کتاب آبی مینویسد از دوره محمد شاه قاجار و صدارت حاج میرزا آقاسی سابقه پیدا کرده بود. چنانکه در سنه ۱۸۴۴ میلادی مطابق ۱۲۶۲ هجری قمری جمعی به تحریک عمال تفاق انگلیس خارجه که تازه در پنده درو آیدند بودند به عنوان شکایت از تجاوزات حاج میرزا آقاسی در سفارت روس و انگلیس تحسین اختیار کرده بودند. و این عمل خیانت آمیز و مخالف شرف استقلال ملی و پرورش دهندگان صنعت نفس بنما از دوره حاج میرزا آقاسی در بین طبقه

ممتازة گاه گاهی معمول شده بود و از طرف رجال دربار قاجار با دخالت
بیگانه ماست مالی میشد . در اینموقع بطوریکه در ضمن راپورتهای رسمی
در چنداول کتاب آبی میویسند : از مدتی قبل از تظاهر عانی بشیام
و طغیان و تحصن در سفارت فیما بین برخی از علماء دین و اولیاء سفارت
انگلیس مکاتبات محرمانه در جریان بود .

بعد از کشته شدن سید عبدالحمید و جنرال گرافتاری حاج شیخ محمد
واعظ و تفرقه اجباری اجتماع مسجد جامع و جریان تجمع متوقفین صحن
حضرت عبدالعظیم ، وضعیت روشن تر و ما بین مرحوم آقای سید عبدالله
مجتهد بهبهانی و (مستر کانت دوف) شارژدافر انگلیس مکاتباتی بعمل
آمده که یکی از مراسلات را ذیلا از کتاب آبی نقل مینمائیم .

« ما علماء و مجتهدین چون راضی نیستیم خونریزی بشود ایذا
حرکت باماکن مقدسه را عازم گشتیم! و از آنجناب متمنی هستیم که در دفع
ظلم و تعدی همراهی خود را از ما دریغ ندارند »

بعد از حرکت آقایان باماکن مقدسه در تفرقه که در راپورت رسمی
مندرج در کتاب آبی اسم نمیبندند! در سفارت قلهک باشارژدافر مذکور
در زمینه تهیه وسایل تحصن مصاحبه بعمل آورده و مستر کانت دوف
چنین جواب داده اند :

« امیدوارم اقدام باین عمل نشود ، باینکه بست نشستن و نگاهداری
و حفاظت بستیان در ممالک ایران امری است مشروع ولی در صورت اقدام
بایستگار باز مجبور است بواسطه قوه قهریه شما را مانع از دخول شوم »
با وجود تظاهر به تهدید و اسلام بیغام خشن در موقع ورود
جمعی بسفارت - بهیچوجه اقدامی در جابو گیری از تحصن و بست نشستن

بعمل نیامد و بلافاصله عصر روز نوزدهم ژوئیه ۱۹۰۶ میلادی مطابق ۱۳۲۳ هجری قمری قریب پنجاد نفر از طلاب و تجار و اصناف به محل سفارت طهران رفته و شب را در آنجا ساکن شدند. و بر عده ایشان روز بروز منظمأ افزوده میگشت تا بجائیکه امداد نفقات تحصنین به چهارده هزار نفر بالغ شد.

بیست چهارم رجب ۱۳۲۴ هجری



(۷) - میرزا علی خان گاندی (تبعاً المصوئه)
مصلح تسکلات کسروی و مؤسس سازمان بطور حلیه

هر دسته و صنفی از مجتسمین در سفارت انگلیس جدد مخصوصی برای منصف و طبقه خود برپا نموده و تصمیم اختیار کردند. بازارها عموماً تعطیل و محل نشیندگی خارجیه بنام گاندومسکن اجتماع طبقات تجار و اصناف گردید. معلوم است در يك چنین موقع سوریان حاشیه نشین - باغ صفای سفارت را استراحتگاه خود قرار داده بودند و همی راه انداخته بودند.

اوضاع جماعت متحصن از هر جهة تماشائی بود و همانطور که موضوع سرمایه اصلی و میخارج متوقفین قصبه حضرت عبدالعظیم کاملاً برای ارباب پیش مجهول بود - دوران ثروت پناه جستگان سفارت نیز مسئله بخرنجی را تشکیل داده بود

برخی معتقد بودند که از طرف بچار عمده برداشته میشود .
و بعضی میگویند وجوهات ظل السلطان یا سالارالدوله و امیرزاعلی اصغر خان اتابک مشگل گشائی مینمایند و بالتیجه شاید همه میدادند و بر ضد همدیگر کارشکنی میکردند . و هر کدام در طریق مقصود نظر به خاصی داشته در پی اغراض خود افتاده بودند . در هر صورت سوز و یابو در راه و بالاخره نتیجه بر له ملت تمام شد . :

بالجمعه از طرف خزانه غیبی بعنوان صندوق بچار بساط را سرو صورت داده بودند و یک جماعت چهارده هزار نفری را شام و نهار خانان رسانند .
منظره مطبخ ملی بی تماشا نبود مثلاً دیگهای باو مانند خط و نجیر سپاهیان حبشه و افریقائی مرکزى جهة حبه شمالی باغ سفارت را اشغال نموده و هنگام ظهر یا اول شب که وقت صرف نهار یا صرف شام خوردن بود مجموعه های باو بتناسب کثرت و قات نفقات چادرها تقسیم و حیوانات اصناف هر کدام یک مجموعه از رنج پخته و دم نکشیده و ظرف خورش قرمه سبزی و قیسه را بر سر گرفته و رو بطرف چادرهای قلندری مأوای خود در حرکت بودند .

رفت و آمد سر بائیمها منظره زینا و قابل توجهی را برای کنجکاوان تاریخ نویس تشکیل داده و شعراى حاشیه نشین بمدیحه سرائی باغ و یابو نغمه سرائی کرده و قطعات اشعار را زب چادرها درختان باغ کرده بودند .
هر صنف و طبقه ، مطابق ذوق و سلیقه خود چند کلمه یافته ادبای دیسی را

در روی قطعه مقوا ترسیم و نوشته را در رهگذرها آویخته بودند و بدین وسیله بروز احساسات میگردند.

در بین گروه اجتماع کنندگان ظاهر احرف و مطالبی غیر از تقاضای امنیت و اجرای احکام شرع و عدالت و اصلاح دربار ذکر نمی شود در غالب شبها مرحوم حاج سید عبدالحسین واعظ اصفهانی در چهار طالب متحصن بمنبر بالا میرفت و شرحی از مظالم و تجاوز افراد ظالم یا مجاسن عدالت و قانون گوشزد مستمعین نموده و مقداری گویه برای شنیدای کربلا (ع) میگرفت و مجلس روحیه سیاسی ستا شب بعد برای خوردن شام تعطیل میگردید. خلاصه آنکه مردم بطور کلی ندانسته میرقصیدند و استثنای بازیگران مخفی و سرخپانان اجتماعی دیگرین نمیدانستند چه بخوانند و چه نمانند بخوانند با تمام بیخبری های عامه از جریان و صعوبات شعور مای و هیجان روح ترقی و تکامل طلبی روز بروز بر قوت خود افزوده و نشو و نما مییافت. فرائین و امارات و اوضاع و احوال نیز بمردمسان کنجکاو نشان میداد که موضوع اینقدرها ساده نیست. و در زیر پرده استوار اسرار و مذاکراتی در جریان و کیفیتی در کار است که تودعات و اغاب مجتسمین و مستیان سفارت انگلیس را از آن اطلاعی نیست. در بین اجتماع کنندگان و محافل سری با ترتیبات منظم بخوبی دایر و مشغول کار بودند. چنانکه عمده را مخفیانه برای انضامات بکار گذاشته و کاپه اقدام و حرکت رفت و آمد کنندگان را در تحت نظر گرفته بودند. در زمینه انتظام طلبی و نجات فطری و حسن طینت ایرانیان در یک چنین هنگامه شور و شوفا را بورت رسمی اولیاء نمایندگانی انگلیس در طهران بوزارت خارجه لندن چنین توضیح میدهند:

«رفتار جمعیت خیلی موافق نظم و ترتیب بود: حسن انتظام و ترتیب داخلی متحصنین بواسطه رؤسای ملت تأمین شده بود، و کسانی که احتمال فساد در حق ایشان میرفت، در سفارت و میان خود راه نمیدادند. برای حفظ از آفتاب و بارندگی در سفارتخانه چادرهای بسیار برنا بود و امور شام و نهار متحصنین چنان نظام و ترتیبی داشت که بهیچوجه



(۸) - سرد محمد طباطبائی مجتهد سنندژی

تغییری در ساعات و مکان آن داده نمیشد. کلیه مصارف و مخارج را جمعی از تاجار معتبر کفیل بودند. کنل دو کلاس آتاشه میتر مواظب ابنیه و عمارات سفارت بود باوجود اینکه بهیچوجه بانکار احتیاج نبود!

چه خود متحصنین بیش از پیش رعایت نظم و ترتیب و قانون را مینمودند...
نقل از جلد اول کتاب آبی «

از طرف مجتهدین جمعی را برای تهیه اطلاعات گماشته بودند و
قسمتی را جهت نشر عقاید و تبلیغ نظریه مؤسسه غیبی مأمور کرده بودند
نگارنده که خود شاهد قسمتی از قضایا بودم خوب بخاطر دارم
روزی بشعبه تبلیغ خبر دادند که از طرف مرجعین و مخالفین در بین
حوانان نجار واره کش اعمال غرض شده و حوانان نجار از اینکه نمیدانند
چه میخواهند و برای چه اینجا آمده و از کار بیکار شده اند. ناراضی
و عصبانی شده و با تی تی زید خیال تفرقه دارند. اگر مر حیات تفرقه
پیش آید اطعمه و شکست بزرگ بنهضت آزادی خواهی وارد خواهد شد
از همه بدتر آنکه حوانان ارد کش عوامند و حرف حساب بخر جشان
نمیرود و نمیدانیم با آنان چگونه باید رفتار کرد. اگر این دسته زبان فهم
از سفارت بیرون روند طبیعی است شکست در قطار افتاده و در بین کسبه
و اصناف تقصیر خواهد افتاد و کار متحصنین بالا نیجه و زار خواهد شد!
شورای مبلغین شروع به رای زنی نمودند و هر یک چیزهای گفتند.
یکی از سر دسته های مبلغین زیر دست معروف به مشهیدی حسین
شیشه بر - دستور تبلیغ را بدین نهج صادر نموده و گفت بجز حوانان نجار
بگوئید: برادران دینی. متحصنین سفارت که شما الحوان خود از آنها
هستید میگویند: در این روزها کاری صورت عمل بخود گرفته.
که شمر از ارتکاب آفت شرم دارد و عرش خدا باورزه آمده. برای
آنکه گناه لواط از قتل امام بالاتر است از این معصیت کبیره بالاتر.



(۹) سید عبداللہ مجتہد دہلوی

تخریب بنیان بیت المال مسلمین است از تمام اینها عظیم تر تزییع اخلاق اطفال و جوانان نادان و معصوم است. برادران دینی، مگر نشنیده‌اید که بواسطه مجالست یکشب با عزیز رفیق یهودی عشرت آباد که یکی از باغهای معروف سلطنتی است، عزیز بخشیده شده و این مسئله طوری در انظار کافر و مسلمان بدنام شده که هر جوان فاسدی هر روز و هر شب خیال دارد عزیز بشود؛ تا صاحب باغ عشرت آباد گردد، معلوم است با این ترتیب دامنه بیغیرتی بالا خواهد گرفت و شریعت شرابی محمدی از دست میرود! قرآن جوانانی میروم که حاضرند جان خود را فدای دین و ناموس بنمایند.

بقدری این کلمات در حصار نایب بخشید که تمام جوانان هم قلم شده و تا آخر تحصین مردانه اسناد و بایگاری و گرسنگی ساختند. (۸)
خلاصه پس از کشمکش زیاد بین مایمون و دربار قلمبری چنانکه قسمتهای برجسته آن بعداً توضیح داده خواهد شد.

عاقبت الامر شاهزاده عین الدوله از مقام ممدارت عظمی برکنار و مقام خود را تسلیم مرحوم میرزا نصرالله خان مشیرالدوله نایبی نهرود و از طرف مظفرالدین شاه مرحوم عندالمات رئیس سناخوردده طلبه قاجار برای استقبال و مراسم آفتابان علماء بخرف قم و حضرات بعدالطلبه عزم و آرایش را باسلام و صدوات سائر المخلوفه وارد و دستخط تالیس دارالشوری منی و انتخاب و گزین در چهاردهم جمادی الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری صادر و بچریان تحصین خانیه داده شده و بازرها مفتوح و کسبه و تجارت پس از شش ماه بلا تکلفی بکسب و کار مشغول شدند.

(۹) عزیز حجه رفیعی بود یهودی که بواسطه یکسب رفیق در قصر نهرود علاوه بر استفاده از حقوق منی و دانشیه و غیره از تمام ارباب نهرود و چندی ازک عشرت آباد شده بود. (۱۰)



۱۰ - میرزا نصر اللہ خان ہاشمی، الدولہ نائینی
آسٹریلیا دھندہ مجلس مؤسسین

فصل چهارم

دوره اول - انتخابات طبقاتی

اولین جلسه انتخابات دوره قانونی مشروطیت در روز هجدهم اوت ۱۹۰۶ میلادی مطابق ۱۳۲۴ هجری قمری در اطاق نظامی محل فعلی عدلیه دایره و چندی بعد فرمان انتخابات عمومی و طبقاتی ایالات و ولایات مخابره گردید.

ولی برای آنکه افتتاح رسمی دارالاندواری کبیری های یاهجاس و مسان به تاخیر نیفتد و تسکینی در خاندان افکار تجویب شده حاصل آید، پس از مشاخرات زیاد بین رجال دراز و زعمای قوم قرار بر این شد که پس از معلوم شدن نمایندگان طهران مجلس رسمیت یافته و رسماً شروع بمذاکرات برای تهیه مقدمات انجام امور مشروطیت نمایند، چنانکه خوانندگان عزیز در ملاحظه فرمودند، مشروطیت ایران بدون خون ریزی و تماس و ظلمت و جهل و اعتصابات اقتصادی و مذهبی حاصل شد و معلوم است حیوونیکه صورتات و انتظامی و لایم انجام باید، همان سهولت بر اهلگان از دست هر و در حدیاطون در هم شد، بطوریکه بعداً مشاهده خواهند نمود.

انتخابات طبقاتی در اختلافه با کمال عجزانه و نوبت سرعت عمل و بدون سر و صدا صورت گرفت، و پس از جمع شدن نوبت و چهار نفر نمایندگان اصناف و تجاران، رجال و ملاکین و اعیان و شهنشادگان و طلاب علوم دینیه مقسم طهران - اولین جلسه دارالاندواری ملی با حضور

مظفرالدین شاه در هیجدهم شعبان ۱۳۲۴ هجری قمری مفتوح گردید و نیز بعد از چندی نظامنامه اساسی در ماه ذیقعده همان سنه تدوین و بامضای مظفرالدین شاه ممضی و مجرای گشت .

و کلاهی طبقات مقیم ابالات و ولایات بتدریج انتخاب و بطرف طهران اعزام و پیایی بمرکز وارد و بر قدرت و اهمیت مجلس می افزود . نمایندگان آذربایجان با حرارت مخصوصی از طرف اهالی تبریز انتخاب و باستقبال و هیاهوی مؤثری وارد دارالخلافت شدند. شوال ۱۳۲۴ هجری قمری ورود منتخبین آذربایجان از نظر تاریخی بی شباهت ب ورود و کلاهی مارسیل (ژاکوبینها) در انقلاب ۱۷۸۹ میلادی پاریس نبود . چه همان طور که (ژاکوبینها و ژیروندینها) سبب توسعه انقلاب فرانسه شدند ، همینطور ورود و کلاهی آذربایجان باعث از دیاد حرارت مرکزیان شده و دنیا را انقلاب آرام را جدال و خون ریزی کشانیدند ، و نهضت آزادی و قانون و عدالت خواهی بیشتر از همه جا در تبریز اثر بخشیده بود . برای آنکه اهالی تبریز سالها بود مورد فشار و تعدی اطرافیان مظفرالدین شاه و محمد علی میرزا واقع گردیده از زجر و جبر به تنگ آمده و برای هر نوع فداکاری مستعد و تقاضای خاتمه به بلا تکلیفی و ایام بهتری را داشتند . بالجمله اولین مباحثات مجلس در زمینه اصلاح مالیه و دخالتهای مسیو نوز بلژیکی در امور بیت المال شروع و میرزا ابو القاسم خان ناصر الملک همدانی وزیر مالیه را برای استیضاح به مجلس طلبیدند . و توضیح ایشان بر غفلت اوضاع افزود چه ناصر الملک در جواب استیضاح مجلسیان اظهار داشت که : اینجانب بیش از یک نفر محاسب نیستم و اطلاعی از گذارشات

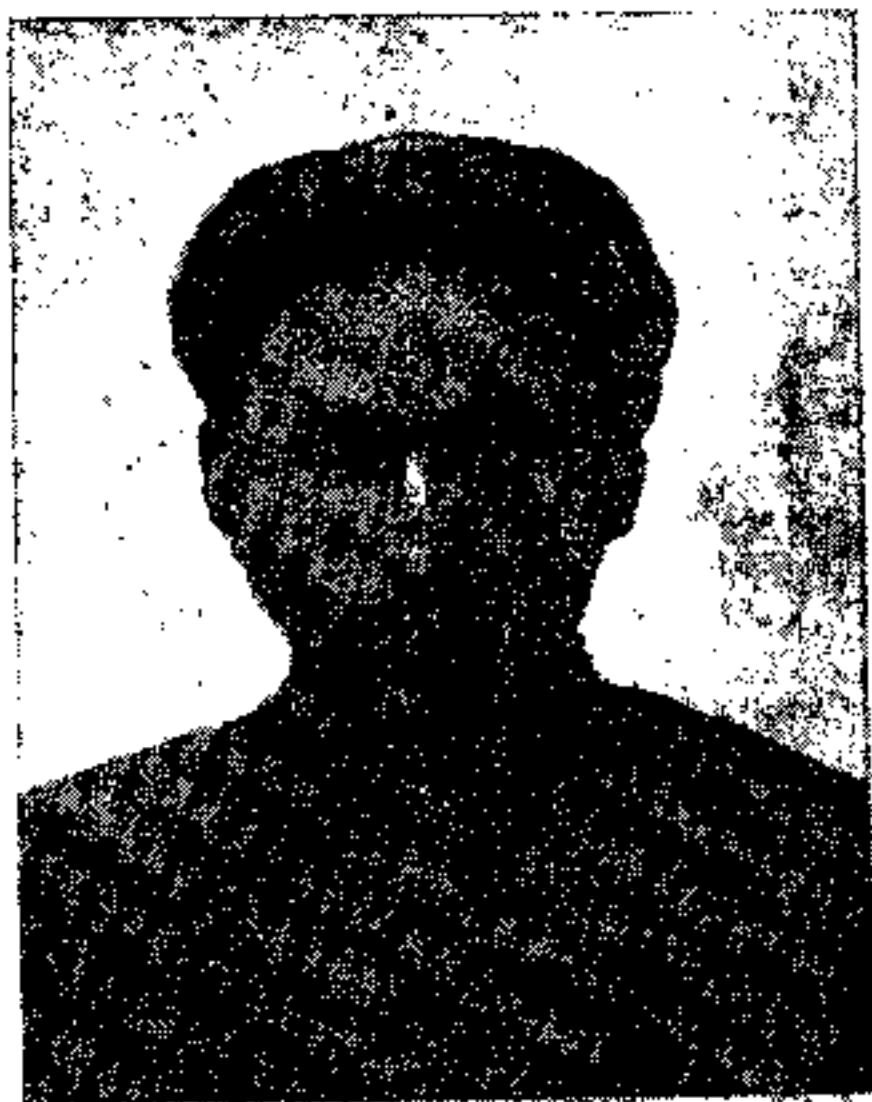
مالی ندارم و حساب بدست وزیر خزانه مسیو نوز میباشد) (*)
روشن شدن مطلب بر شدت هیجان افزوده مجلسیان جداً انفصال مسیو
نوز را از دربار خواستار شدند .

کشمکش بین مجلس و دربار که باطناً مخالفت بایشرفت سیاست
استعمار خارجی در ممالک بود سبب ضعف کابینه اولیه مشروطیت شده
و مرحوم میرزا ناصر الله خان مشیر الدوله مستعفی و عبدالحسین میرزا فرمانفر ما
کابینه خود را به ترتیب ذیل بموجب دستخط مظفر الدین شاه بمجلس
معرفی کرد :

فرمانفر ما رئیس الوزاره و وزیر عدلیه ، علاء السلطنه وزیر امور
خارجیه ، وزیر اوقاف و وزیر داخله ، ناصر الملک وزیر مالیه ، کامران میرزا نایب
السلطنه وزیر جنگ ، مهدیقانی خان مخبر السلطنه وزیر علوم و اوقاف ،
مهندس الممالک وزیر فواید عامه ، وزیر همایون و وزیر تجارت ، معاون الدوله
وزیر دربار و رئیس اداره پستخانه .

در دوره اول مشروطیت اولین صورت بودجه جمع و خرج قانونی توسط
ناصر الملک وزیر مالیه بمبلغ سه میلیون و صد و هشتاد هزار و سیصد و شصت
تومان کسر بودجه تقدیم مجلس گردید . ۲۲ مارس ۱۹۰۷ میلادی
مطابق ۱۳۲۵ هجری قمری

بالجمله صلاهی آزادی و مشاجرات بین مجلس و دربار مظفری
باعث ازدیاد توسعه اجتماعات گردید . انجمنها و صنفوف ملیون برای
* (چون بر طبق قرار داد استقراض از روسیه کمراکات شمالی بوثیقه رفته بود
و انتخاب مسیو نوز برای اصلاح اوضاع مالی تقریباً بانظر روسیه انجام گرفته و مسیو نوز در کار
عمای مالی فعال عایداء سده هر کاری میخواست و منافع او اقتضا میکرد انجام میداد)



(۱۱) — سید جلال الدین کاشانی (عفوید الاسلام)

مؤسس و مدیر نامہ ملی حبل المتین

تقویت مجالس و مبارزه حبه اخذ و حفظ حقوق عمومی و تثبیت مشروطیت نوزاد خود آرائی میکردند.

بهارستان و مسجد سپهسالار دائماً ملو از اجتماعات و بواسطه تجمع طبقات آزادیخواه و تماشاچیان و عمال و پادوهای این و آن قیافه مدهشی بخود گرفته بود. عسرها ناطقین بوسیله نطق مردم را تهییج کرده و بیانات سرشاری از طرف اشخاص مختلفه مشکوک که غالباً آلت اغراض سیاسی بودند ادا میشد و باعث بسط تفاق و دوری فیما بین مجالس و دربار می گردید. در این میان انجمنهای آذربایجان - برادران دروازه قزوین؛ اصلاح خواهان و حقوق و آدمیت - نقشه مخفی و عمده را بازی میکردند. و تقاضای تکمیل قانون اساسی را مینمودند.

بالاخره تقاضای مات توسط محمدعلی میرزا که اخیراً بواسطه بستری بودن پدر تاجدار بهم رکن احضار شده بود. بسمع شاهانه رسید و تتمه قانون اساسی پیشنهادی دارانشورای منی در شوال ۱۳۲۵ هجری قمری بامضای مظفرالدین شاه مزین و بعامه اعلام گردید. در همین اوان مظفرالدین شاه که از مدتها قبل مریض و بواسطه شدت مرض بستری شده بود دنیا را وداع گفته و محمد علی میرزا رسماً بدون منازع تخت و تاج پدر را تساحب و تکیه بر اورنگ خسروی زد. (* ذیحجه ۲۲ ۱۳۲۵ هجری قمری

(* مظفرالدین شاه آدم تینک نفس دیندار ولی ضعیف النفس و بزدل بود، متلك گوها شهرت داده بودند که مظفرالدین با آنندک اشلاب در جو مانند رعد و برق از سید بحرینی استمداد بسته خود را در زیر عیای سید پنهان میکرد. - یا هنگامیکه بحمام میرفت قبلاً امیر بها در رئیس کشک شاه در صحن حمام داخل شده و چند ضربه شمشیر به آب خزان زده و میگفت قربان جنهارا کشتیم!

قطعا این اراجیف را مضمون گوها ساخته و بدینها انداخته بودند ولی از اینکه مظفرالدین ضعیف العقل و جیون و بی اراده و بواسطه معاشرین نادان بد سابقه قوای روحی و جسمی را از دست داده بود و باضحلال مدکست بوسیله استقراضهای سنگین و اتلاف و مبالغ هنگفت کهک میکرد حرفی نیست.)



(۱۳) - آقای سید حسن تقی زاده نماینده میرز دوره

اول مجلس شورای ملی

محمد علی میرزا پس از تساط به تاج و تخت یکصد و پنجاه ساله
سلسله قاجار بدوا روی خوش بمایمون نشان داده و با گرفتن متمم قانون
اساسی چنانکه اشارت رفت ، بامت همصدائی و همراهی دیگر داما بعد
ورق برگشت و بواسطه تأقیقات امیر بهادرها و اشاپشال روسی (در صدد
برهم زدن اساس مشروطیت بر آمد و برای پیشرفت مقصود خویش بروس
های تزاری بندوبست نموده و همیشه گفته بود : هر وقت بخواهم سی
هزار قشون قابل و پول زیاد در اختیار خود خواهم داشت . بیچاره روی
همین قیاس بیجا و وعده های عرقوبی عاقبت تسلیم سفارت روس شده
و باعث تنگ گردید .

خلاصه مسئله بندوبست بروسها موجب ازدیاد غبطه انگلیس ها
و افراهم و موجبات خرابی را تسریع کرد . در این زمینه بموجب مندرجات
کتاب آبی (سراسرینک رابیس) وزیر مختاران انگلیس «تیم طهران بو وزارت
خارجی لندن چنین راپورت دادناست :

(شنیده شده است که دول خارجی چنان ، ایلی باقتدار شاه میباشند
که اگر تزلزل سخت و خطر شدیدی آن روی دهد نظر بحفظ آن البته
مداخله خواهند نمود . بنابراین من بایک جدیتی شاه را آنگاه ساختم .
اگر بامید معاضدت و حکمت خارج آن شاه حضرت را بمجادله بر
می انگیزانند . حمایتی نخواهد شد . دو تین روس و انگلیس هر دو متصمم
شده اند که بمداخله پیر دازند اگر در موقع بحفاظت منافع و مصالح خویش
و اتباع خود «نقل از کتاب آبی صفحه ۱۵۰ »)

...

علوم میشود دیوارهای روسیه در سر بازی بر کرد از یک طرف
محمد علی میرزا را تشجیح پس گویی آزاد بخوانان در میمون دیگر دهند .

از طرف دیگر با انگلیسها شاید طور دیگر حرف میزدند .

در هر صورت در دربار محمد علی میرزا مقدمات خرابی مجلس فراهم و سید هاشم تبریزی که یکی از سر جنبانان و چاه شتریان تبریز بود و بواسطه مخالفت خود با مایون آذربایجان معروف و اخیراً بطهران لشکر انداخته بود . با مساعدت مادی و معنوی محمد علی میرزا جمعی از افراد اراذل طهران و تبریز را در خود جمع و شروع بدسته بندی کرد . و نیز مرحوم شیخ فضل الله و ملا محمد آملی پیشنماز مسجد مروی با اسلحه تکفیر مایون و وطن خواهان را بیاد فحش گرفته و صنایع حضرت چاله میدانی و مقتدر نظام سنگاچی جوانان محلات دارالایخلافه را جمع آوری و در کوی و برزن فریاد (مادین نبی خواهیم) (مشروطه نمیخواهیم) را بفلك رسانیده و شعاع حریق فتنه را دامین میزدند ، طبیعی است در قبال رجاله بازی مرتجعین مایون و مجاسیان که از کنه کار باخبر بودند ، نیز بیکار نشسته و بالنتیجه کیفیت میدان توپخانه و قتل چند نفر بیگناه فراهم شد (۱۶ ذی قعدة ۱۳۲۵ هجری قمری) بعد از تظاهرات بسیار چون محمد علی میرزا قوای خود را کافی برای مقابله ندیده . ! خود موجهات تفرقه تعزیه گر دانان میدان توپخانه را فراهم ساخته و اجرای مقاصد باطنی را بموقع مناسب دیگری محول داشت . با وجود تفرقه میدان توپخانه بازارهای مدتی بحال تعطیل باقی و علت هم توقیف و تبعید ناصر الملک و وزیر قانون خواة اروپا بود .

خلاصه مصالحین بمیان افتاده و کارهای کسبه بجزریان افتاد ولی اوضاع سکونت نیافت و ساعت بساعت سوی هرج و مرج و آشفتگی سیر میکرد .

و اخبار ناهنجاری از ولایات و ایالات بطهران میرسید و سبب پریشان خیالی

مجلسیان و ملیون می‌آوردید، فشار و وحشت موجب شده بود که نمایندگان اصناف و تجار مرتباً شبها در گرد یکدیگر جمع و از گذارشات عمومی همدیگر را مطلع بدانند - الواط و اراذل نیز بتحریک مخالفین مشروطیت ییکار نشسته برای موعوب کردن اهالی و بیزاری مردم از مشروطه و قانون در بازار و کوچه افراد کسبه و صلح طلب را بباد فحش و چپاول گرفته و عبا و ردای عابریین را بمصادره میبردند .

اینگونه اقدامات شرارت انگیز نهایتاً از طرف حکومت وقت جاوگیری و ممانعت نمیشد - بلکه تقویت هم میشد .

تاجدار جدید محمد علی میرزا در ماهشاه بیرون دروازه شهر منزل گرفته و کاملاً بریشان حواس و غلبهائی بود .

در همان اوایل زبان زد عوام شدند بود که محمد علی میرزا شبها در حال مستی و بیخودی هفت تیر خود را کشیده و تیر می انداخت و میگفت : « تقی زاده و سید جمال را کشتم » البته تکرار این عبارت در زبان خواص و عوام در هر محفل و مجلس خالی از اغراق نبود ولی بر بی جهت هم شهرت نداشت و معلوم بود محمد علی میرزا از تندى نقشه های سید حسن تقی زاده و بیانات مؤثر مرحوم سید جمال الدین و اعظ اصفهانى درهراس و از رویه قاندين ملت نگران و از اوضاع بیمناك بود بويژه از سید جمال الدین و تقی زاده که پیش از هر کس در مرکز و پایتخت یکی در مجلس و دیگری در بین جماعات بوسیله نطق و خطابه عامه را برای مبارزه با ارتجاع و قبول تجدد در رویه زندگانی و نهضت فکری و انقلاب



(۱۴) - خطیب ملی سید جمال الدین واعظ معروف اصفہانی

آماده نموده و مریدان و شاگردان خوبی برای روز مبادا حاضر میگردند. *

بالجمله در نتیجه ازدیاد تفاق و کدورت فیما بین محمد علی میرزا و ملت موجبات برهم خوردن دوازده شورای ملی و توپ بستن مجلس فراهم گشته و در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ هجری قمری مجلس شبانه از طرف دستجات قزاق و سر باز سیلا خوری و مدقانی در تحت فرماندهی فرمانده جوان روسی (لیاخوف) محاصره و بعد از هفت ساعت جنگ و شلیک توپ و آتشک جمعاً کشته و عده زخمی و برخی اسیر گردیده ، بالنتیجه مجلس و مجلسیان متفرق و پادشاه منبه جور و مظالم گردید . استبداد و استبداد در شهر حکمفرما و هیچیک از افراد آزاد بخواه و کسبه و صلح طلب بزرگان خود تامین نداشت .

روز ۲۵ جمادی الاول یعنی دو روز بعد از خاتمه کار مجلس حکمی بانقضای کلنل لیاخوف روس فرمانده بریگارد در شهر منتشر و

(*) مرحوم سید جمال الدین ناطقی فصیح و بلیغ و شجاع و فداکار بوده و کلمات سید را در سامعه مستمعین اثر خاص بود ، بطوری خطابات جانگداز معظم له بسمع قبول تلقی شد که جمعی از کسبه بازار از سرمایه و کار صرف نظر کرده و باورش اتایه منزل تعین و طمانتچه تهیه دیده دیوانه وار شها برای اجرای اوامر و حرف آقا پائی منبر حوالان میدادند ،

خلاصه و عطف آقا هم روزی بطور زورده فوق آماده در تحت عنوان (انجمال) طبع و نشر میگردید . برای نمونه گفتار ایشان چند سطر از نامه انجمال نقل میمائیم . (ای مردم از چون خودی نباید ترسید ، همانطور که بواسطه وهم و خیال از شیاطین رجن پری رم نباید ترسد ، همینطور باید دانست که فراشهای قرمز پوش مانند شما بک سر دارند و دو گوشت و ابدآ قابل اهمیت نمیباشند ، خدای هر دوی شما یکی است و هر دو بهم احتیاج دارید چیزیکه هست آنان از رعب و ترس و هراس شماها کوساها بزیان استفاده کرده و باهم چیزتان بازی میکنند)



(۱۲) - میرزا جهانگیر خان صور سردبیر روزنامه صور اسرافیل
و شهید راه آزادی

چند روز بعد حکم نیاخوف بوسیله دستخط مشیرالسلطنه صدراعظم تصحیح گردید.

دستخط مذکور توضیح میداد که شاهزاده مؤیدالسلطنه حاکم معمولی شهر است و کاندل لیاخوف حکمران نظامی ! و هیچیک نباید در کار یکدیگر مداخله نمایند ، و نیز فرمانی از طرف محمد علی میرزا صادر شد و در آن فرمان اصلاحات فراوانی را وعده میداد که از آنجمله بود : - اصلاح و توسعه معارف ! تجارت و مؤسسات صنعتی و غیره .

در جریان زد و خورد مجلس تقریباً دو است نفر از سران مایمون اسیر و برخی مانند : - مرحوم ملک المتکلمین ، میرزا جهانگیر خان صور ، روح القدس و غیره معدوم و آقایان سید محمد مجتهد طباطبائی و سید عبدالله مجتهد بهبهانی تبعید گردیدند و حضرات آقای سید حسن تقی زاده و مرحوم بهار الواعظین از خطر جسته و بسفارت انگلیس پناهنده و مرحوم سید جمال الدین واعظ اصفهانی فراراً بطرف لرستان حرکت و در بر وجود مقتول گردید .

فرمان حکومت نظامی بتاریخ ۲۲ ژوئن ۱۹۰۸ میلادی مطابق ۱۳۲۶ هجری قمری به ترتیب ذیل در شهر پایتخت اعلام گردید : « چون طهران و سایر شهر های دیار ممالک در تحت قانون نظامی خواهد بود ، لهذا برای جلوگیری از فساد و برقراری نظم و آسایش عموم . ما بموجب این فرمان امر و حکم میفرماییم که کلیه اجتماعات در خیابانها و محلات و میدانها و بعلاوه جمع شدن عده کثیری از مردم یا بیرون شهر یا در منزلهای شخصی وقتی قانونی خواهد بود که اجازه از حکومت گرفته شود

بموجب این فرمان امر میدهم که اگر برخلاف این ترتیب اجتماعی در خیابانها و محلات و میدانها بشود، بقوه قهریه نظامی مجتهدین را متفرق خواهند کرد.

در صورت عدم اطاعت و مقاومت بقوه قهریه و شلیک تفنگ آنها را متفرق خواهند نمود.

محض اینکه این نوع اتفاقات ناگوار بر رعایای ما وارد نشود، ما نیز حکم مینمائیم که حتی در کوچها یا مساجد یا نقاط دیگر برای تماشا هم جمع نشوند؛ در صورت عدم اطاعت باین احکام:

اول - رؤسای این اجتماعات و اشخاص دیگر که مربوط باین اجتماعات بوده بحکم حاکم - دستگیر و سه ماه محبوس خواهند شد
دوم - فرمانده بریگاد قزاق کلنل لیاخوف بحکومت شهر معین گردیده است.

رئیس نظمی و فرمانده نظامی در تحت اوامر او و فرمان او خواهند بود.

سوم - آن اجتماعاتی که عمومی از قبیل تجار در تجارخانهها، قهوه خانها و اصناف که قانونی است - پس از سه ساعت از شب گذشته ممنوع است.

چهارم - حمل اسلحه بدون اجازه حاکم ممنوع است و مرتکبین بر وفق ماده اول این فرمان مجازات خواهند شد.

حتی آن اشخاصی که اجازه حمل اسلحه دارند باید بایضام مخصوص از حکومت داشته باشند.

پنجم - اشخاصی که بی احترامی به نظام بکنند بطور مذکور تمیبه و همچنین پس از اجازه داده خواهند شد که اسلحه خود را بطرف آنها بکشند ششم - تعیین تمیبه برای تقصیراتی که در این مواد ذکر شد در ولایات بر عهده مأمورین مسئول محلی است.

هفتم - اجرای این احکام از تاریخ صدور آن خواهد بود.

امضاء (محمد علی شاه قاجار)

فرمان عفو عمومی

تاریخ ۲۵ ذی قعدة ۱۲۲۸ میلادی

« جناب صدر اعظم ، مقصود ما اعادة نظام در مملکت است و اقداماتی که برای دستگیری مخالفین و مفسدین بعمل آمده بعضی آسایش و راحتی مردم است .

و برای اینکه اهالی بی تقصیر و مصاح بیش از این دیگر دچار زحمات و صدمات نباشند بموجب این دستخط مسروبریم که اعلان عفو عمومی نموده و صریحاً اظهار میداریم که ما عفو مینمائیم :

تمام اشخاصی که نسبت بآنها سوء ظن برده شده است اما آن اشخاصی که دستگیر شده اند ، مجلسی مرکب از اشخاص سالم و بی طرف تشکیل داده خواهد شد و سوابق آنها را بدقت رسیدگی خواهند نمود .

هر کس بی تقصیر باشد مرخص خواهد شد ولی مشروط بر این که مردم از حدود قانونی که حکومت نظامی ترتیب و منتشر نموده تجاوز نکرده و اقداماتی بر خلاف قاعده و قانون ننمایند ۲۵ جمادی الاول ۱۳۲۶ هجری قمری .

امضاء (محمد علی شاه قاجار)

بلافاصله بعد از ابلاغ فرمان حکومت نظامی در تمام معاکت
از طرف محمد علی میرزا برای اجرای فرمان مزبور مواد ذیل از جانب
حکمران نظامی دارالخلافه طبع و انتشار یافت - اعلان حکومت نظامی
۲۵ ژوئن ۱۹۰۸ میلادی

« حسب الامر اعلیحضرت همایونی محض آسایش مردم و اجرای
قوانین و وظایف فواید شهری و همچنین برای اطلاع عموم مواد ذیل دستور
لازم شمرده میشود: -

۱ - استقرار نظم در شهر مخصوصاً به بریگاد قزاق اعلیحضرت
همایونی و ژاندارمری و افواج خایج و زرند محول گردیده است

۲ - اشخاصیکه برخلاف این قوانین رفتار نمایند مورد مؤاخذة
سخت واقع خواهند شد اشخاصی که مظلوم واقع گردیده اند میتوانند
شکایت خود را بداره من یا خود من شخصاً ابراز دارند .

۳ - هر کس بکس دیگر تعدی و ظلم نماید با حضور شخص
مظلوم و اطلاع نماینده حکومتی تنبیه خواهند گردید .

در صورتیکه بکسی اذیت یا مال کسی دزدی شود آن شخص
میتواند مراتب را بقزاقیکه مامور قراولخانه است اطلاع بدهد .

۴ - قیمت نان و گوشت به نرخ حالیه باقی خواهد بود
اگر میزان قیمت گرانتر فروخته شود جریمه از فروشنده
گرفته خواهد شد !

۵ - اگر در کوچه بیش از پنج نفر جمع شوند بقوه قهریه آنها
را متفرق خواهند ساخت

۶ - اشخاصیکه مشغول فروش اسلحه هستند بعد از این بدون

اجازه من مجاز فروش نخواهند بود و اجازه فقط از طرف من داده خواهد شد .

۷ - اگر تیری در شهر دربرود قزاق بآن نقطه فرستاده خواهد شد . در صورتیکه تیر بلا اراده باشد مرتکب برای يك مدتی محبوس خواهد گردید .

اگر کسی در شب بدزدی درخانه تیر بیندازد قزاق باید وارد خانه بشود و کسب اطلاع بنماید اگر تیر با قصد عمد در رفته شده باشد مرتکب سخت مجازات خواهد شد .

۸ - به اشخاصیکه بارکاه یا هیزم یا بارهای دیگر در کوچها گذارده و مانع از عبور مردم میشوند اخطار میشود که بعد از این دیگر بدین عمل مبادرت نوزند .

۹ - اگر از خانه قراول کوچه تیر انداخته شود آنخانه توسط توپ خراب خواهد شد .

۱۰ - کالکها ها باید درست راست کوچه پشت سرهم بایستند درشکه چیهائیکه باین ترتیب رفتار نمایند مورد مؤاخذة سخت واقع خواهند شد .

۱۱ - آب باشی و جاروب کردن کوچه بر عهده صاحبان خانه و مستاجرین است :

۱۲ - من خواهش معاونت از تمام اهالی طهران برای استقرار نظم در شهر میکنم .

« رئیس و فرمانده بریگاد قزاق اعلیحضرت همایونی کلنل لیاخوف
ابلاغیه هشیر السلطنه صدر اعظم
۷ ذی قعدة ۱۲۰۸ میلادی

موجب این ورقه بشمام ساکنین شهر طهران اخطار میشود

تا مدتی که پایتخت در تحت قانون نظامی است بر یکاد قزاق و افواج ساخلو در
قراولخانها و ژاندارم در تحت فرمان گننل لیاخوف مشغول محافظت
کوچها برای استقرار نظم در شهر بوده و بعد از این هم باید بر وفق احکام و
دستور العدل های مقررده همینطور مشغول استقرار نظم و امنیت در شهر
باشند ولی امور دیگر حکومتی از قبیل رسیدگی بشکایات و رفع
تظلمات مربوط بشاهزاده مؤیدالدوله حاکم طهران است و اهالی شهر
هم باید بهمین ترتیب رفتار بنمایند و بدانند که امنیت و انتظام شهر مخصوصاً
مربوط به کننل است رسیدگی بشکایات و کارهای دیگر راجع بحضرت
والا است **اعضاء صدر اعظم** (جهادی الاخر ۱۳۲۶ هجری قمری)

با وجود اقدامات و عملیات شدید از طرف دربار محمد علی میرزا
و مرتجعین برای تسکین افکار عامه و اعدام و حبس و زجر مردم بیگناه
معهداً بر اشتداد اوضاع افزوده و دامنه اغتشاش و انقلاب و لاینت کشیده
و بواسطهٔ تمرکز ملیون قبل از همه جا در تبریز شعله ترمرد و عصیان زبانه
کشید که بعداً شرح آن بیاید.

پس از وصول اخبار هیجانات اهالی تبریز برای فر و نشانیدن
آتش فتنه فرمان انتخابات جدید برای دوره دوم دارالشورای ملی به
ترتیب ذیل انتشار یافت :-

دستخط همایونی

« جناب صدر اعظم - پس از اینکه دولت محض استقرار نظم در
ممالکت و جلوگیری از مفسدین و انجمنها و اشخاص لامذهب که باعث اذیت
مردم بودند مجلس را منحل نموده ماقول دادیم که پس از اعاده نظم و قیام

وقدع رولوسيونها (اتقلايون) وانجمنها واستقرار امنيت وخاموشي اهالي
مجلسي منعقد نمائيم كه قوانين او موافق مقتضيات مملكتي وقوانين مقدس
يغمبري بوده حامي و مروج عدالت گردد تا اينكه ما بتوانيم تمام
اهالي و تمام طبقات رعاياي خود را كه نگاهداري آنها از طرف خدای
تعالی بجا و گذار شده در صلح و آسایش نگاهداشته و منسدین راقلع و
قمع نموده و آئين مقدس اسلام را كه اولین وظيفه ما است حفظ و حراست نمائيم.
حتی بتمام نمايندگان دول متحابه هم اينطور ما اعلان نموديم -
اکنون موقع انعقاد مجلس نژديك شده ما بجناب شما اخطار مينمائيم كه
مجلس با شروط معين و محدود موافق مقتضيات مملكتي كه قوانين او
بر وفق شرع انور بوده و از بروز اغتشاشات جلو گيري نمايد. در نوزدهم
شوال منعقد خواهيم نمود.

لهذا بتمام اهالي مملكت و تمام طبقات رعاياي ما اعلان نمايند
كه چون خدا شخص مقدس ما را حافظ مملكت و مردم و دارنده تاج
وتخت و حامي مذهب مقدس فرموده و چون ما مقصودي جز صلح و
آسایش مردم و اجراي قوانين عدالت نداريم .

و چون وظيفه ما اينست كه طريقه و عادت يغمبر را سر مشق خود
كنيم - باين حيه بصددور اين دستخط اهالي مملكت را مسرور و اميد
وار مينمائيم . و ما نيز حكه مينمائيم كه مجلسي مر كب از اشخاص
متدين و عاقل بتوفيق خدا و توجه امام دوازدهم در نوزدهم شوال منعقد
خواهيم نمود .

بوسيله اين مجلس كه موافق شرع و عدالت خواهد بود مردم در
آسایش خواهند زيست . وقوانين اسلام محفوظ و بموقع اجرا گذارده
خواهد شد . و تمام آثار اغتشاش و ناامني وانجمنها محو خواهد شد!

چون نیت مقدس ما بموقع اجرا گذارده شود. راهها باز و مردم در ظل عنایت و مرحمت ما آسوده خواهند گردید.

این اقدامات برای آسایش مردم بعمل خواهد آمد و لوازم ترقی فراهم و ثروت مملکت خواهد گردید.

الحال ما حکم میکنیم که شما قانون انتخابی و قانون مملکتی موافق شرع ترتیب داده برای غرضشوال حاضر نمایند تا اینکه هر دو مجلس منعقد گردد ۱۹

تمام مردم تکالیف خود را شناخته از حدود خود تجاوز نمایند. و تمام اهالی بر احوالی زندگانی نمایند. ایکن یاغیان تبریز طوری بواسطه افساد و خونریزی مقصودند که دولت نمیتواند از تقدیر آن اراذل گذرد!! لزوماً بهمه اعلام میشود که تا مدتی که نظم در تبریز برقرار نگردیده و یاغیان قلع و قمع نشوند و اهالی بدبخت آن شهر از تطاول اینگونه اشخاص خلاص نگردند. تبریز از این حکم و این دستخط خارج خواهند بود.

۲۷ شعبان ۱۳۲۶ هجری قمری «امضاء محمد علی شاه قاجار»

بعد از انتشار جریان وقایع طهران و کیفیت توپ بستن مجلس و اسارت و کشتن جمعی از ملیون بدست عمال ارتجاع بلا فاصله در تبریز بازارها تعطیل و جنگ و زرد و خورد فیما بین طرفداران محمد علی میرزا و مشروطه طلبان شروع و تا سه روز مداومت داشت.

بالاخره در نتیجه مداخلات مصاحبین بین نمایندگان طرفین قرار ملاقات داده شده و شرایط صاحب راتحت مذاکره قرار دادند.

در این بین قندرهای محله شتوبان تبریز دو نفر از افراد مشروطه طلب را قتل رسانیده و سواران قراچه داغی که باهرو محمدعلی میرزا



(۱۵) محمد ولیخان سیبسالار قنکابنی

فرمانده مجاهدین فاتح طهران

عازم تبریز شده بودند در بیرون شهر تبریز هوید او خبر انتصاب شاهزاده مرتجع عین‌الدوله بحکمرانی آذربایجان بیشتر سبب وحشت و اضطراب اهالی گشته و سواران شاهسون بچپاول و یغما دست گشودند .

مشروطه طلبان ناچاراً استقامت ورزیده و شروع بجمع آوری استعداد کردند. چند روز بعد یکه تازان شاهسون چلیپانلو و سواران متفرقه دولتی تقریباً بموجب یاد داشتهای موثق سه هزار نفر بانه عراده توپ بداخته شهر هجوم آور شده و شروع بغارت کردند .

دسته از انقلابیون از ترس خان و مال ریاست مرحوم ستارخان و باقرخان رسماً در عقب سنگر نشسته و از پیش آمد قشون ارتجاع جلوگیری و ممانعت بعمل آوردند . تا بالنتیجه دامنه انقلاب رسمی وسعت یافته و در اصفهان و گیلان آتش فتنه شعله ور و پس از تمرکز قوای ملی در اصفهان در تحت فرماندهی مرحوم حاجی عالی قلی خان سردار اسعد بختیاری و مرحوم نجفقلی خان مصمصام الساطنه و در گیلان ریاست محمد ولی خان سپهسالار تنکابنی و سردار محی و پیرم خان ارمنی بهزم مرکز حرکت و بعد از چند جنگ مختصر در قزوین و قریه بادامک شهر یاز بطرف پایتخت حمله ور و علی الطلیعه صبح جمادی الثانی ۱۳۲۷ هجری قمری بشهر طهران وارد و بحکومت خود سری خاتمه داده و موجبات تجدید اصول مشروطیت را اعلام نمودند (*)

(*) انتشار اخبار فتوحات ملیون بختیاری و مجاهدین تبریز و گیلان و قیام سید عبدالحسین لاری در کرمان و نیز قیام مرتجعانه بوسفخان هراتی در مشهد موجب هبجان ملیون پایتخت شده و از گوشه و کتاف زمزمه انقلابی آغاز و شعرای ملی برای تهییج افراد شروع بسرودن اشعار نمودند که برای نشان دادن نمونه از ذوق ادبای آورده قسمتی از اشعار (صفائی) را که جنبه تاریخی دارد ذیلاً نقل میشود :

کار ایران با خداست

هر دم از در بای استبداد آید بر فراز

موجهای جانگداز

متعاقب ورود مجاهدین گیلان و سواران بختیاری بدارالخلافة و قیام و مساعدت مایمون هرگز بامهاجسین در ظرف دوروز شایسته مختصری صورت گرفته و محمدعلی میرزا تاج و تخت را بدوود گفته و برای حفظ جان در قریه بیلاقی زرگنده سفارت روس پناهنده و باالملازمه در شهر آرامی هویدا و بلافاصله برای قبضه کردن اقتدارات ممالکتی و حفظ اصول مرکزیت - بموجب دعوت رؤسای نهضت مجلس - شورای عالی مرکب از رجال و نمایندگان دوره اول دارالشورای ملی در بهارستان تشکیل بدوای هیئت مدیره انتخاب و سپس بر طبق قانون اساسی احمد میرزا که و دوک دوازده ساله صاحب تاج و تخت و عضدالمملک پیرمرد سالخورده و رئیس طایفه قاجاریه که سابقا نظریه نیکی نسبت به تغییر اوضاع ایران داشته بود به نیابت سلطنت اعلام و محمد ولی خان سپهسالار تنگانی برباست و وزراء و وزارت جنگ و مرحوم علی قلی خان سردار اسعد بختیاری بسمت وزارت داخله معلوم و پیرم خان رئیس مجاهدین ارامنه با اختیارات تام برباست

(*) زمین طلاطم کشتی مات بگردان فنا است
 سنگر سه چون بدوستان تبه شد از باغشاه
 روز دیگر سنگرش در سرحد مات فنا است
 باش تا اسقر به ری نازد ز آذر و سحابان
 آنکه تو پیش قاعه گوب و خمدن کسور است
 دانی تپسرون ز ری آید سپهدار بزرگت
 آنکه گیلان ز اهدامش بخرت دار خلافت
 باش تا از فتح کرمان با سپاهی از محمد
 سیدلاری که لاریخان از او عشرت سران
 باش تا از اسمهان سمدام حق گردد با یاد
 دانه ستم آنکه سررا حکام حق به جاد کجاست
 خاک ایران اوم و برزن از نهدن خوردن آب
 هرچه هست از قامت نزاری ایضام عالم

کادر ایران با خلافت
 بازه بر سنگ داغ شاه
 کادر ایران با خلافت
 حضور ستار خان
 کادر ایران با خلافت
 مسر شاه از خرد
 کادر ایران با خلافت
 سوی ری نازد ستمد
 کادر ایران با خلافت
 دین حق سزود خرد
 کادر ایران با خلافت
 سر خراسان خراب
 کادر ایران با خلافت

کل تنظیمه منصوب و در صدد تهیه موجبات اصلاح امورات تأمینیه بر آمده
و با کمال عجله مقدمات انتخابات دوره دوم را فراهم و پس از چندی دوره
دوم دارالشورای منلی با تشریفات منلی تاسیس و تشکیل گردید (*)



(۱۶) - علیقلی خان سردار اسعد بختياری رئیس سواران
بختياری فاتح طهران

(*) برای قردادانی از زحمات اشخاصیکه در دوره اول مجلس که «پشوان
مجلس موسسان نامید از و ما تذکر شده که عمده نشنه و عملیات مهم این دوره
پرشر و شوررا از نظر تجدد و مشروطیت آقایان سید حسن تقی زاده تبریزی و مرحوم
صنیم الدوله که «الاخره جان خود را برای وطن و روی نقشه های اصلاح طلبان گذارده



(۱۷) - سردار علی ستار خان آذربایجانی

و بدست دو نفر گرجی مفتول گردید، و احتشام السیوطه قنجا و ممتازالدوله رؤسای
مختلف مجلس دارانشورای عالی انجام گرفته، و نفقه از تجار را امر نهادر چنت قراچه
دائی و سعدالدوله به پایین رسانیده اند)

(* بنابراصله بعد از ورود سرداران عالی و فتح طهران برای تحکیم
مرکزیت عنداً از معارف حقیقه عنایته بنامه سردار اسعد و سپهسالار بعنوان
هیئت مشوره اسکنون و اعتماد الحسن محمد علی شاه قنجا در زرگنده بن سعادتین



(۱۸) - باقر خان تبریزی سالار ملی

روس وانگلس از طرفی و هیئت مدیره از جهتی راجع به خاتمه کار محمدعلی میرزا شروط ذیل تنظیم گردید .

اول - محمدعلی شاه مخلوع از ایران خارج شده و مملکت را ترک گویند
دوم - حواهرات سلطنتی را که با خود برده رد نمایند .

سوم - قرضهائیکه شخصاً نموده اند ادا کنند و املاک خود را که رهن گشوده از املاک دولتی تفکیک نمایند . و صد هزار تومان وظیفه سالانه مقرر گردید که بعداً قطع شد (کتاب اختناق ایران)

فصل پنجم

تأثیر نهضت مشروطه و معاهده ۱۹۰۷

دوره اول مجلس و مشروطه کبیر یا مجلس مؤسسان را باید یکی از ادوار تاریخی نهضت ایران باستانی برای تجدید عظمت دیرینه ایران در قرون اخیر محسوب داشت .

چه علاوه بر اینکه برای اخذ تمدن جدید و اصلاحات اساسی در اداره مملکت هزاران نفر از افراد وطن در گوشه و کنار تلف و ملیونها اموال بواسطه اعتصابات و نا امنی بیادفنا رفته و بالنتیجه موجبات وضعیات اصلاح امور داخلی فراهم گشت .

از نظر سیاست خارجی نیز بی تأثیر نبوده و خدمات مهمه به استقلال کامل با تمام معنی کشور باستانی نمود که قریب صدسال یعنی از واسط سلطنت فتحعلی شاه قاجار مطمح نظر همسایگان اروپائی شده و از هر حیث مغلوب مبارزه دو حریف قوی پنجه گردیده و در عین آنکه اعمال اجنبی غیر مستقیم در تمام شئون داخلی مداخله مینمودند اخیراً از بیحالی و ندانم کاری و شهوت پرستی دربار خراب مظفر الدین شاه استفاده و قوای مالی و نظامی مملکت را مستقیم و غیر مستقیم در دست گرفته و بعنوان احترام عادات ملی کیفیت توسل به بیگانه را برای تهیه موجبات تکمیل دخالت در امور و توسعه نفوذ سیاسی در تمام مظاهر اجتماعی ترویج میکردند و خود مستقیماً در ایجاد نهضت مشروطه طلبی مساعدت های علنی و مخفی بعمل می آوردند . شاید تجدید را ملعبه خود قرار دهند

معهدنا از پیشرفت نهضت آزادی و استقلال طلبی اهالی اندیشه مند شده و برای جلوگیری و ممانعت از پیشرفت جنبش عمومی قسمت مهمی از معاهده منچوس ۱۹۰۷ میلادی را به اختناق ایران متجدد



(۱۹) - ملك المتكلمين ناطق ملي

اختصاص داده و بجهت تحمیل معاهده مذکور بعنوان مختلفه توسل جسته قوه فشار را تا بجائی کشانیدند که در دوره دوم بصورت اتمام حجت (اولتیماتوم) عرض اندام نموده و باعث انحلال دوره دوم دارالشورای ملی با تعلیمات ناصر الملك گردید.

معاهده ۱۹۰۷ - ایران را بسه منطقه نفوذی تقسیم کرده بود جنوب
و شمال باد کر تمام جزئیات بر روی نقشه سیاسی که از طرف دیپلوماسی
کهنه گار طرح شده بود . سهم آنان
(طالبین اطلاعات کامل و تاریخی جریان معاهده مزبور بترجمه کتاب
(اسناد محرمانه سیاسی) مراجعه نمایند .
وقسمت کمی از صحنه وسیع ایران را حسب ظاهر آزاد و بیطرف
معرفی کرده بودند و معلوم بود باقیه های تهیه و عمل شده آزادی و
بیطرفی سیاسی منطقه مرکزی معناه موضوعی نداشت - برای فهمانیدن اهمیت
معاهده مزبوره و برای آنکه خوانندگان بدانند تا چه درجه برای اختناق
ایران جدید کوششی بعمل آمده و خدای ایران - ایران جدید را بادست
اولاد صالح وطن از مهالك نجات داده و کار مملکت در اینموقع که
مشغول نگارش این سطور میباشم از حیث ترقی و انتظام بجائی رسیده
که نه تنها از مفاسد گذشته آثاری جز در صفت ات تاریخی و حافظه ارباب فرست
باقی نیست بلکه کاملاً وضعیت شرب الیهود سابقه اصلاح و از هر حجه موجبات
ترقی و تکامل فراهم گردیده است که اگر عمر و فرصت باشد در جلد
دوم از معرض افکار خوانندگان خواهد گذشت .
برای نمونه افکار دیپلوماسی همسایگان نسبت باوضاع سطوری چند از
رپورت رسمی انگلیسی راز جلد اول کتاب ادبی در اینجا نقل مینمائیم :-
(تلگراف سراسر نیک رایس وزیر مختار انگلیس به سر ادوارد گری
وزیر امور خارجه انگلیس از قاهره بتاريخ ۲۲ ماه می ۱۹۰۷ مینگارد:
حسن استقلال و حفظ مایت نمودن و ممانعت از ظلم و ذیحق بودن
در اداره کردن امور خویش همه روزه مابین مردم بطور سرعت تولید

میشود قوت این احساسات در آذربایجان و همچنین در پایتخت بیشتر است. و اگر مخالفین هر گونه عوایق و اشکالاتی برای مجلس فراهم آورند که قوه و نفوذ حالیه آنرا مضمحل نمایند حس آزادی و عقیده وطن پرستی را که مردم به تازگی دریافت کرده اند زائل نتوانند نمود.

۲

سابقاً دقت شمارا در خصوص از دیاد احساسات ضد اروپائی آنکه مخصوصاً در مجلس قابل ملاحظه است جلب نموده بود. این احساسات بواسطه ترس از معاهده جدید بین دولتین روس و انگلیس است.

۳

در این وقت خیالات و خدیت باخارجه خیلی احساس میشود. مجلس ریاست باثر یکیها را در کمزکات ایراد مینماید. و نیز بر سر کساد قزاق تاخت آورده. همچنین متعرض سایر امتیازاتی که بخارجه داده اند میباشد در اینصورت هیچ جای تردید نیست که بانک شاهنشاهی بسبب داشتن امتیاز اسکناس! بزودی مطرح ایرادات سخت واقع خواهد شد البته طولی نمیکشد که بواسطه حرکات مردم امور و اوضاع رعایای خارجه دچار سختی و اشکالات خواهد گردید.

خوب ملتفت شدید؟ نگارنده تصور مینماید که همینقدر برای نمونه کافی باشد. تاخوانندگان از جریان کیفیت اوضاع سیاسی آن روزه مبارزه فداکارانه میلیون جان نثار وطن و رجال دولت در مقابل مرتجعین داخذه و نیز ننگ بازی عمال خارجه آنگاه گردند.

* باوجود آنکه دولت ایران توسط آقای میرزا حسن خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه وقت نسبت به معاهده مذکوره (۱۹۰۷) اعتراض شدیدی (پروتست)

بالجمله با وجود غلبه قوای انقلابی و معاویت کهنه پرستان محافظه کار
را اعتراض بمعاهده مذکور معهداروسهای تزاری همه روزها بر فشار خود افزوده
تقاضای جدیدی برای تحمیل معاهده مذکور و توسعه قدرت خود مینمودند*
در تعقیب تقاضای نمایندگان همسایه شمالی دیگران بعنوان تساوی
حقوق پیشنهاد روسها را تأیید کردند و با تقدیم نصایح عاقلانه بکابینه وزراء قسمت
خود را در جنوب مطالبه میکردند.

این بود خلاصه دورنمای وضعیات آنروزه .

ولی باتمام اینگونه مشکلات داخلی و خارجی در نتیجه بیداری
شعور ملی مایون وطن پرست در مجالس و خارج از محوطه محافظت رسمی
باشور و غوغای سرگرم اصلاحات و برای نجات ایران از محاصره نفوذ
سیاسی استعماری نقشه‌های اساسی را بموقع اجرا میگذاشتند .
بر روی همین نظریه برای دخول یکسیاست بین‌المللی در میدان
رقابت همسایگان جنوبی و شمالی از امریکای شمالی (آنزونی) شوشتر
را حجه اصلاحات ملی طلب و بعنوان حسن جریان - منابع ملی قشون
مختصر و منتظمی بنام زانداره‌ری مالیه مرکب از افراد جوان وطن پرور
تشکیل داده و قوای متفرقه‌ای را (مجاهدین و سواران بختیاری و غیره)
برای جلوگیری از بازیهای سیاسی خارجه که در تحت نقاب نهضت
ارتجاع بود بکار میبردند .

نموده و اعتراض خود را بوسیله سایندهگان مضمون پایتخت بتمام دربارهای دول اعلام داشت
شماره ۴ روزنامه مساوات مورخه شوال ۱۳۲۵ (محرمی قهری)

به محمی ساند آنگ در نهضت ایجاد خواهی و مشروطیت نسوان ایران عامل
مؤثری محسوب و کارهایی مهم و بزرگ را در طریق احداث مجلس جامع انجام داده اند
برای تکمیل اطلاعات خوانندگان محترم بطوری چند از کتاب (احتیاق ایران)



(۲۰) عضدالمک نایب السیئه

تالیف (شوستر) معروف امریکائی خزانه دارمالیه ایران درسنه ۱۳۲۹ هجری قمری نقل مینمائیم:

« در طهران شهرت داشت که دسته ها از اعضاء انجمنهای سری زنان هستند که مخفی و گمنام و در تحت اوامر مرکز معینی که زمام نظم ایشان را در دست میباشد تا امروز هم نه اسم هیچک از آنها را دانسته و نه فرد برجسته (لیدر)

آن فرقه را میشناسم

ولی از طرق عده عده مطلق ندانم که هزارها از جنس و آن زندهای ضعیف

در پیشرفت کارهای من مساعدت مینمایند» پس از ذکر چند مثال باز میگوید:

« درینک معامله جماعت بسیاری از زبان فنیر و پریشان ابروانی به پارت آمده بهر

اظهار نمودند که چون اداره خزانه نمیتواند وظایف و مستمریهای مردم را برساند و بیشتر

گاهی سالارالدوله دیوانهوار از سرحد غرب (کردستان) وارد و تا چند فرسنگی پایتخت را بباد غارت و چپاول اکراد والوار وحشی میسپرد. و باز حمت و جان نثاری مجاهدین مشروطه طلب در روابط کریم منکوب و مغلوباً پیشخانه را به پسخانه تبدیل و بایکمشت اندوخته غارتی بممالک خارجه فرار میگرد.

زمانی محمدعلی میرزای بخت بر گشته باخیل ترا کمه سرداری سردار ارتجاع (ارشادالدوله) از صحرای یموت تا فیروز کوه مازندران و بلوک و راهین را و بران وهستی جمعی رعایا را بباد فنا میداد و عاقبت بادرست خانی و لعنت ابدی هزیمت مینمود در عین اینکه حالت اطراف بدینگونه بود. اهالی پایتخت هم از اغتشاش و نا اهنی بی نصیب نبودند.

چنانکه بواسطه تقنین عمان این و آن چنان آتش تفاق بین ملبون معتدل و تندرو فراهم شده بود که وسط شهر در بهترین معبر طهران (خیابان لاله زار) قلاب جوان ناکام در حرم میرزا محمدعلی خان آماجگاه نیز گردیده و سرای نجارانی بازار امیر از خون پاک جوانان مجاهدین در زاد وطن آغشته و بارک اثبات سنگر و پناهگاه در حرم سنار خان سردار از یک هیون دیوار قرص دارد و من این وجه برای مصارف قسطنطنیله که تا پادشاه محمود عجب مکمل و هنگام از گسب محمدعلی سر را بصرای ترا کمه خنانکه گشت) لازم دارد» بعد از شرح همدان منون در موقع اسام حجت روس (اولنیماتوم) میگرد (تقریباً سهصد نفر از جنس صعب از خانه و حرم سرای محمود با فروختگی بشود که از عزم پادشاهان حرم مناد... بیرون آمده در حالتیکه در جاده های ساه و نقلهای هشتک مدید (روشنه نیمی) مستور بودند حرکت نظامی مینمودند

بسیاری از افسان که در زیر اناس یا آستین های خود چپا بچه پنهان داشتند

بمجلس رفتند (ای آجر)

باشهانت مالی (در موقع انقلاب تبریز) - در مقابل حکومت نوزاد مشروطه شد.
باتعام این مصائب و مشکلات که زائیده عدم انتظام و نادانی اکثریت
مات و دسیسه خائین خودی و بیگانه بود میلیون حقیقی در کشا کش مبارزه



(۲۱) میرزا ابوالقاسم خان همدانی (ناصر الملک) نایب السلطنه

اصول قدیم و جدید خود را نیاخته و پرده بغرنج سیاسی و اقتصادی
و اداری و اجتماعی را از روی دسایس گوناگون برداشته و پیش میرفتند
تا عاقبت رازها آشکار و روسپهای تزاری بعنوان حمایت از شاهزاده

شعاع السلطنه اتمام حجة (اولتیماتوم) چهل و هشت ساعته بدولت ناصر الملك
ومجلس تقديم و تقاضای خود را مبتنی بر عزل شوستر و وقفه اصلاحات
مالی و نظامی علنی ساخته و نمایندگان جنوبی با تقديم نصایح عاقلانه قبول
اتمام حجة را توصیه نمودند.

مرحوم ناصر الملك نایب السلطنه نیز از فرصت استفاده و مجلس دوم
را بانتهای نرسیده با تداوم مخصوصه منحل نمود بدین ترتیب که از طرف دار
الشورای ملی برای تعیین تکلیف موضوع اتمام حجة پنج نفر از نمایندگان
با اختیارات تامه منتخب و چنانکه قبلا دستور مخفی داده بودند هیئت پنج
نفره با اکثریت موضوع انحلال دارالشورای ملی را تصویب و مجلس
منحل گردید !

بعد از انحلال مجلس جمعی از وکلای تندرو و دموکرات که
از آنجمله شاهزاده سلیمان میرزا بود گرفتار و بقم تبعید گردیدند .
دوره دوم ظاهرا مناقشه بین دولت و ملت در کار نبود

ولی سختگیری ها و فشار مستقیم و غیر مستقیم بیشتر طبقه تندرو خصوصا
با افراد دموکرات که تازه با عرصه وجود گذارده و صفوف متحدی را
تشکیل داده بودند تحمیل گردید .

در دوره فترت (دوم ۱۳۲۹ هجری قمری) امر حوہ ناصر الملك شدنی
نایب السلطنه و محمد ولی خان سپهسالار تنگناهی و هندستان آنان از تند
روی و نهضت فکری احراز هر اسناد شده وسیعی داشتند عاقلانه مولود
جدید یعنی مشروطه را به نفع طبقات بالادریقید قانونی در آورده و دموکراسی
را عقیم نگذارند .

از این نظر در صدد بر آمدند انتخابات عمومی و مستقیم و مخفی
و یکدرجه را از بین برده و انتخابات خصوصی و دو درجه را معمول بدانند .

در نتیجه تصمیم فوق‌الذکر در منزل مرحوم حاجی علی قلی خان سردار
اسعد و غیره تشکیل و پس از شور و مباحثه منصل نظامنامه طرح و برای
تهیه مقدمات اجرای آن بطلب آراء عمومی احتیاجمند گردیدند .



(۶۶) ممتاز الدوله رئیس دارالشورای ملی

لذا جلسه مهمی مرکب از معارف طبقات در مسجد شاه تاسیس و
مرحوم شیخ مهدی واعظ ساخطان المتکلمین برای ابلاغ نظامنامه مذکور
بالای منبر رفته و لایحه جنبه مردم قرائت نمود ،
مردم واعظ مزبور را از منبر پائین کشیده و با نتیجه غوغایی

برپا و بازارها تعطیل و در آن روز قریب صد نفر از معارف توقیف
گرددند و موضوع ازین رفت بعد بواسطه ترکان راهات سختی که
بحکومت ناصرالممالک از ولایات مانند تبریز و اصفهان و شیراز رسید وزراء
از سیاست خود منصرف و انتخابات بانظامنامه سابق بچونان افتاده و دوره
سوم دارالتشورای عالی در سنه ۱۳۳۶ هجری قمری شروع گسردید و
بالاخر در دوره سوم هم هاروریکه شرح آن بیاید در نیمه عمده سابقه و
ادوار سه گانه مشروطیت اول تسلیم بات قدرت طولانی گسردید



فصل ششم

مهاجرت و جنگ بین الملل

در وسط هنگامه جوش و خروش ایران برای اخذ تمدن جدید - دسته بندی دول اروپا در وطن ما خود نمائی میکرد - و ایرانیان که مدتها در صدد باز نمودن قیود نفوذ استعماری دول همسایه بودند - و در پی هر صدای تازه با نظری کنجکاوانه میدویدند از موقع استفاده نمودن و مایون ایران از جان و دل نسبت برقیاء سیاسی جنوبی و شمالی تمایل مخصوصی نشان میدادند .

بروز اینگونه تمایلات برای خاطر این و آن نبود بلکه بادی این توجه و تمایل را فشار و تضییق سیاست تفرقه روس و انگلیس تشکیل میداد که تذکر مختصری داده شد .

اقدامات دسته بندی متحدین ، آلمان (ایتالیا ، اطریش و عثمانی) و متفقین (انگلیس و فرانسه و روس) تا آنجا خود نمائی میکرد که همه را متوجه ساخته بود .

نفوذ و سیاست دول مذکوره در تمام نقاط معموره ارض در حال اصطکاک و تصادم بود ،

عثمانیها که با دست صاحب منصبان و رجال قابل آلمانی قشون خود را تنظیم و تنسيق نموده بودند آمال زیادی را تعقیب میکردند .

و فرقه ژون تونک در شرق عموماً و در ممالک اسلامی خصوصاً با اسم اتحاد اسلام دامنه تبلیغ را وسعت داده و در صدد جاب عناصر متعصب ملی برآمده بودند .

عده از افراد میرزا مانند مرحوم سید محمد رضای مساوات شیرازی و مرحوم میرزا کوچک خان گیلانی دعوت اتحاد اسلام عثمانیها را بیک گفته و ضمناً آنک تمایلی بطرف آلمانها مشهود میشد. و مخفیانه جلساتی بعنوان اتحاد اسلام علاوه بر احزاب داخلی دائر و ترویج میگردد بطوریکه سابقاً اشارت رفت عناصر تجدد خواه و آزادی طلب قبلاً تشخیص داده بودند که صلاح ایران در رهائی از محاصره نفوذ استعماری و طمع ورزی عمال روسهای تزاری و همدست جنوبی که در نتیجه تنظیم معاهده ۱۹۰۷ تحکیم یافته بود. در اینست که پای سایر دول مغرب را بحدت سیاست ایران جدید کشانیده و با مساعدت سایرین از محاصره نفوذ سیاسی نجات یابند.

بر روی همین نظریه بود که عقلاء مآل اندیش برای توازن بودجه عمومی و اصلاحات مالی (شوستر) را حباب و حبه استقرار امنیت و ایجاد قوه منظم (یا لمارسن سوئدی) را احضار و اصلاح و تشکیلات تنظیمه قانونی را بعهده لیانت (وستداهلی) واگذار و برای رفورم وزارتخانههای عدلیه و داخله از مستشاران فرانسوی استفاده کردند.

با آنکه در نتیجه اینگونه اقدامات دوره دارالتورای های منحل و جمعی از سران آزادیخواهان بشهر قم تبعید شدند معیناً از آهال مای دست نکشیده و در دنبال مقاصد وطنی رهسپار بودند. عقیده انگارنده دنبال همینگونه مسائل بود که بالاخره بواقعه مهاجرت کشید و آنچه شد شد که در موقع خودش شرح داده خواهد شد.

ناری هیاهوی اتحاد اسلام از طرفی و کشمکش سرحدی ایران

و عثمانی از طرف دیگر موحیات مشاجرات خصوصی را در محافل و مجالس فراهم ساخته و بازار مباحثات سیاسی در هر گوشه و کنار آماده شده بود. نتایج این تبانیات موجب توسعه احزاب سیاسی را بیشتر فراهم و بالنتیجه سبب تظاهرات علنی بر ضد نفوذ و فشار جنوبی و شمالی گشته کیفیات مهاجرت ۱۳۳۳ هجری قمری را سریعتر گردانید.



(۲۳) - آقای میرزا حسن خان پیرنیا

(منیرالدوله نائیبی)

فصل هفتم

فرق سیاسی در ایران

در تاریخ پیدایش احزاب سیاسی و اقتصادی در عالم تمدن گویند: اولین حزب در قاره اروپا یعنی روم غربی پیدا شده بدین ترتیب که جمعی بعنوان ارباب و کرات و نجباء و طبقه ممتازه کلیه امور مهمه ز قبیل حکومت، قضاوت، و فرماندهی و سایر مقامات عالیه را بخود اختصاص داده و سایر کارهای پر زحمت و عمارگی مانند ساختمان منازل، کشت و زرع، و رمداری و غیره را بجماعه واگذار نموده بودند باین واسطه بین طبقه خاصه و عامه فاصله زیادی ایجاد شده بود.

افراد طبقه عامه حق نداشتند در برابر آنها بنشینند، سواری اختصاص باریاب داشت. حق ازدواج بین افراد طبقه عامه با افراد و سینه نجباء ممنوع بود چنانکه فعلا بین سیاه و سفید در امریکا تقریباً ممنوع است.

حاصل آنکه تمام زحمات و کار بعهده افراد و طبقه عامه واگذار بوده و غیر از مزد بخور و نمیزی که تکافوی نان و میخارج مختصری را برای سردگان بنماید قائل نبودند.

از طرف دیگر سینه نجباء و طبقه ممتازه و اربابهای موروثی در ناز و نعمت غنوده و جز از عیش و شرب شغل و کار دیگری نداشتند.

در نتیجه کم کم طبقه سرد در دوران (پناه بینها) از سر نوشت خود و تحمیل مالا باحق بتنگ آمده و بنای شکایت را گذاردند.

اربابها نیز بر سخت گیری خود افزوده از هیچ قسم جبر و فشار
فروگذار و کوتاهی ننمودند.

طبقه عامه ناچار تصمیم گرفتند که شهر را تخلیه و بکوهها پناهنده
و فرار را برقرار اختیار نمایند. و تصمیم خود را شبانه عملی کرده
آبادی را خالی از سکنه ساختند.

اربابها و نجباء صبح از رختخواب برخاسته و شهر را خالی و امور
جاریه را مختل دیدند. هر چه خواستند فراهم نشد.

بالجمله پس از مشاجرات زیاد نمایندگانی بکمین فراریها اعزام
و با شرایط چندی گریخته گان را بمحل خویش عودت دادند.

اینست فرض (شوری) تاریخی احزاب قرن گستان و فلسفه اعتصابات

در ایران طوری که افسانه تاریخی حکایت میکند - اولین ظهور
فرقه سیاسی را باید از انقلاب و قیام کاوه آهنگر و پیران او بر ضد ضحاک
سلطان بی باک اجنبی محسوب داشت، که ایرانیان برای خاتمه دادن
بفرمانروائی اجانب (ضحاکیان) قیام نموده و فریدون را که مغولان در
کوه و هامون سرگردان و از نواد پاك تاجداران کیان بود از طرف ملت
بسمت پادشاهی برگزیدند.

و نیز در عصر ساسانیان که مؤبدان و هیربدان و مغان فلسفه دین پاك
زرتشت را بر طبق سلیقه و منافع خود تفسیر و تعبیر کرده و بر خلاف
اصل خلقت اهالی را بچهار طبقه تقسیم نموده و سلسله این تقسیمات
را بدوره جمشید نسبت میدادند بدین ترتیب مؤبدان و هیربدان و مغان
پاك طبقه امرای لشکر و کشور طبقه دوم، تجار و پیشه وران سومین طبقه
کشت کاران و قلاحین طبقه چهارم و مطابق دستورات عمومی مداخلات

هر طبقه در طبقه دیگر ممنوع و حتی حق معاشرت و ازدواج و ریاست برای طبقات رعایا با طبقات عالیه از محالات شده بود. این مسئله مساوات را از بین برده و راه ترقی را برای افراد لایق مسدود کرده بود. غافل از آنکه اصل خلاقیت برعکس دسته بندی ظاهر که مولود تمدن شلط بشری بوده و سرتاسر اوراق و صفحات تاریخ نشان میدهد که : « نوابغ هم از کلبه فقرا ظهور کرده و هم از قصور اغنیاء پیدا شده اند » خلاصه طبقه بندی ارباب دیانت زردشت باعث گاه مندی افراد طبقه دانه گشته و بدین جهت گروهی بشمار دعوت اشتراک بی سر و ته مزدک را لیک گفته و مزدکیان از عدم رضایت عامه استفاده و چندی باعث اغتشاش و انقلاب گردیدند . (*)

بعد از ظهور و تفوق اسلامیت نیز فرق متعددی در ایران پای بعرضه وجود گذارده و کارهای قابل ذکری از خود بیاد گذارده اند از آنجمله فرقه سیاسی (خرمیه) که مرام و وجه نظر خود را

(* بطوریکه از تحقیق و تتبع تاریخی دانسته میشود ، مهمترین علل انقراض سلطنت چهارم و شصت ساله دودمان ساسانی علاوه بر حقانیت معنوی اسلام و نفای خانوادگی اولاد اردشیر بابک ، و لشکر کشیهای موعول بدون مطالعه ایران بسرحادات دولت مقتدر روم که بالنتیجه باعث ضعف قوای مادی و معنوی روم و ایران گردید . کیفیت عدم رضایت عامه یعنی طبقات دانه از استبداد وجود خواهی ضفه ممتاز بود که گروه ملت را از حق طبیعی محروم و حق ترقی و نشو و نما را از افراد لایق سلب کرده بودند .

نهایی است وقتی جمعی بیایند و بگویند و راست هم گفته و عمل هم نشان بدهند بر اینکه کلیه محاق بشر بندگان جنای و احسد ، و سید قرشی و سیاه حبشی در مقابل عدل الهی یکسان و از بین گروه بندگان فقط و فقط اشخاص پرهیزکار و معنی در نزد خداوند کریمی میباشد ، طبیعی است جماعت مردم خود بالانطوع و رغبه اقبال نموده و خود ، با دان و دل اسباب فتح و غلبه اعراب مسلمان را فراهم داشته اند)

بر انداختن خلافت عربی از ایران فرار داده و کامیاب نیز شده اند. از حزب وطن برست خرمیه جدی تر فرقه (شعوبیه) بود که آرزوی فرقه را در همه شکستن اولویت و آقایی نژاد عرب و اثبات برتری تاریخی نژاد ایرانی را بر سایر نژادها فرار داده بودند.

فرقه اسماعیلیه ایرانی هم دخالتهای همه در سیاست ایران داشته و تربیت شدگان آن حسن صباح و فرزندان ویروان از قریب یک قرن صد ساله هوچیات مهم و وحشت در حال مخالف را فراهم ساخته و میتوان گفت (تروریستهای) برو با شاید تا حدی حمایت خلاف امنیت خود را از فدائیان اسماعیلی سر مشق گرفته اند.

سلسله بیروان شیخ صفی الدین اردبیلی نیز از اغراض سیاسی برکنار نبوده اند. چنانکه بعد از زود و خورد مریدان شیخ در تحت فرماندهی شاه اسماعیل با شروان شاه در قفقاز و تسلف نمودند و مملکت داشتند. برای ایران زمانه را از این زمانه زود را از زودی کنار بردند و در این کردند که غالباً کوشش و کوشش بزرگترین تر است. برای استقلال کامل ایران و بیرون نظریه سیاسی بوده و در صورت فرصت از وقت استفاده بموقع کرده اند.

در قرون اخیر، جنی در دوردان ناصر اندین شاد قاجار اولین اقدامات سیاسی حزبی را از ایند از اساس و تشکیل (فرمانسیون) با اصطلاح فراموش خانه - یادداشت کرد که در نتیجه زحمات برتر ماکسیم خان و امین الدوله و جمعی از معارف آن روزی تشکیل گردید.

جمعیت فراموسون در بدو تاسیس و تشکیل و این تسریع نمودند و در بدو جانب رجال دولت و عالمان دینی و معارف و ممالک بدل مساعی زیادی نمودند و اشخاص ذی نفوذ مهمی مانند مرحوم آقا سید صادق دجسته سنگاچی

وسید اسمعیل مجتهد بهبهانی را که از معارف درجه اول علماء دارالافتاء بودند، به محفل خاص دعوت و راز نهفته را در میان نهاده و از هر جهت موجبات جلب اعتماد آنان را فراهم ساختند.

آقایان سید صادق و سید اسمعیل پس از مطالعه کامل و دریافت مقاصد مؤسسين حزب جدید تشکیل شاه را ملاقات و حضوراً برای تأمین خطرات ماوگانه اظهار داشتند که آنچه ما فهمیده ایم تشکیل و تأسیس فرامسون در ایران با ترتیبات فعلی مضر بدین و مخالف تاج و تخت و مقام سلطنت نیست)*

بالجمله محفل مذکور چندی تعطیل و مجدداً در اوایل جاوس مؤخر اندین شادسنه ۱۳۴۰ هجری قمری بادیست (مسیر و بیور فرانسوی مدیر سابق مدرسه آیانس طهران) تشکیل و عدد از رجال و علماء را عضویت پذیرفته و بعد از بهم خوردن مشروطه اول در نتیجه تعقیبات محمد علی پیرزاد تشکلات مزبور ظاهرأ منحل و ثانیه آنرا گویا بسفارت فرانسه برده اند.

اسولاً تشکیل و تأسیس فرامسون در ایران برای نزدیکی روابط شرق و غرب و حیناً تعدیل اوضاع سیاسی و ترویج تمدن فرنگ در ایران بود.

و این ظاهرأ مسائل خیریه و معارف و اصلاحات اخلاقی را دنبال کرده و تا اندازه باعث توسعه امور خیریه این قبیل مدرسه و مؤسسه‌خانه نیز شده‌اند. همچنین مؤسسه‌خانه بس حوزہ شیخ هاشمی زنجب آبادی و غیره (به وجهی تمام آنکه در ایران تشکیل بران امور از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۵ میلادی) و اسکولانند شروع و تمام برای دیگر کار مدنی هم کرده‌اند و در این کتاب از فرانسه میانه که در آنجا در این حزب حسداتی انجام داده اند.)

ضمناً برای ایجاد تأسیس مشروطیت و تدوین و اجرای قوانین جدید
نیز کارهایی انجام داده اند.

دیگر از احزاب قبل از طوع مشروطیت انجمن اصلاح
خواهان است که مخفیانه با سرپرستی مرحوم آقای سید محمد طباطبائی
مجتهد سننجانجی دایر و اعضاء قابل ذکر همچون بحر العلوم کرمانی
و مجد الاسلام کرمانی مدیر روزنامه (ندای وطن) حجت پیشرفت مشروطیت
و اخذ تمدن جدید خدماتی شایسته بمنصبه ظهور رسانیده اند.

بهار اجتماعات

شیوع و انتشار حزب سازی و فرقه بازی و بحران اجتماعات سیاسی
موارد مشروطیت و حکومت پارلمانی بوده و این درره را باید بهار جنبش
سیاسی احزاب ایران دانست. در دوره مشروطیت کبیر یعنی مجلس
اول برای تحکیم و حفظ مشروطیت و دفاع از حقوق های جماعات
گوناگون با عناوین مختلفه و مقاصد متنوعه و پریشان در تحت عنوان
انجمن یا بعرضه بروز و ظهور گذاردند. ظاهراً عمده مقاصد و هدف
و آمال انجمنها را بسط و توسعه و حفظ حقوق های و تحکیم استقلال
یا تمام معنی ایران تشکیل میداد.

و در مواقع لازمه پشتیبان محکمی حجت مجلس نوزاد مقننه نیز
بوده اند.

طبیعی است در بین افراد عناصر انجمنها اشخاص ناپاک و اعمال
سیاسی پیگانه و دربار استبداد هم عضویت یافته و خود را با لباس آزادی
خسواهی و مشروطه طلبی آراسته و از آب گل آلود باصطلاح منهی
می گرفتند.

چنانکه سعدالدوله بالباس مشروطه طبیبی داخل درسایک آزادپخوانان
شده و تابع مقام ریاست مجلس نیز ارتقاء یافت و کمی بعد باعمال باشاه همدست
ونقشه انهدام بهارستان را فراهم آورد. یاز شدالدوله در هنگام بهار انجمنها
یکه تاز میدان لفاظی شده در دوره استبداد عامدار و بعد از غلبه مجاهدین و



۲۴ میرزا حسن خان مستوفی (مستوفی الممالک)

افتتاح دوره دوم مجلس از گنبد قابوس تاشهر ورامین پیشرو چپاول چیان
اشرار ترا کمه واردوی غارت گر محمد عالی میرزای مخایع شده و کرد
آنچه را که باعث ویرانی یکقسمت از ممالک و مقتول شدن خودش

بدست قوای ملی گردیده و تقریباً تاریخ را برای پدکاران جاب نمود.
 خلاصه - اسامی انجمنهای دوره اول که خدماتی باخذ تمدن
 جدید و نهضت ایران نو کرده اند عبارت است از انجمن آدمیت،
 آذربایجان، اصناف، برادران دروازه قزوین، طلاب، تجار، حقوق و غیره



(۲۵) - آقای سیدحسن مدرس اصفهانی

افراد انجمنهای مذکور درمواقع بحرانی چون واقعه میدان
 توپخانه و بمباردمان مجلس دراطراف دارالشورای ملی تمرکز یافته و
 باندازه قدرت خودمجلس را ازتهاجم مرتجعین و بدخواهان حفظ مینمودند
 چنانکه درروز بمباردمان مجلس قسمتی ازافراد مساعیانجمنها
 خصوصاً اعضاء انجمن آذربایجان قریب هفت ساعت باقوای منظم دولت

مبارزه نموده و پس از دادن تلفات و خرابی سنگر جمعی اسیر وعده
متفرق شدند .

در استبداد صغیر هم دو فرقه مخفی و سیاسی و انقلابی مهم در
طهران و تبریز ورشت بعرضه وجود آمده و اثری از خود باقی گذاردند
(کمیته ستاری و کمیته جهانگیری) با ترئیبات مخصوص و
نظامات سری .

هدف و منظور جمعیت ستاری و جهانگیری فراهم آوردن ارتباط
و مساعدت با انقلابیون آذربایجان ، گیلان و آذربایجان و تسهیل تهیه ورود
قوای مالی بهم مرکز بود (*)

بعد از افتتاح دوره دوم دارالشورای ملی بدو فرقه سیاسی دموکرات
مرکب از افراد تجدیدطلب و تندرو تشکیل و بعد بطوریکه تذکر داده شد
از نظر جلو گیری و ممانعت از پیشرفت آمال وسیع مایون جمعیت
اعتدال برای مدافعه از سیاست دولت ناصر الملک تأسیس و مبارزات و
اختلافات زیاد که یکی بنام دین حریف را تکفیر میکرد و دیگری
بانقلاب وطن پرستی حمله مینمود تا زمان انحلال دوره سوم مجلس و

(*) اینکه زیانزد برحق است که ناصر الملک باعث تشکیل احزاب سیاسی ایران
در قرن اخیر شده حرفی بی اساس است

بلی چون ناصر الملک در موقع اشغال مقام نیابت سائننت از وجود احزاب مخفی
دموکرات و اتحادی و ترقی باحیر و ارتندروی مایون در هراس بود . برای جلو گیری
و ممانعت از پیشرفت فرقه ملی و تاهین مظالم خویش جمعی (فرقه اعتدال) ولی در
باطن محافظه کاران را متعویق یا احتیاج نموده و از هر حیث نفوذت می بخشود و از طرف
دیگر نهایت سعی را برای علنی شدن احزاب دیگر بکار برده و بالتبعه کامیاب و سبب
پریستانی برق مذکور گردید .

مهاجرت ۱۳۳۳ هجری قمری ادامه یافت و بعد از عقب نشینی مهاجرین در قصر شیرین آخرین نقطه سرحد غربی ایران قیامین سید محمد رضای مساوات شیرازی و سید محمد صادق طباطبائی تبریزی فرقه دموکرات و اعتدال قرار ممتاز که اختلافات حزبی داده شده و یک کمیته



(۲۵) - شاهزاده سلیمان میرزای محسن

واحد برای پیشرفت نظریه مهاجرین ایجاد شد که دنباله آن در زمان بازگشت مظفرآنه مهاجرین بکرمانشاهان قطع گردید که در سطوح آینده متذکر خواهیم شد. در دوره سوم مجلس تقنینیه فرقه مؤثر و مهمی تظاهر نکرد و در جریانات همان فرقه دموکرات و اعتدال دخیل بوده و اختلافات بنهایت شدت خود رسیده و غالباً مطامع شخصی جای گزین اغراض ملی شده بود.

بطوریکه حزب محافظه کار اعتدال دو دسته متمایز تشکیل داده
در ای مقام و پیشرفت نفوذ بر سر هم میگویند. و سبب این اختلافات آقای
سید حسن مدرس شده بود بدین ترتیب که جمعی از افراد اعتدالیون
در گرد آقای سید حسن مدرس و مرحوم حاجی آقای شیرازی جمع
و توده پیرو آقای میرزا محمد صادق طباطبائی شده بودند.



(۲۶) - آقای میرزا قاسم خان صور

پیروان سید محمد صادق طباطبائی با سلیمان میرزا رئیس فرا کسیون
دموکرات در مجلس قرار و مدار می گذارده و اعتبار نامه حاج آقای شیرازی
نماینده طهران را رد کردند

در ختام جنگ بین المال و مراجعت تدریجی مهاجرین بطهران
مجدداً بازار احزاب سیاسی با تشویق آقای میرزا حسن خان وثوق الدوله

و مخالفین ایشان رونق گرفت ولی اغلب از روح مسلکی عاری و در
زمینه خصوصیات دور میزد *

در همان آوان که در مرکز مشغول دسته بندی بودند

در پایتخت حکومت غربی مهاجرین (گرمانشاهان) شالوده
کمیته (ترویج مجازات) وحشتی ریخته شده بود و بواسطه چند عمل
شدید در پایتخت اولیاء امور مرکزی را بوحشت انداخته بود (سنه ۱۳۳۵
هجری قمری) کمیته جنائی مذکور مرکب بود از منشی زاده ابوالفتح
خان، کریم دواتگر، احسان الله خان، رشید السلطان، حسین خان آله،
عمادالکتاب و غیره

در مدت کمی چند نفر از معارف متنفذ مانند مرحوم آقای
صدرالعلماء و متین السلطنه مدیر روزنامه هفتگی و جدید و منتخب السلطنه
و میرزا اسمعیل خان رئیس انبار غله را مفتول و وضعیات را آشفته و
مشوش نمودند.

پس از خاتمه جنگ بین العمال و روی کار آمدن کابینه مجدد آقای میرزا
حسن خان وثوق الدوله و تشنج سیاسی اوضاع دنیا و ایران رونق بازار
حزب سازی تجدد و افراد بی مسلک و بامسلک در زیر نقاب دموکراسی
در دسته متمایز تشکیل داده و بعضی بنام (دموکرات) مناطق و عدّه
موسوم به (دموکرات ضد تشکیل) و تاسیساتی نیز ایجاد کردند

(*) بدیهی است هر جمعیتی مرکب از افراد مختلفه و اغراض گوناگون
میباشد و عناصر پاك و ناپاك باهم ترکیب شده و برای پیشرفت مقصود معینی
تشکیل هیئتی میدهند و در اینجا نظر نگارنده تجزیه مطلب نیست از نظر اقتصاد
تاریخی روی کلیات بحث میکنم و تشریح و اسناد را برای چند بعد میگذاریم

دمو کراتها تحت قیادت آقایان مهدیقلی خان هدایت و سید

محمد تدین .

دمو کرات ضد تشکیل بریاست سیده محمد کموره و میرزا تقی خان بینش .

مبرزین جمعیت اعتدالیون سابق و دمو کرات قدیم مانند حضرات

آقایان سیده محمد صادق طباطبائی و سلیمان میرزا و میرزا قاسم خان صور



(۲۷) آقای ارباب کیخسرو شاهرخ

نماینده مجلس شورای ملی

و غیره همه عهد و جماعتی بنام اجتماعیون بهر صه وجود آوردند و جماعتی
هم با عنوان قیام ملی و نهضت ملی قیام کرده اند . دیگران نیز در این میان
از اختلاف احزاب استفاده و هر چند نفر از همه جا بازمانده دور هم دیگر
جمع و با اختیار عناوین مختلف مانند (دمو کرات زره پوش) طبقه سوم

و غیره عرض اندام نموده و چندی احزاب ملی را مضحکه و مسخره یار و اغیار قرار داده بودند . (*)

بعد از سقوط کابینه دوم آقای وثوق الدوله ۱۳۳۸ هجری قمری در مدت عمر کابینه دوم آقای میرزا حسن خان مشیرالدوله و کابینه فتح الله خان اکبر سپهدار رشتی تقریباً فترتی برای احزاب نامور پیش آمد و جمعیت سیاسی مؤثری را که بشود نام برد عبارت از تشکیل (کمیته آهن) است در زرگنده شاید با عضویت آقایان سید ضیاء الدین طباطبائی مدیر روزنامه زعد و مائور معود خان و الکساندر خان و چند نفر دیگر که تذکار نام آنها لزومی ندارد

پس از کابینه نود و نوزده سید ضیاء الدین در کابینه میرزا احمد خان قوام السلطنه مجدداً تا اندازه بازار فرقی و اجتماعات گرم شد از آنجمله بود. اند احزاب (سوسیالیست) (دموکرات مستقل) (کمیته اتحاد شرقی) (تجدد ایران) و سایر دستجات و اخیراً (ایران نو) که بتدریج طالع شده و پس از چندی غروب کرده اند .

(*) بطوریکه ملاحظه میسود فرق سیاسی ایران بدو بایک روح وطن پرستانه و مسلک آزادیخواهانه و مرام ترقی طلبانه تشکیل و در خدمت باستقلال کامل وطن مردانه کوشیده و جان فشانیها نموده اند ولی بعد عمال سیاسی و مغرضین نفخ پرست برای شروع فساد در جامعه و تأمین منافع شخصی موجبات تفرقه و تشتت را با وسایل گوناگون بزریق و فرق سیاسی را در نظر یار و اغیار بی وقرب و بی اعتبار نموده اند)

فصل هشتم

اثرات جنگ بین الملل در ایران

در ضمن شرح جریانات نهضت ملی ایران در هنگام ظهور معاهده ۱۹۰۷ میلادی نگارش رفت که ملیون ایران همیشه نگران اوضاع بوده و با کمال توجه در صدد یافتن علاج و نجات از محاصره تقوّد استعماری دول همسایه جنوبی و شمالی بوده و دائماً وضعیات سیاسی فرانک را از زیر نظر دقت میگذرانیدند.

در هنگامیکه مقدمات جنگ بین الملل ۱۹۱۴ با نهایت عجله و شدت در دنیای مغرب عرض اندام نموده و متحدین و متفقین بواسطه نشریات و تبلیغات خود عالم را بهیجان آورده بودند، بویژه ابلاغیه های جنگی آلمان، اطریش، عثمانی که با آب و تابی مخصوص منتشر و احساسات و افکار را به بارزات و جنگها و خونریزیهای فرونت شرق و غرب اروپا متوجه میساختند افراد استقلال طلب و آزادیخواه که بواسطه فشار و تجاوزات عمال دربار تزاری روس بستوه آمده و پیروی آمال و آرزوی روز بهتری را داشته و منتظر فرج بعد از شدت بودند. شهرت و انتشار غلبه نظامی و تفوق معنوی دول متحده آلمان، اطریش و عثمانی را فوزی عظیم شمرده و بخالیجان و هیجان آمده بودند.

از طرف دیگر وسعت دایره جنگهای فرونت اروپای مرکزی و جنوبی تا سرحدات شمال و غرب ایران کشیده شده و لشکریان متخصصین خانمان قسمتی از رعایای سرحدی را بباد فنا میدادند.

سالها قبل از پیدایش جنک بین الممالی یعنی از دوره استبداد صغیر محمدعلی میرزا - روسهای تزاری از هرح ومرج و ضعف قوای مرکزی استفاده نمود. و پیش قر اولان اردوی تزار در سنوات ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ هجری قمری در حدود خراسان و آذربایجان داخل و در مشهد مرتکب فجایع گردیده بواسطه توپ بستن بکنبد مطهر رضوی (ع) قاووب ایرانیان را مجروح کرد و در تبریز با تقویت صمدخان شجاع الدوله باعث قتل و



(۲۸) آقای مهدی قاسبی معان هدایت (حاج مخبر السلطنه)

اولین وزیر قانونی علوم در دوره مشروطیت

غارت جمعی از وطن خواهان گشته و مرحوم تقی الاسلام را بدار اعتساف کشیده و از هیچ جنایتی فرو گذار نسموده بودند.

بعد از قتل و غارت تبریز و خرابی گنبد و صحن حضرت رضا

(ع) در خراسان و آذربایجان نگر انداخته و بانتهای فرصت اوقات می گذرانیدند.

با چنین وضعیتی نزدیک شدن از دوی مخاصم (قشون عثمانی)
را برحدات ایران ۱۹۱۵ میلادی بهانه قرار داده و برای اشغال واقعی
ایران از بندر انزلی (بندر پهلوی) قدم پیش گذاشته و شهر
فروین ۱۶۰ کیلومتری پایتخت را اردوگاه لشکر قزاق و سالدات قرار
داده مرکز را تهدید و آماده حمله و تهاجم گردیده بودند.



(۲۹) آقای محمدعلی عثمان فروشی (ذکاء الملک)

عمال سیاسی (دیپلوماتیک) جنوبی و شمالی نیز بیکار نشده و
باب مذاکره و یادداشت و نصایح عاقلانه و خبر خواهانه را با دولت وقت
گشودند و پیشنهادات چندمی تقدیم نمودند که با مصالح واقعی وطن
و استقلال با تمام معنی ممالکت سازش نداشت - از جانب دیگر نمایندگان
دول متحده آلمان و اطریش و عثمانی احسانات عمومی را غنیمت شمرده
بناهیون و نمایندگان مجلس باب مراد و مذاکره مفتوح و از هیچ

اقداماتی که موجب غلبان احساسات و عواطف مات بگردد فرو گذار
نمینمودند. در ایران بالنتیجه عناصر تجدید طلب و وطن خواه پیش آمدیک
چنین وضعیتی را با گشاده رویی استقبال کرده و افکار و اقدامات خود را
بر ضد نفوذ روس و انگلیس علنی و هویدا ساختند.

تصادم و اصطکاک سیاست جنگی اروپا در صحنه سیاست ایران و
پشت هم اندازی و دخالت نمایندگان دول متفق و متحد و دشمن و بلا تکلیفی
افکار عمومی کابینه مرحوم میرزا حسن خان مستوفی الممالک را با اتخاذ
تصمیم واداشته و چندی موضوع دخالت یا عدم شمولیت ایران در جنگ
در محافل رسمی و غیر رسمی دولت و مات مطرح و بالاخره تصمیم
کابینه علنی و بیطرفی ایران در جنگ بین الممالک رسماً اعلان و تمام سفارت
خانهای مقیم پایتخت و نمایندگان ایران در ممالک سائر ابللاغ گردید
۱۹۱۵ میلادی مطابق ۱۳۳۳ هجری قمری (۵)

در ختام جنگ بین الممالک در کالج امریکائی طهران کنفرانسی
دایر و سید ضیاء الدین مدیر روزنامه رعد خطیب کنفرانس در موضوع
رد بیطرفی ایران دلایلی اظهار و گفته بودند:
اگر در آن موقع کابینه مستوفی الممالک به پیشنهادات نمایندگان
دول همسایه ترتیب اثر میداد و در جنگ دخالت رسمی میکرد - میتوانست

(*) بعین، نگارنده که جریانات تاریخی بعد هم معین میدارد یکی از سیاست
های خوب و مفید و مطابق مقتضیات و حوائج ملی و افکار عمومی آن روزی که از کابینه
مرحوم میرزا حسن خان مستوفی الممالک در یک موقع باریک و سخت که مقدرات ملی
در آرزو بود همانا موضوع بیطرفی ایران در جنگ بین الممالک بود - چه بیطرفی
فرست بیکوئی جهت خود آرائی و تحکیم بیان استقلال بانام معنی ایران بدست میداد
که هم استناده سیاسی بشود و هم بهره اقتصادی گرفته شده و منافع وطن و مات را
کاملاً تامین بنمایند چنانکه همینطور شد .)

منافع زیادی برای مملکت حاصل نمایند - وضعیت بعد بخوبی نشان داد که نظریه مذکور مورد نداشته و باضعف و اوضاعی که آن روز برای ایران پیش آمده بود و بارویۀ که عمال تزار است پیش گرفته بودند. اگر در آن موقع ایران تسلیم هوا و هوس این و آن شده و مهاجرت



(۳۰) آقای میرزا حسین خان نائینی (مؤتمن الملک)
رئیس دارالشواری ملی

و قیام ملیون پیش نیامده بود قطعاً سرنوشت ایران کنون تغییر یافته و صورت نازیبائی بخود گرفته بود .
اعلان بیطرفی نه تنها از اشتداد و سختی اوضاع نکاست ، بلکه
پیش از پیش عمال و نمایندگان سیاستهای مختلفه را با فعالیت و ادا

و صحنه پهنای وطن میدان کشاکش حرفای جنگی گردیده و ایران
بیطرف را ویران و قسمتی از اهالی صلح طلب و رعایای بی پناه را بچاک
و خون کشیدند.



(۳۱) آقای سید محمد تقی در رئیس شانانشورای ملی
در مرقع ریاست مجلس

از جهة دیگر آلمانیهای جمع شده در طهران در ظل وزیر مختار
زبردست خودشان (پرنس ریس) بتای دسته بندی و تقابلهای گدارده بطوریکه
شیدم و بادست حسین زاده میجاهد و برایش برای قبضه اسلحه و محل دفاع

نقشه انهدام قزاقخانه را میریختند ولی نقشه مزبور کشف و از طرف دولت از حوادث محتمل الوقوع جلوگیری بعمل آمد ۱۹۱۶ میلادی

ژاندارموری جوان که باخون دل و بذل فداکاری مایبون در تحت هدایت و تعلیمات صاحبمنصبان سوئدی تشکیل یافته و برای تحکیم و ایجاد مرکزیت قدیمه های گرانها میداد. بر حسب تعلیمات دولت از نظر پیش آمد جریانات ممکن الوقوع افراد خود را از اطراف قطاب و در باغشاه تمرکز داده و با احساسات غرور ملی پشتیبان تفود دولت و مجلس بودند. در یک چنین وضعیت منقلب احمد میرزا آخرین پادشاه قاجاریه تصمیم بعزم حرکت و انتقال پایتخت از طهران باصفهان غوغائی در شهر ایجاد و همه را نسبت بآبند نگران ساخت!

انتشار خبر حرکت شاه سبب شد که یکدسته از قشون روس متوقف در قزوین برای مرعوب کردن مجلس و دولت و تصفیه و قبضه پایتخت باعجله و شتاب از قزوین حرکت و تاقریه کوچ شش فرسنگی ۳۶ کیلومتری طهران پیش آمدند!

جلو آمدن پیش قراول قشون روس بر هیجان و غلبان افکار افزوده بازارها تعطیل - مجلس شورای ملی آشفته، دربار آماده حرکت بطرف اصفهان، افراد مایبون سرگرم تجهیز برای دفاع و عده از و کلاه بطرف قم رهسپار گردیدند ۱۳۲۳ هجری قمری

اردوی ژاندارموری از نظر احتیاط از تصادم با قسوی روس و محاصره فرضی در نالاطم - دیناهدین که با دست و فکر (شومانان) آلمانی تهیه شده بودند، همچنین سفرای آلمان و اتریش و عثمانی از

نظر تسریع در حرکت که برقع خود تصور میکردند، بقصبه حضرت
عبدالعظیم نقل و مکان داده و بانگ حرکت زنگ قافله های مهاجرین
سیاسی گوشزد زائرین حضرت معصومه در جاده قم میگردد.



(۳۲) میرزا حسین خان دادگستر (عبدالمالك)
رئیس دارالشورای ملی

اهالی دست از کسب و تجارت برداشته در آن روز برای
تعیین تکلیف بعمارت گلستان محل دربار و هیئت وزراء هجوم آور و
تا اواخر شب در گلستان مقیم بودند.

جلسه هیئت وزراء تا سه ساعت بعد از نصف شب دائر و بلا تصحیب مشغول مذاکره در اطراف وضعیات بودند .

مردم برای فهم قضایا و تعیین آخرین تکلیف در آن شب تاریخی بشدت و خشونت خود افزوده از کابینه مستوفی تقاضای اتخاذ تصمیم فوری را داشتند :

نمایندگان جنوبی و شمالی برای متقاعد کردن دولت مرتباً با دربار رفت و آمد داشته ، و شبانه جهت متوقف ساختن عملیات قشون روس تا قریه کرج نیز میرفتند .

جماعت در گلستان بهمان حال باقی بود ، مقارن نصف شب میرزا حسن خان مستوفی الممالک برای اقناع مردم و توضیح قضایا از جلسه هیئت وزراء خارج و بطرف اهالی پیش آمد .

در این بین جماعتی بطرف رئیس الوزراء پیشرفتند و نثارنده نیز در قفای جماعت نگران اوضاع بوده و دیدم مستوفی الممالک بالحن مخصوص و صدای گرفته و متشنج بدون توجه باظهارات مخاطبین سر بلند نموده و گفتند (کارها خراب است و شما هنوز اینجا هستید ؟) بمحض اظهار این مطلب و انشاء این همه راه خود را تغییر داده و رفت !

بلا تأمل خواص و محارم مستوفی افراد را بخرج از گلستان دعوت و باحالت نجوا و تنگ گوشی به مبرزین مجتمعین میگفتند :

(غرض از فرمایش آقا این بود که فوراً از شهر خارج و بار دو بطرف قم بروید که اوضاع وخیم است)

نویسنده بعد از خروج از گلستان شهر را پریشان و دستجات مختلفه را سواره و پیاده بطرف دروازه روان میدیدم و صبح زود اشخاصیکه

ناظر جریان مهاجرت بودند - ملاحظه می کردند که درجاده حضرت
عبد العظیم قطار اشتران مست بیابی و در دنبال یکدیگر عبور نموده و
بار قطارها اسلحه و سایر ملزومات جنگی و قورخانه بود که مرتباً
از باغشاه محل ژاندارمری حمل و برآه می افتادند. (*)

از قرائن معلوم بود که قبلاً تدارک سفر دیده شده و وسایط
تقلیه لازم را تهیه دیده بودند.



(* متأسفانه چند میلیون اسلحه و مهمات و عددی افراد تربیت شده که در ظرف
چندسان تهیه شده بود، بواسطه عدم تصمیم چندی در حفظ بیطرفی و نداشتن خط مشی
تابت تمام در راه و پیراهه تقریباً و بعد مایه شرارت الواط و اربانی گردید .

فصل نهم

مهاجرت و کمیته دفاع ملی

و کلاهی مجلس شورای ملی و سایر معاریف طبقات و اردوی
پراکنده ژاندارمری و دستجات مجاهد و چریک که از طهران
حرکت نموده بودند - بتدریج و ردقم شده و سکونت موقت اختیار کردند.
ولی هیئت وزراء و دربار بواسطه تأکید و تأمین سفارتین جنوبی
و شمالی و متوقف شدن پیش قراول قشون روس در کرج و تمرکز
قوای ملی در قم فسخ عزیمت نموده و از ترک پایتخت منصرف شدند.
وزراء مختار اطریش و عثمانی که بقصد حضرت عبدالعظیم نقل
و مکان نموده بودند، بمرکز مراجعت ولی وزیر مختار آلمان از مراجعت
ب طهران خودداری و با مهاجرین همعنان گردید.

بالجمله شهر قم مرکز قوای ملی اعلام و در آنجا عده از
نمایندگان دارالشورای ملی در تحت ریاست سلیمان میرزا برای ایجاد
مرکزیت و تهیه قوای دفاع در مقابل قوای مهاجم روس کمیته موسوم
به (کمیته دفاع ملی) ۱۳۳۳ هجری تشکیل و بلافاصله تشکیل کمیته
دفاع در اندک گرافاً بتمام ولایات اعلام و چون قشون روس برای تفرقه مهاجرین
از قزوین بطرف ساوه حرکت نموده بود از طرف کمیته دفاع ملی عده ای را
برای جلوگیری بساوه اعزام و بانهایت جدیت در صدد فراهم کردن وسایل
عقب نشینی و تکمیل و تجهیز قوا برآمدند.

خلاصه بواسطه تهاجم طلايه روسها و جنگ مختصر ساود -
رباط کریم - قریه منظریه مهاجرین شهر قم را تخلیه و جمعی از راه عراق
و بروجرد و لرستان عازم کرمانشاهان و عمده سرسلسله گان مهاجر
از راه کاشان عازم و باصفهان ورود نموده و پس از تهیه مسافرت از راه
بختیاری بطرف کرمانشاهان حرکت نموده و رفتند، (*).

کابینه مستوفی در نتیجه اتخاذ سیاست ملی و اعلام بیطرفی و
بطلان نقشه تصرف غیر مستقیم روسها بواسطه قیام مهاجرت سیاسی
ساقط و محمدولی خان سپهسالار تنکابنی که مورد اطمینان روسها بود
زماندار امور گردید.

در اینموقع نفوذ جنوبی و شمالی در مرکز مملکت بلا معارض
رو به توسعه؛ مایمون و وطن خواهان مغضوب و فراری؛ مالیه ایران با تشکیل
کمیسیون مختلط زیر نظر (کنترول) ۱۳۳۴ هجری واقع گردید +
پلیس جنوب در فارس و بنادر حکمفرما و اوضاع از هر جهت تیره
بنظر می رسید.

(* از مطالب قابل تذکار آنکه بعد از عزم بتوقف دربار در طهران آقایان میرزا
حسین خان عدل المنش (دادگر) و از باب کیخسرو نماینده زرتشتیان برای معاودت نمایندگاران
مهاجر از طرف مستوفی الممالک رئیس الوزراء تا کاشان آمده و بلا نتیجه مراجعت
کردند) در اصفهان دسته عقب ماندگان از مهاجرین برای تهیه وجه در امور بانک
شاهنشاهی دخالت نموده و مبلغی بر ضرر دولت افزودند.)
* در نظر نماینده از طرف جنوبی و شمالی کلیه عایدات و مخارج در
در تحت نظر گرفته و کنترول مینمودند.

بعد از انحلال کابینه سپهسالار و روی کار آمدن کابینه اول میرزا حسن خان
و ثوق الدوله در اثر قوت گرفتن مایمون مهاجر در غرب و سکست قسطنطنیه روس و
همدان کمیسیون مختلط با شرایط جدی برداشته شده و نظارت مالی ملغی گردید.

تهاجم و پیشرفت قشون روس که از قزوین شروع شده بود تا قصر شیرین آخرین نقطه سرحدی غرب ادامه داشت و در آنجا بواسطه شکست سختی که از قشون ترك خورد متوقف و بعد بوسیله حملات شدید سواران ایلات سرحدی ایرانی (سنجایی و کلهر و قلیخانی) و قوای تحت فرماندهی احسان علی پاشا قوای روس بعقب نشینی مجبور و تا آوج بین همدان و قزوین و سلطان آباد عراق رانده شدند جمادی الاخر ۱۳۳۵ هجری: قوای مهاجرین ایران (ژاندارم و سوار متفرقه) با مساعدت و تقویت قشون علی احسان پاشا کرمانشاهان، همدان، ملایر و نهاوند و بروجرد و قسمتی از کردستان را اشغال و برای اداره کردن قطعات مصفی شده از قشون بیگانه - در شهر کرمانشاهان در تحت قیادت مرحوم نظام السلطنه مافی حکومت موقتی تشکیل و شهر کرمانشاهان پایتخت و مرکز حکومت مستقل موقتی مهاجرین گردیده ۱۳۳۵ هجری و انضاء حکومت موقتی بطریق ذیل معرفی شدند:

نظام السلطنه رئیس الوزراء و رئیس حکومت موقتی، ادیب السلطنه سمیعی وزیر داخله، میرزا قاسم خان صور وزیر پست و تلگراف محمد علی خان فرزین مالیه، سید حسن مدرس قمشه عدلیه و اوقاف، عباس میرزا سالار لشکر فرمانفرمایان وزیر جنگ، حاجی عزالممالک اردلان خزانه دار و مستقلا شروع بکار کردند.

چنانکه قبلا اشارت رفت در نتیجه نزدیک شدن قوای مهاجرین و ملیون بمرکز و معلوم نبودن سر نوشت ختام جنگ - کابینه بيملاحظه محمد ولی خان سپهسالار تنکابنی منحل و میرزا حسن خان وثوق الدوله زمامدار شده و با اتخاذ سیاست معتدل ملیون مرکز را جانب و بطوری

که ذکر شد کمیون مختلط مالی را ملغی و برای تکمیل اقدامات
معتدلانه خود نغمه انتخابات دوره چهارم تقنینیه را ورد زبانها ساختند.

در کرمانشاهان فیما بین مهاجرین اختلافات شدیداً برپا شده بود
و دنباله اختلاف تاجائی کشید که بعنوان سوء قصد بر علیه رئیس حکومت
موقتی (*) سیدجلیل اردبیلی و چند نفر دیگر را توقیف کردند و سران
گروه مهاجر علی اختلافات را بر روی خط مشی اساسی عنوان میکردند
سلیمان میرزا و یاران او را عقیده بر این بود که سازش مستقیم با
عثمانیها برای آینده استقلال ایران بی ضرر نیست و لازم است مهاجرین
سیاسی بلاواسطه با دربار برلین مسائل را بر روی منافع متقابله قطع و
فصل نموده و مستقلاً بعمل پردازند.

سید حسن مدرس و ذابین او را عقیده بر این بود که باید سیاست
اتحاد اسلام را در نظر داشته و از تفرقه وجدائی با عثمانیها و کدورت
بین دربار خلافت و عالم اسلام احتراز جست.

(*) در آن موقع بواسطه ضعف بر کریم و بحالت بیگانگی از دو حکومت رسمی
در مملکت هر بار وائی میکردند، حکومت قانونی هر کوی در طهران که آقای و توفیق
الدوله عامل نسکلی آن بودند، یکی هم حکومت موقتی نظام السلطنه در غربت
شهرت فتوحات رئیسرفت قوای مهاجرین در حدود غرب و تجدید هیجان و
غلیان احساسات ملیون هر کوی رئیس الوزرا را مگر از واسطه با حکومت موقتی نظام
السلطنه انداخت اول تصمیم بر این اتخاذ شده بود که مرحوم میرزا محسن زاروانه
بنمایند سادگی بواسطه اشکلاف جنگی راه یا عدم اطمینان از پذیرفتن و نتیجه گرفتن
قرعه این فال بطور مستقیم از نظر از واسطه مملکتی تمام نگارنده زده شد — نویسنده
از پایتخت حرکت و از راه قم و عراق و عمادین خود را بکرمانشاهان رسانیده و پیغامات
خود را برآه هرگزیت و استعمال کامل وطن در یکی از جلسات رسمی هیئت
مشاوره حکومت نظام السلطنه ابراز و در کرمانشاهان تاخاتمه مهاجرت متوقف شد.

حاشیه نشینان کنجکاو - اینگونه نمایشات را بی‌موضوع دانسته و اختلافات را زائیده ریاست طلبی و مقیم خواهی تصور مینمودند.

در نتیجه اوضاع عمومی جنگ و فشار قشون انگلیس در فرونت بصره و بغداد قوای عثمانی داخله ایران را تخلیه و از همان راهی که آمده بودند شروع به بازگشت نمودند.

قوای مهاجرین نیز بالطبع عقب نشینی اختیار و دنباله هزیمت رؤسای مهاجر تا اسلامبول و بران کشید. و در این میان با اصطلاح کاسه و کوزه بر سر بیچارگان شکسته و موجبات قتل و غارت عشایر سنجابی در سرحد قصر و تبعید سنیمان میرزا فراهم و اکثریت افراد مهاجر بعد از انتشار اخبار انقلاب روسیه و گسیختن رشته انتظامات افواج روس در فرونت بتدریج با وطن خود مراجعت کردند.

و زود پیاپی مهاجرین پایتخت احساسات خفته را بیدار و ابلاغیه های حکومت انقلابی روسیه بیشتر موجب امیدواری مایمون گشته و واژگونی کاخ مظالم تزار روس باعث شادمانی عامه ملت و موجب تشنج حکومت گردیده و کابینه های وثوق الدوله ساقط و کابینه مرحوم علاء السلطنه با عضویت مستوفی الممالک و مشیر الدوله دایر و بعد از ایام مختصری علاء السلطنه برکنار و در طرف شش ماه دو کابینه شاهزاده عین الدوله و مستوفی الممالک محال واقع شده و مرحوم نجفقلی خان صدراعظم السلطنه برای تسکین اوضاع زماندار گردید.

هیئت وزراء صدراعظم السلطنه آقایان ممتاز الممالک - ممتاز الدوله - مستشار الدوله میرزا حسین خان علاء - حکیم الممالک - از موقعیت سیاست

اروپا و شکستن طلسم تزار است روسیه که یکتامانع ترقی و تکامل ایران در قرن اخیر بود. خصوصاً از بین رفتن معاهده ترکمانچای و الغای رسمی قیود متجاوز از روسیه از طرف حکومت انقلابی مسکو استفاده نموده برای پیشرفت و ترقی معنوی مملکت و تسکین افکار عامه وطن-پرستان که باشدت بهیجان آمده بود.

متهورانته اعلان الغای (کاپیتولاسیون) قضاوت قونسولات خارجه را در ایران صادر و بتمام سفارتخانهها ابلاغ و در جرأید پایتخت به ترتیب ذیل اعلام و ذکر خیری در صفحات تاریخ از خود باقی گذاردند

«نظریاً آنکه معاهدات و مقاولات و امتیازاتی که از یکصدسال باین طرف دولت استبدادی روس و اتباع آن از ایران گرفته‌اند تماماً یا در تحت فشار و زور یا بوسیله عوامل غیر مشروع و از قبیل تهدید و تطمیع برخلاف صرفه و صلاح مملکت و ملت ایران اخذ شده است.

نظر بر اینکه دول معظمه دنیا از ابتدای جنگ حفظ و رعایت مختاریت و استقلال اقتصادی و سیاسی ملل ضعیفه را بوسایل متنوعه گوشزد جهانیان مینمایند.

نظر بر اینکه دولت جدید روسیه آزادی و مختاریت تام ملل را مقصد و آرزوی خود قرار داده و بالخاصه الغای امتیازات و عهدی را که از ایران تحصیل کرده اند از مجاری رسمی و غیر رسمی بدفعات اعلان کرده است.

نظر بر اینکه امتیازات و عهدنامه‌جات و مقاولات مزبوره علاوه بر اینکه در تحت فشار و زور بر عایمه مصالح مملکت اخذ و آنها، آنکه بعد از اعلان مشروطیت ایران برخلاف نص صریح قانون اساسی مملکت تحصیل

نده است یا بموقع اجرا گذارده نشده و یا بترتیب خیلی ناقص اجرا
مخالف مواد مصرحه آنها رفتار شده !! نه تنها حقوق معینه دولت استیفا
گشته بلکه نقل و انتقال و یا سوء استعمال مدلول آنها غالباً به بهانه‌های
ضر سیاسی و اقتصادی بر ضرر استقلال دولت و حواشیج ملت اتخاذ
نده است و بالعکس نظر بر اینکه دولت و ملت ایران هم حق دارد مثل
سایر دول و ملل عالم از منابع ثروت و آزادی طبیعی خود استفاده بنماید
لهذا هیئت دولت در جلسه شنبه چهارم اسد ۱۲۹۷ شمسی مطابق
شوال المکرم ۱۳۳۶ هجری قمری الغای کلیه عهدنامه‌جات و مقاولات
امتیازات فوق‌الذکر را قطعاً تصمیم و مقور میدارد که وزارت جابله
مور خارجه بمأمورین و نمایندگان دول خارجه مقیمین دربار ایران
یسفرائی دولت عالیه مقیمین خارجه را از مفاد این تصمیم مستحضرداشته
وزارت جابله فواید عامه و تجارت و فلاحات بوسایل مقتضیه برای استحضار
عموم اعلان بنمایند. (کابینه ریاست وزراء)

مندرج در شماره ۲۷۶ سال دوم روزنامه ایران مورخه سه شنبه

۲۱ شوال مطابق هفتم برج اسد ۱۲۹۷ شمسی (*)

(*) مرحوم مصمصام باسلطه شخصی ملت دوست و وطن پرور بود، ولی
راسطه تقص معلومات از اجرای آمال و منویات استقلال طلبانه ملت بریاعده و
ود و منکت مجروح از لشکر کشیهای جنسساله اجاب را چندی دیگر گرفتار
گریه زرقصایی عمال بیگانه و خائمین داخلی ساحت ا موصرع بهامی آن مرحوم
بانه خوبی بدست دستمان سیاسی کابینه ر بنده گوهای خودمانی دانه بود

زعامدار مرحوم مذکور در جریانات سیاسی خود را نهانته و تسلیم دسائیس

گانه بر خلاف منافع استقلال وطن همیشه

از شخص موقی شنیدم که درز قیل از اعلام الفاع کابیتولاسیون از طرف

گمی از عمال ذبنفع خارجی براتی مبلغ بکصد هزار تومان تقدیم کرده بودند

حرکت تند و سریع کابینه صمصام السلطنه در زمینه استفاده از موقع و تزلزل نفوذ دول استعماری - بیگانگان ذینفع و خائنین داخلی را بیش از پیش برای انحلال حکومت صمصام السلطنه با اقدامات و سرعت عمل و ادار و بتکاپو بازداشت .

سرکیسه ها باز شده و از طرفی عده از دلالهای تاجر نما واصناف و افراد ولگرد احزاب را برانگیختند تا در مسجد شاه بساط پلو و سوز راه انداخته و بر ضد کابینه خنجال بر پا و از ناامنی شکایت نمایند .

سید حسن مدرس که تازه از گورد راه رسیده بود با چند نفر در پد پولگی با دستور مخصوص در صحن حضرت عبدالعظیم تحصن اختیار و تقاضای مجتبعین در مسجد شاه را تأیید میکرد (*).

که چندی از انتشاره و یوب با خود داری نمایند ولی اشرافیت ایرانیت حواله را مسترد و با سرعت عمل کار خود را انجام داده و ذکر خیری از خود در صفحات تاریخ ملی باقی نگذاشتند .

(*) سید حسن مدرس که نام ایشان در سنوات اخیر چندی ورد زبان عوام شده بود در دوره دوم دوازدهم شورای ملی از جانب مرحوم آقای آخوند ملا کاظم مجتهد خراسانی که خدمات شایانی به عالم مشروطیت نوزاد ایران انجام داده بودند بعنوان نظارت شرعی به مجلس وارد و در صحن ورود بالینس فقاقت در زمره سیاسیون داخل و بعد عضویت در حزب اعتدال و از طرف ناصر المنك قبول و در دوره سوم چنانکه گذشت عامل تفرقه و دو دستی اعتدالیون گردیده و فرقه مذکور را بدو قسمت تقسیم کرد .

در هنگامه مهاجرت سیاسی نیز در کرمانشاهان عامل نفاق بین سران مهاجر گردیده و بعد از ختم غائله مهاجرت مهترین عامل سیاست بازی روی کار آمدن کابینه قواد داد و سپس بعنوان ضدیت با قرارداد علم مخالفت بر افراشته و در بهضت جمهوریت نیز در کشاکش و ضدیت شرکت داشته و بالاخره معلوم نبود بر روی چه مقاصد مخصوص کاری کند .

بالجملة کابینه بر انداز های حزبی و بازاری و دستهای غیبی برای
 برهم زدن وضعیات و سقوط کابینه صمصام السلطنه از هیچ نوع کار شکنی
 فرو گذار نمی کردند .

حتی سید هاشم پهلوان اکبری که یکی از رجبیانان محلات
 طهران بود با جمعی از جوانان سر گذری را اسلحه و پول داده جهت بی اعتبار
 جنوه دادن حکومت و تزلزل امنیت مامور کردند تا گلدسته مسجد امام
 زاده سید ولی را واقع در وسط بازار شهر طهران سنگر گاه خود
 قرار دادند .

باینهم اکتفا نکرده وسایلی برانگیختند تا چند نفر اراذل در
 تحت ریاست حسین فشانگچی گاری بست دواتی را در بیرون دروازه
 قزوین سرقت و احوال مردم را بغارت کردند .

با تمام اینگونه اقدامات مخمل امنیت عموم در زیر نقاب آرامش
 طلبی و صورت حق بجانب و هرزه گیهای صادره از مراکز نقشه خودی
 و بیگانه کابینه صمصام السلطنه از کناره گیری و تسلیم ممتنع و از تقدیم
 استعفاء خودداری کردند تا فرمان عزل صمصام السلطنه و نصب آقای میرزا
 حسن خان وثوق الدوله بسمت ریاست وزراء در روزنامه ایران منتشر و
 عمر هرج و مرج مصنوعی و ساختگی خاتمه داده شد .

با مقدماتیکه قبلا ذکر شد کابینه دوم وثوق الدوله با عضویت
 شاهزاده فیروز میرزا نصره الدوله و اکبر میرزا صادم الدوله و فتح الله
 خان اکبر سپهدار رشتی و میرزا حسن خان مشارالملك تشکیل و رشته
 انتظام را یکف گرفتند !

خطا منی اولیه کابینه فراهم آوردن ارزاق و امنیت و انتظام بوده

و ضمناً نسبت به عناصر ملی و مهاجرین تازه وارد پرشور و شور و مملو از احساسات وطنی سیاست جلب و استعانت در پیش گرفته بودند .
در وهله اول قسمتی از اغتشاشات که ماست این و آن برای ضدیت با کابینه قبل فراهم شده بود خود بخود از بین رفت .
و برای خاتمه دادن بر اهزنی - ماشاء الله خان کاشانی را در طهران بدار کشیده و برای سر کوبی حسین کاشی پدرش و رضای جوزانی عده اعزام و آنها را مقتول و بعد از یکسال از عمر حکومت زمینه جدید برای اجرای منویات اصلی ظاهراً مصفا و آماده گردید که شرح آن از نظر اهمیت تاریخی بطوریکه مقدمات امر نشان داد در فصل آتی از معرض افکار خوانندگان خواهد گذشت .



فصل دهم

قرارداد ۱۹۱۹

انقلاب ۱۹۱۷ میلادی روسیه که باعث موج فرو ریختن کاخ نظام امپراطوری روسیه گردید نه تنها عمر جنگ بین الملل را کوتاه و تکان سختی بوضعیت استعمارطلبی برخی از دول غربی داد بلکه اثرات مهمی در سرتاسر شرق عموماً و ایران خصوصاً بخشیده و سبب جنبش عمومی و تجدید غلبان احساسات ملی گردید.

ولی از جانب دیگر در نتیجه جنگ عمومی و ویرانی ایران ستم کش چنان رشته اوضاع از هم گسیخته شده بود که ترمیم آن بزودی زود با فکر و عقل هیچ دوراندیشی مناسب نمی آمد.

مملکتی که در ظرف پنج سال جنگ بین الملل لگد کوب سمستور قشونهای روس و عثمانی و انگلیس شده و خانمان رعایای بی سرو سامان آن بباد فنا رفته باشد - کشوری که بواسطه دخالت عمال بیگانگان در شئون اداری و مرکزیت و امور مالی و نظامی و اجتماعی شیرازه سیاسی آن بطوری بکساد که علاوه بر خودسوی و تمرد ملوک الطوائف در ظرف سنوات ۱۳۳۳ - الی ۱۳۳۵ هجری قمری در مرکز و غرب رسماً دو حکومت با دو رژیم مختلف زمامدار گردیده و هر یک مطابق دلخواه خود عمل بنمایند (حکومت موقتی نظام الساطنه در کرمانشاهان و حکومت سپهسالار و وثوق الدوله در طهران).

مملکتی که در مدت یکسال ۱۲۹۶ شمسی بواسطه وضعیات خراب
چهار رئیس الوزراء و هیئت کابینه بخود بهیند (علاء السلطنه - عین الدوله
مستوفی ، حسام السلطنه) و معروف بکابینه فصول بشوند . کشوری که
وزیر مالیه آن آجر عشریه فیخارخانه و چند هزار خروار آخرین



(۲۳) - آقای میرزا حسن خان و توق

(و توق السوئه)

ذخیره انبار غله دولت را بعنوان مواجب در بین جمعی از مستخدمین
دولت تقسیم نموده و موجبات قحطی مصنوعی را فراهم و هزاران نفر
نفوس بیگنادر را بدینار عدم برتاب بنمایند و پادشاه آن کشور (احمد میرزا)
در عین قحط عالی و فقدان آذوقه و خرابی دهات و فقر کشاورز
ها برای ازدیاد قیمت گندم کوشش ورزیدند و در ب انبار غله شخصی
خود را بر روی افرادمات مسدود کنند

بدیهی است هر بیگانه یک چنین ممالکت در همچو موقعی طمع دوخته و بفکر سلب استقلال آنملت می افتد. صرف نظر از آنکه باقتضای سیاست استعماری خود عامل بروز چنین اوضاعی نیز شده باشند. خلاصه باوجود این کیفیات معاوم و مسام بود که در عقب این پرده های سیاسی چه نیرنگها خفته و آل کار یکجا نجر خواهد شد. ولی خواست خدا و استعداد ملت کهن سال ایران غیر از این بود. و امروزه بخوبی می بینیم تمام آن وضعیات بطوری اصلاح و ترمیم شده و ممالکت با سرعت رو بطرف ترقی و تعالی سیر مینماید که مورد غبطه آشنا و بیگانه واقع و غیر از سطوری چند در صفحات تاریخ برای عبرت و تنبیه نسل آینده آتاری از آن دوره ها باقی نیست. این بود مجمعی از دور نمای حوادث تاریخی آن دوره. رشته مطالب را از دست ندهیم:

بعد از انقلاب اکتبر و متلاشی شدن کاخ امپراطوری نیکلای دوم - زمینه بهتری برای پیشرفت نظریات سیاسی همسایه جنوبی در ایران مهیا شده بود.

چنانکه در صفحه ات گذشته اشارتی رفته است از بدو تشکیل پلیس جنوب با بول و تعالیمات مستقیم صاحبمنصبان انگلیس در جنوب. مایون ایران بنای ضدیت و مخالفت را با دخالت قوای مذکور در فارس و بنادر گذارده و قوای پلیس جنوب را یک قوه مستقیم خارجی و عامل پیشرفت سیاست استعماری در جنوب میدانستند.

در کابینه اخیر مستوفی الیمالت (۱۳۳۶ هجری) که هر چند ماهی هیئت وزراء بعد مقام و مسند وزرای قبل را اشغال میکردند، و رشته اعمال ممالکت از هر جهت کسب چخته شده بود انگلیسها موقع را مناسب

یافته و بنای دخالت مستقیم و علنی را گذارده و بوسیله یادداشت رسمی
منویات خود را آشکار ساختند.

اینک قسمتی از یادداشت مذکور را که ضمن ابلاغیه وزارت
خارجه ایران در شماره ۱۸۶ سال دوم روزنامه ایران مورخه دوم جمادی
الثانیه ۱۳۳۶ هجری قمری درج و انتشار یافته برای تکمیل اطلاعات
خوانندگان مینگاریم:

« بطوریکه اولین دولت ایران مسبوق هستند، دولت اعلیحضرت
پادشاه انگلستان همیشه اوضاع ایران را در تحت نظر و توجه صمیمانه
داشته و در این اواخر عانا موافقت خود را در موضوع استقلال ایران
اظهار داشته اند.

سفارت انگلیس بر حسب دستور العمل دولت خود اخیرا چندین
دفعه با دولت علیه ایران مذاکرات دوستانه نموده و تنها چیزی که
خواهش شده این بود که حسیات دوستانه !! خود را کلیه نسبت بمصالح
انگلیس بطوریکه باید محل توجه قرار بدهند.

برای حفظ ایران از تجدید اتفاقاتیکه از عملیات پائیز و زمستان
۱۹۱۵ بحصول پیوست و امروز نیز همان مخاطرات بخوبی مشهود است
جلوگیری نمایند.

و بالاخره نظر بمصالح فوق العاده دولت همجوار انگلستان در
جنوب و بملاحظه هرج و مرجی که بواسطه فقدان قوه منظم ممکن
است بظهور برسد،

دولت علیه ایران قشون جنوب را بطوریکه حال تشکیل یافته تا
آخر جنگ رسما بشناسد و در مقابل دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان
حاضر هستند که مساعدت مالی و فیزی !! بدولت نموده و برای ایجاد قوای

متحد الشکلی پس از اتمام جنگ برای تمام مملکت که بالاخره قشون جنوب هم منضم بدان گردید در تحت نظر صاحبمنصبان خارجه که در خصوص ملت آنها بعد از این باید بین دولتین موافقت حاصل شود کمال مساعدت بنماید .

در هشتم جمادی الاخر همان سنه یعنی یکم هجرت بعد کابینه مستوفی الممالک در قبال یادداشت مذکور فوق پروتست نموده و پائیس جنوب را در پرده عبارات يك قوه متجاوز خارجی خواند

طبیعی بود انگایسهای بیدار و مراقب بدین سهلی از نیات و مقاصد خود دست نکشیده و با امرار وقت شروع با اقدامات نموده و جهت رسمیت دادن بنظریات سیاسی خود منتظر فرصت و اشخاص مناسبی شدند کابینه مستوفی در مقابل فشار سقوط محکوم و مسند ریاست وزرائی نصیب صمصام الساطنه بختیاری شد

بطوریکه گفته شد مشکلات داخلی و خارجی از هر جهت کابینه صمصام الساطنه را احاطه و با اصطلاح دست و پای دولت را در (پوست گردو) گذارده بودند .

قیحطی و خرابی که از نتایج تاخت و تاز لشکر کشی خارجه بود از يك طرف - سر کشی و یاغی گری راهزنان وحشی و دزدان تحریک شده و سیاسی از طرف دیگر .

تهی بودن خزانة و نبودن قوای منظم تأمینیه در پایتخت و فشار دیپلوماسی که باعث سقوط کابینه قبل شده و مجال را از کابینه جدید بریده بود . معلوم بود که تندروی دولت صمصامی را بقائی نیست و دیر یا زود وضعیات صورت دیگری بخود خواهد گرفت .

لذا طولی نکشید که هیئت وزراء صمصام الساطنه راه خانه را در

پیش گرفته و میرزا حسن خان وثوق الدوله زمامدار امور گردید و در خاتمه سال اول زمامداری معظم له مقدمات برای تظاهر و بندوبستهای سیاسی آماده و مهیا گردید .

عملیات سریع کابینه و جمع آوری جمعیت‌های مخصوص مردم مطلع را ظنین و متفکرین انتظار بروز و ظهور حوادث مهمی را میکشیدند چنانکه مدتی قبل از عتبی شدن قرار داد کذائی و اعلام آن در جراید مشهور شده بود که در قریه بیلاقی پست قلعه سه فرسنگی طهران جلسه مرکب از چند نفر رجال رسمی خارجی و داخلی تشکیل و مقدرات ملت و مملکت را بطور دل بخواص حل کرده اند « در موقع طرح اعتبار نامه یکنفر از نمایندگان در دوره پنجم مجلس تقنینیه از طرف عده از و کلاء اظهار شد که قسمتی از اعضاء کابینه قرار داد مبلغ صد هزار لیره بعنوان مخارج ابتدائی و تبلیغات برای تحمیل قرار داد بمملکت اخذ نموده و جماعتی از خوان یغمای استقلال سبیلی چرب کرده اند »

در همان اوان که اینگونه شایعات در افکار عمومی جریان داشت. روزنامه ایران که در آن موقع با ماهی هفتصد و پنجاه تومان **ککمک** خرج در تحت مدیریت میرزا محمد خان ملک زاده منتشر میشد - در شماره ۳۹۷ سال دوم زیر عنوان - ایران خواه کیست؟ مینویسند: «ایران فیل کیست؟ ایرانو فیل کسی است که یک دولت همچو او را در نظر آورده قوای مادی و معنوی او را حساب کرده، اخلاق سیاسی و مناسبات او را با ملت خود سنجیده، منافع و مطامع ویرا در خاک خود در نظر داشته، میزان و مقدار مساعدتهائی را که ممکن است از آن

دولت برسد با خود حساب کرده. بتاریخ، جغرافیا، آماں ملی و سیاسی مات مزبور و ملت خود رجوع نموده و وقتی که این حسابها درست در آمد و یقین حاصل شد که دوستی او با ایران برای ایران صرفه دارد. بالا اقل کمتر ضرر و زحمت دارد. آن وقت ملت خودش را بدون بیم و وحشت و با دلایل مثبتہ واقناع کننده بطرف فداری آن دولت دعوت نمود ووز مامداران دولت را بهمراهی آن دولت تحریر بنمایند»

در شماره دیگر ضمن مقالات مسائل (اصلاحات) در پایان دوازدهمین مقاله اصلاحیه بقلم مدیر سیاسی مینگارد:

«بایستی از خارجه مستشار خواست! که هم بوسیله آن باصلاحات شروع نموده و هم خود آن دولتی که باصمیمیت بما مستشار خواهد داد نقطه اتکاء و اصلاح طلبان خواهد گردید»

خلاصه کلام زهینه کار از هرجهت برای تظاهر آمادہ و راز نهفته از پرده بدر افتاد. اینک برای تکمیل اطلاعات خوانندگان، بیانبه که بقلم آقای میرزا حسن خان وثوق الدوله از نظر تشریح اوضاع و لزوم تنظیم مواد قرارداد بعنوان مقدمه انتشار یافته و ذیلا مواد قرار داد را رسماً اعلام نموده اند از نظر تذکر تاریخی از شماره سال سوم روزنامه ایران مورخه یکشنبه سیزدهم ذیقعده ۱۳۴۷ مطابق ۱۸ - اسد ۱۳۹۸ عیناً نقل مینمائیم:

بیانیه از طرف آقای رئیس الوزراء

(آخرین تصمیم)

« در اینموقعه که ذات اقدس شهر یاری ارواحنا فداه مصمم مسافرت اروپا میباشد ، مدت یکسال از تاریخ زمامداری اینجانب میگذرد . و البته هموطنان من مترصد هستند از اقداماتی که در حل مشکلات داخلی و مناسبات خارجی مملکت در مدت این یکسال نموده ام بیشتر اطلاع حاصل نمایند ،

بنابراین لازم میدانم حقایق را که تأثیر آنها در گذشته و آتیہ متضمن مصالح حیاتی مملکت میباشد ، با اطلاع عامه برسانم . برای مقایسه وضعیات قبل از زمامداری خود تا امروز و بیان حقایق فرصت و مجال وسیعتر و تسوید اوراق بیشتری لازم است ، بعلاوه مایل نیستم خاطر هموطنان عزیزم را از شرکت در تمام تأملات و معاینات تائر انگیز خود ماول سازمان پس قسمتی از حقایق ناگفتنی را به تشریح تاریخ و تفرس افکار دقیق حوالت نموده و فقط رؤس مسائل را یاد آور میشوم - سال گذشته در همین ایام اعلیحضرت اقدس شهر یاری ارواحنا فداه وظایف تشکیل هیئت دولت و سرپرستی مملکت را بعهده بنده مقرر فرمودند ، من نیز با آنکه روزنه امید و شعاع بهبودی را با آنهمه گسیختگی شیرازها از هیچ طرف مشاهده نمیکردم فقط به نیت فداکاری و اینکه شاید مداخله من لااقل بتواند از توسعه دایره مصایب جلوگیری کنند . امر پادشاه متبوع و منعم خود را اطاعت کردم - از نخستین نقطه شروع و در هر قدم با سلاسل طاقت فرسای مشکلات و موانع مصادف گشته برای حل کوچکترین قضایا بزرگترین محذورات را مشاهده کردم . در آنموقع جنگ بین -

الملل با تشنجات شدیدة خود زلزله گیتی را هم چنان مداومت میداد، و بر اثر آن مملکت مانیز بنوبه خود بیشتر از توانائی بنیت و طاقت خویش متزلزل میگشت.

امنیت در تمام نقاط مملکت مسلوب، دولت مرکزی فاقد کل وسایل و اختیارات، هم چنانکه افراد و تشکیلات ترور در پایتخت آسایش عامه را دچار اختلال نموده بودند. و دستجات یانگی و قطاع الطریق در اقطار ایران بر عرض و نوامیس عامه حکمفرمایی داشته و اغلب ولایات و نقاط مهمه مملکت بی حکومت و سرپرست و دستخوش غارتگران محلی، باقی مانده قوای متلاشی شده تأمینیه بارقت نا کترین احوالی در مقدرات خود نالان و افراد آن از گرسنگی در حالت احتضار، خزانه تهی، عایدات مالیاتی لاوصول، اقساط مخارج مهم و ضروری دولت دوایر در عهده تعویق و تعطیل، ابواب تجارت بکلی مسدود و همه کس برای ضروریات زندگانی نگران و سرگردان، سختی ارزاق عمومی در مرکز و ولایات باقیافه فجیع خود حیات هیئت اجتماعی را تهدید قحطی و استیلاي امراض چرخ نظام اجتماعی و زندگانی افراد را متوقف. مناسبات با خارجی ما تعطیل و روابط با دولت انگلستان دوئی که در آن موقع بیش از همه مساعدت و مخالفتش مؤثر در وضعیات داخلی بود، تیره و مبهم، و بالأخره تمام موجبات بدبختی و انقراض مهیا و بانده اشتباه و خود پرستی یا تعامل و لاقیدی و یا جبن و بددلی ممکن بود. آخرین ضربه، مخاطرات متوجه حیات سیاسی و استقلال ملی ما گردد.

در يك چنین موقع خطیر و ایام سیاهی بود که متوکل علی الله با اعتماد بنفس و اتکاء بوجدان و حقیقه، خود خواهی و خود پسندی

را از نظر دور کرده و منافع ملت را بمصالح شخصی ترجیح دادم
و از هیچ مخاطره جانی و شرافتی نهراسیده بارسنگین مسئولیت خدمت
گذاری مملکت را بردوش خود گذاردم ،

بدیهی است در اول امر محض تغییر و بهبودی موقتی اوضاع
مجبور بودم با هر نوع سعی و تلاش وسایل آنی و فوری را تدارک نمایم
و با وضعیاتی که مستلزم مخاطرات آن بود - مقاومت و فرصت کافی برای
امعان نظر و مطالعه دقیق حقایق در هنگامه عظیم دنیا و تجسس طرق
ممکنه برای اصلاحات اساسی و تأمین حقیقی آتیه مملکت تحصیل نمایم .
حالت من در آن ایام مانند غریق بود که اول بحکم اضطرار
بهر تخته پاره متوسل گردد ، تا خود را بواسطه آن بکشتی و ساحل نجات
برساند ، بهمین دلیل در تصمیمات و عملیات خود اگر معارضی می یافتم
و منقاد بیخبر از اوضاع میدیدم طرف توجه قرار نداده و برای رسیدن
بمقصد یعنی نجات مملکت احکام عقل و دانش را بر احساسات خود و
دیگران ترجیح میدادم .

بسی مشغوف و خورسند هستیم که بیداری خدای تعالی نخستین
تکالیف موقتی خود را با هدایت عقل و وجدان و به نیروی آن درجه
توانائی که باری تعالی جل اسمه باین بنده ضعیف عطا فرموده در تهیه
وسایل بمشرف موقتی و در عین حال خاتمه دادن بمخاطرات و منع عوایق
داخلی و خارجی با حسن فداکاری تاحدی که مقدور باشد انجام دادم .
در ادای این وظیفه صعب پس از تأییدات غیبیه و توجهات اولیای اسلام و اتکالی
به تقویت های شاهانه که البته علل اصلی موفقیت اینجانب بودند - مساعدت
و حسن موافقت اولیای دولت انگلستان نیز عامل مؤثر و قوی گردید و البته

نباید از امتنان و مساعدتهای آن دولت خاموش نشست !
دولت معظم انگلستان در عقیده جلوگیری از هرج و مرج و ایجاد
امنیت و نظم در ایران با اولیاء دولت شاهنشاهی ایران موافقت نموده و
حصول این مقصود را موافق مصالح خویشترن یافته در حدودیکه وضعیات
عمومی اجازه میداد از کمک با کابینه اینجانب مضایقت نمود .
اگرچه این مساعدت از بعضی حیثیات و مخصوصاً از حیث اسلحه
و مهمات نظامی رضایت بخش و تا آن درجه کافی نبود که موفقیت دولت را
در حفظ انتظامات زودتر و بیشتر محسوس نماید .
لیکن همان مقدار کمکی که با دولت ایران بعمل آمد قابل
تقدیر و در موفقیت دولت تاثیر کامل داشته - مخصوصاً مساعدت مالی در
تامین ارزاق و اقتدار دولت بر تادیه منظم مصارف جاریه مملکت برای
استقرار و بقای نظم بموقع و نافع واقع گردید .
بدیهی است در این مدت معاندین من و جاهلین و ارباب اغراض
از آنچه توانستند برای اینکه اینجانب را خسته و مأیوس و به گناره -
گیری مجبور نمایند خودداری نکرده علاوه با انواع تشبیهات جاهلانه
مکرر سعی کردند خاطر مهر مظاهر ملوکانه را از این بنده مکدر
نمایند . ولی هیچوقت ذات اقدس شاهانه از القائات آنان متأثر نگردیده
و همواره علاقه خاطر همایونی بحفظ مصالح مملکت پشتیبان قوی و
نگاهبان مؤثر اینجانب بود در طی این عقبات و در عین اینکه برای
نگاهداری و بهبودی اوضاع موقتی صرف مساعی مینمودم البته از این نکته
غفلت نداشتم که این بهبودی موقتی دارای جنبه دوام و ثبات نیست؛ و اتخاذ
تدابیر اساسی برای تامین زندگانی دائمی و ترقی و تکامل مملکت از نقطه

نظر اقتصادی و اجتماعی مرحله ثانوی و مهمتر وظیفه اینجانب است و مادام که در این طریق فکر و تدبیری نشده است زحمات و مشقات بی نتیجه و مخاطرات حتمی الوقوع است زیرا همه روزه تجربه جدیدی عقیده را نسخه مرا تأیید میگرد که نجات ممالک بدون انتظام و اصلاح ادارات میسر نیست و انتظام ادارات بدون توسل بمعلومات فنی مستشارها و معلمین خارجی صورت نمیگیرد .

و بالاخره تاسیس و اصلاح ادارات ایران که علی الظاهر مدعی مشابهت با ادارات اروپائی هستند . ولی از حقایق تنظیمات اروپائی بکلی بی بهره میباشند . بدون توسل بمعلومات متخصصین و ارباب فن خارجی غیر ممکن است

سعی و تلاش اداره کنندگان ایرانی که بواسطه نقص تجربه و تعلیمات و نبودن وضعیت ثابت تا کنون در اجرای اصلاحات عقیم مانده . و در مقابل برچیدن اوضاع قدیم بایجاد هیچ وضع جدیدی که قابل دوام و بقا باشد موفق نشده و عدم نظامات خود را ثابت و این حقیقت را روشن تر نموده است که مادام که معلمین کار آموزه شالوده محکمی برای اصلاحات طرح نکرده و اساس متینی ایجاد نموده اند که عناصر مستعد ایرانی را در مکتب عمل و اداره با تمرین متینی که لابد منه آموختن فنون و تجارب اداری است ، بر این خدمات ممالک حاضر نمایند . تشکیل ادارات و دوائر شعب و هیئت ها و کمیسیونها و غیره جز افزودن خرج و تشویق هرج و مرج حاصل و نتیجه نخواهد داشت .

ثانیا بابتدایه معاون و مسلم بود که مساعدت مالی که با دولت ایران میشد و اثرات موقتی خود را می بخشید با مضرتی که داشت صرف

نظر از آن ممکن نبود مانند مخدرات که در تسکین درد مؤثر - ولی در رفع مرض نمیتوانست دواي دائمی مملکت و موجب شفای قطعی باشد - تغییر زندگی اساسی و دائمی مملکت و ترک زندگی روزمره بی اساس که هر روز بصورتی و در تحت تاثیر حادثه جدیدی لزوم غیر قابل انکار خود را اثبات نموده و اوضاع مالیة مملکت بیش از آنچه بشرح در آید اسف انگیز بود .

مالیاتهای دولت بواسطه کشمکشها و بی نظمیهای داخلی و نتایج جنگ بین الملل و فحطی و امراض و عوامل مهلکه دیگر بدرجه صفر رسیده بود .

عایدات کمتر کی بواسطه عدم امکان مبادلات تجارتي از میان رفته و مهمات برای تنظیمات و تجدید قوای تأمینیه غیر مقدور بود و برای شروع بهر اصلاح و استناد از هر وضع و علاج هر خطری مراجعه بسرمایه خارجی وسیله و شرط منحصراً بنظر می آمد .

تبدیل سیاست دنیا در نتیجه جنگ بین الملل و طرح خطوط و نقوش اصلیه در نقشه جغرافیای عالم مخصوصاً پس از انقلاب و تشنج عظیم روسیه و سعی و تلاش هر يك از قطعات مجاور مملکت برای تقویت و نیرومندی خویش و اتصال آنها بدول قویتر و نیرومندتر - در هر لحظه درس جدیدی و تشبیه تازه بود که باید در تقویت مملکت کوشید و مزاج مملکت را برای مقابله با وضعیتات و مشکلات محتمل الوقوع آتیه حاضر و مهیا کرد .

بالجماع بطوریکه در فوق ذکر شد احتیاج مملکت از حیث توسل بکمکهای فنی و مالی خارجه محل شبهه و تردید نبود .

سخن در اینجا بود که این کمکهای فنی و مالی ضروری از کدام منبع خارجی تحصیل بشود که شرایط اصلی ممکن بودن را دارا بوده -

موافقت آن با استقلال مملکت مشکوک نباشد.

در این باب عقاید مخصوصاً از نقطه نظر احساسات متفاوت بود و طرق مختلفی برای مشی سیاسی دولت ترسیم میشد. ولی بواسطه دور بودن از محیط حقیقی سیاست و عجز از تمیز وضعیات با ملاحظه در اظهار عقیده جنبه اجرا و قابلیت عمل در آنها کمتر رعایت میگردد.

هیئت دولت که مسئول مقدرات مملکت بود مجبور بود نظر خود را بحقایق و واقعیات محدود کرده از احساسات و اوهام تحقق ناپذیر دوری جسته متعاقب تجربیات دهساله و تشبث بتمام وسائل متصوره بالاخره عقبه ماندن نقشه های اساسی و نتایج وخیمی که از آن حاصل گردید غیر از خرد و دانش هادی دیگری برای خود نپذیرد.

در نتیجه این افکار هیئت دولت مطالعات زیادی در اطراف قضیه نمود و تمام طرق را در تحت نظر و تفکر در آورد.

در نتیجه معتقد باین عقیده شدند که مراجعه و توسل بمتخصصین از ممالی مختلفه برای مصالح دولت و مملکت عملی نبود.

زیرا علاوه بر احتمال رقابتهای ملی و نژادی مابین آنان که برای پیشرفت اصلاحات ضرر و نتایج سوء آن متوجه ما میگردد.

هیچیک از ممالی را در تمهید وسایل سعادت مملکت طوری ذیعلاقه و ذینفع نمیکرد که مساعدتهای مهمی برای ترقیات فوری و سریع نموده مملکت را از حالت بدبختی و فلاکت امروزه بطرز مؤثری رهائی بخشد علاوه بر اینکه رقابتهای دول امر امکان وقوع آنرا مشکل مینمود بر فرض وقوع - پس از مدتی تجربه و عمل - با تحمل مضار و آفات مسامه تاخیر مسئله توحید سبک و اسلوب اصلاحات بمراجعه بمبدء واحد فنی را مخصوصاً درباره ادارات مهمه الزام میکرد.

با توجه بنکات فوق و تحت نظر آوردن حقایق و وضعیات داخلی و خارجی و مراجعه بدولت دیگر غیر از انگلستان علاوه بر آنکه باسوابق مساعدت و اطمینان قطعی که در ضمن مذاکرات از نظر مساعدت آندولت بحسن استقبال و آتیه ایران حاصل گردید . افتضا نداشت شرط امکان و عملی بودن را نیز فاقد بود

بنا بر ملاحظیات فوق هیئت دولت در ضمن ایشای وظایف روزانه و استقرار نظم و تهیه موجبات آسایش حال اهالی از نقطه نظر تعیین خط مشی سیاسی دولت و روشن کردن این تکلیف ازمدا کرده با دولت انگلستان در تامین آتیه ممانکت خود داری نمود . چندی از متار که جنک نگذشته بود که در این مسائل بطور کلی با اولیای دولت معظم لها مذاکرات بحیان آمد و در این مذاکرات تمام شرایط اصلاح ممانکت رعایت و در نتیجه تبادل نظریات و اقدامات که چندین ماه طول کشید قرار داد هائی با موافقت طرفین مقرر گردید .

البته برای تصمیم در عقد این قرارداد و خاتمه دوره بی تکلیفی علل و موجبات دیگری نیز موجود بود که اظهار و اعلام آن فعلا نیز خالی از افتضا است و ارباب فراست با مختصر تامل و توجهی بو وضعیات بین الامال میتوانند آن حقایق را دریافته و تصمیمات دولت را تقدیر نمایند قسمتی از این حقایق مربوط بسیاست گذشته ایران در مدت امتداد جنک بود که سعی و کوشش نمایندگان دولت را در کنفرانس صالح دچار موانع و اشکالات کرد و بالاخره باتمام مشکلات و ملاحظیات فوق موفقیت در انجام این قرارداد ها حاصل گردید .

بطوریکه ملاحظه میشود در آنها دولت تا مینات کافیه برای حفظ

حیثیات و استقلال و تمامیت ایران تحصیل نموده و استفاده از معلومات فنی متخصصین انگلیسی را با کمکهای مادی و مالی دیگر از قبیل اسلحه و مهمات بدون اینکه تکالیف دیگری قبول بنماید بدست آورد.

تغییر عهدنامه و تجدید نظر در تعرفه گمرکی برای اینکه عایدات در آئیه کفایت مصارف اصلاحات را نیز بنماید مسلم گردید - علاوه بر اینها بموجب مراسله و تعهدات رسمی جداگانه و تحصیل مساعدت دولت انگلستان برای موافقت با تقاضاهای مشروع مملکت در کنفرانس صاج موفق گردیده است.

موفقیت دولت راجع به عضویت ایران در مجمع اتفاق ملل که عاید حده بحر و مسلم است نیز يك وثیقه بین المللی مهمی برای استقلال و تمامیت ایران از نقطه نظر سیاست خارجی موجب اطمینان تام میباشد.

در ضمن از ذکر این نکته هم نباید خودداری نمایم که این قراردادها با لذات هر شرط و تعهد مضری را فاقد و اصول و موجبات مسامحه سعادت و استقلال مملکت را داراست. لیکن بدیهی است شرط استفاده مملکت از آن بوسیله حسن استعمال و اجرای آن بدست اشخاص بصیر بوضعیات و مصالح مملکت است زیرا بهترین قراردادها و عهد نامهها اگر مورد سوء استعمال شود و دست های آلوده یا نالایق مأمور اجرای آن گردند مضاری را در برداشته و فاقد منافع خواهد گردید و در چنین صورتی نقص و کمال قرار داد یا ضرر و نفع آن بالسویه خواهد بود و مملکتی که اشخاص واقف بمصالح و وقت و قادر بر اجرای وظایف را فاقد باشد یا نخواهد بشناسد از هیچ قراردادی استفاده نخواهد کرد و بطریق اولی فقدان قرارداد و دوام بلا تکلیفی و

درماندگی هیچوقت از زوال و فناى آن جلوگیری نخواهد نمود .
اینجانب همانطوری که تطبیق و ضعیفات حالیه را با سال گذشته و مقایسه
عمایات دوازده ماهه موقتی خود را بمحا کمه و انصاف افکار عامه و اگذار
نمودم . در موضوع این موفقیت اساسی نیز وجدان پاک اشخاصی را
که سعادت حقیقی مملکت علاقه مند هستند و از اغراض جاهلانه و حسیات
عوام فریبانه دورند . و حکم و تصدیق آنها از روی عقل سلیم و منظور
داشتن حقایق است . حاکم قدر شناس و حقگذار قضیه قرار داده .
امید و اوم نتایج حسنه این موفقیت منظور نظر حقشناس عموم اهالی
مملکت بوده بهترین مز خدمات و فداکاریهای اینجانب که ظهور سعادت
و آبادی حقیقی مملکت است هر چه زودتر مشهود گردد (و ثوق الدوله)

قرارداد بین دولت انگلستان و دولت ایران

نظر بر روابط محکمه دوستی و مودت که از سابق بین دولتین
ایران و انگلستان موجود بوده است . و نظر باعتبار کامل باینکه مسلمانان
مشترک و اساسی هر دو دولت در آتیه تحکیم و تثبیت این روابط را برای
طرفین الزام مینماید .

و نظر بانزوم تهیه وسایل ترقی و سعادت ایران بحد اعلی . بین
دولت ایران از یک طرف و وزیر مختار اعلی حضرت پادشاه انگلستان
بنمایندگی از دولت خود از طرف دیگر مواد ذیل مقرر میگردد :
۱ - دولت انگلستان با قطعیت هر چه تعامیر تعهداتی را که مکرر
در سابق برای احترام استقلال مطلق و تمامیت ایران نموده است
تکرار مینماید .

۲ - دولت انگلستان خدمات هر عدد مستشار متخصص را که برای

لزوم استخدام آنها در ادارات مختلفه بین دوالتین توافق حاصل گردد -
بخرج دولت ایران تهیه خواهد کرد .

این مستشارها با کمترات احین - و با آنها اختیارات متناسبه داده
خواهد شد . کیفیت این اختیارات بسته بتوافق بین دولت ایران و مستشار
ها خواهد بود .

۳ - دولت انگلیس بخرج دولت ایران صاحبمنصبان و ذخایر
و مہدات سیستم جدید را برای تشکیل قوه متحدالشکل کہ دولت ایران
ایجاد آنرا برای حفظ نظم در داخله و سرحدات در نظر دارد تهیه
خواهد کرد - عده و مقدار ضرورت صاحبمنصبان و ذخایر و مہدات
مزبور بتوسط کمیونی کہ از متخصصین انگلیسی و ایرانی ، تشکیل
خواهد شد و احتیاجات دولت را برای تشکیل قوه مزبور تشخیص خواهند
داد - معین خواهد شد ،

۴ - برای تهیه وسایل نقدی لازمه بجهت اصلاحات مذکور - در
ماده (۲) و (۳) این قرارداد دولت انگلستان حاضر است کہ یک قرض
کافی برای دولت ایران تهیه و یا ترتیب انجام آنرا بدهد .

تضمیناً این قرض باتفاق نظر دولتین از عایدات گمرکات یا
عایدات دیگری کہ در اختیار دولت ایران باشد تأمین میشود .

تأمینتی کہ مذاکرات استقرض مذکور خاتمه نیافته دولت انگلستان
بمنظور مساعدہ وجوہات لازمه کہ برای اصلاحات مذکورہ لازم است ،
خواهد رسانید .

۵ - دولت انگلستان باتصدیق کامل احتیاجات فوری دولت ایران
بترقی وسایل حمل و نقل کہ موجب تأمین و توسعه تجارت و جابجایی

ز قحطی در ممالکت میباشد حاضر است که با دولت ایران موافقت نموده
قدمات مشترک ایران و انگلیس را راجع بتأسیس خطوط آهن و یا
قسام دیگر وسایل نقلیه تشویق نماید .

در این باب باید قبلا مراجعه بمتخصصین شده و توافق بین
دولتین در طرحهایی که مهمتر و سهولتر و مفیدتر باشد حاصل شود .

۶ . دولتین توافق مینمایند در باب تعیین متخصصین طرفین برای
تشکیل کمیته که تعرفه گمرک را مراجعه و تجدید نظر نموده و بامنافع
ممالکتین و تمهید و توسعه وسایل ترقی آن تطبیق نمایند .

سواد مراسم ضمیمه قرارداد :

«جناب مستطاب اجل اشرف انجمن اهدو ادم که حضرت اشرف در دوره
زمانداری با موفقیت خودتان در امور ممالکت ایران یقین کرده اید که
دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان همیشه سعی نموده است که آنچه در
قوه دارد کابینه حضرت اشرف را برای اینکه از یکطرف اعاده نظم
و امنیت را در داخله ممالکت تکمیل و از طرف دیگر روابط صمیمانه
بین دولتین ایران و انگلستان محفوظ باشد تقویت نماید .

برای ابراز جدید این احساسات که همواره کنون خاطر کابینه لندن
بوده است . من حالا مانفون هستیم که بحضرت اشرف اطلاع بدهم که در
موقع امضای قراردادی که مربوط بر فورمها است که کابینه حضرت
اشرف اجرای آنرا در نظر گرفته اند . دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان
حاضر خواهند بود با دولت علیه ایران برای اجرای تقاضاهای ذیل
موافقت نمایند : -

۱ - تجدید نظر در معاهدات حاضره بین دولتین

۲- جبران خسارات مادی وارده بر مملکت ایران بواسطه دول متخاصم دیگر .

۳- اصلاحات خطوط سرحدی ایران در تقاطیکه طرفین آنرا عادلانه تصور نمایند .

انتخاب ترتیب قطعی و زمان و وسایل مقتضیه تعقیب مقاصد فوق در اولین موقع امکان موضوع مذاکره بین دولتین خواهد گردید .
این موقع را برای اینکه احترامات فائقه خود را بحضرت اشرف تقدیم نمایم مغتنم میشمارم . (ب ، ز ، کا کس)

انتشار مواد قرارداد انگلیس و ایران باشدت اختلال روسیه و تمرکز افکار ضد استعمار بریطانی در حدود شمال ایران در داخل و خارج مملکت سوء اثر بخشیده از هر طرف غوغای مخالفت برپا و از هر سمت لوای هیاهو برافراشته شد !

مجاهدین گیلان و دسته میرزا کوچک خان که مدتی بود جنگل را مامن خویش قرارداد و گاهگاهی دستبردی بقوای روسیه متوقف در آن حدود میزد . از هیجان عامه استفاده و پایتخت را مورد تهدید و تخویف قرار داد .

ملیون آذربایجان در تحت قیادت مرحوم شیخ محمد خیابانی در تبریز جنبش نموده و برای فلج کردن سیاست مرکزی بدسته بندی پرداخته بودند . حرارت و ضدیت افراد ملیون مرکزی که مستقیم و غیر مستقیم کارشکنی میکردند - نیز معد موضوع گردیده و راه اجرای عملی شدن قرارداد مذکور را مسدود و اصولا جریان قرارداد به بوته اجمال گذارده شد .

مخالفین کابینه نیز این مسئله را دست آویز نموده و برای تکمیل هیجان افراد حساس جمعی از مردمان متغیر قهرادر مسجد شیخ عبدالحسین واقع در بازار پانچنار طهران به تهیه بساط روضه خوانی سیاسی و آدار بر علیه کابینه تبلیغات شدید میگرداند.

آقای وثوق الدوله رئیس الوزراء نیز از نظر مرعوب کردن افکار عامه - نسبت بجماعت مسجد سیاست خشن و سختگیری در پیش گرفته و امر کرد عتفا - شبانه چادر روضه را سرنگون و همه از سران مخالف کابینه را بکاشان و قزوین تبعید کردند.

آقایان مستشار الدوله - ممتاز الدوله - محترم الساطنه بکاشان اعزام و آقایان میرزا حسین خان عدل الملك داد گروم حرم میرزا حسین خان صبا - مدیر روزنامه ستاره ایران و میرزا تقی خان مینش و جمعی دیگر را بقزوین کسبل داشتند.

برخی را نیز در پایتخت امر بتوقیف داده و حبس کردند باوجود تمام اینگونه تخویفات و جناب دستجات زیادی از عناصر گوناگون - معینا جنبش و نهضت مسایحانه و معتدلانه مخالفین قرارداد تکان سختی بموقعیت داد و بواسطه عدل سابق الذکر استقامت کابینه قرارداد درهم شکسته و از مقام خود ساقط و کابینه آقای میرزا حسین خان مشیر الدوله زمام امور را بر کف گرفته بکار پرداخت و تا یک اندازه بآن دوره پرشور و شور خاتمه داده شد.

فصل یازدهم

روزنامه نگاری در ایران

از قراریکه در تاریخ تمدن ضبط کرده اند تقریباً در هزار سال پیش در پکن پایتخت کشور آسمانی چین که تاریخ وقایع چندین هزار سال خود را بخوبی ضبط و ربط کرده اند روزنامه دولتی انتشار می یافته ولی بطوریکه تاریخ جدید نشان میدهد .

در ایران در دوره داریوش هخامنشی همانطور که برای سهولت امر مدنیت و اجرای نفوذ مرکزیت در اطراف و اکناف مملکت را بایالاتی چند تقسیم نموده و هر ولایتی را به (ساتراپی) سپرده بودند . وجهه توزیع و تقسیم فرامین دولتی و مراسلات تجارتنی و عمومی ایجاد پستخانه کرده و در بانندیهای طول حاده مکانهایی برای نشاندن راهها و مخبرات فوری بوسیله برافروختن آتش و نمایاندن شعله مهیا میساختند همیشه در تمام مراکز ساتراپی نشین وقایع نگارانی از طرف شاهنشاه متوقف و موظف بودند کلیه وقایع و حوادث مهمه را بادداشت و بوسایل ممکنه عرض ملوگانه برسانند باوجود اعتراف و اذعان باینکه نزد اغاب اقوام فرنگ آریین (هند و اروپائی است) و شرق مرکز تمدن قدیمه عالم بوده معیناً تعصب دانشمندان مغرب زمین چنین اقتضاء میکند که اختراع و کشف کلیه اصول تمدن را بجامعه مغرب اختصاص داده و شرق را از حیث رتبه مدنیت چه قدیماً و چه جدیداً در درجه دوم قلمداد کنند

باحفريات و اکتشافات تاريخی که در سنوات اخيره بممل آمده بتدريج حقايق مدنيت شرق طالع و صفحات جديدی در کتب تاريخ معاصر تدوين شده و خواهد شد. خلاصه بطوریکه در دائرة المعارف قرن نوزدهم (انسیکلوپدی) فرانسه مينويسند.

رومبها از دير زمانی نام روزنامه معرفت داشته اند (اما نگفته اند که این معرفت از کجا و ای آنجا پیدا شده است) در بدو امر این ماه خبری محدود و مجوس از اذعان بود که در حقیقت خودشان غلام های خود را مجبور میکردند و فایده روزنامه را برای آنان بنویسند.

عده در فرنگستان اهمیت روزنامه نگاری را خورده و اندائی برین روزنامه که بونسخه و - سنج نگاری خصوصی و بحث در گذارشات عمومی بود در سنه ۱۵۷۷ هـ - ملادی مطابق ۱۰۶۰ هجری در فرانسه منتشر گرید. مراتب ابدان در حقیقت ظهور و قوت نفوذ روزنامه را باید از سال ۱۷۸۹ تاریخ انقلاب کبیر فرانسه دانست - جرایدی که در موقع انقلاب فرانسه ابعراضه بروز و ظهور گذاردهند - عبارت بودند از روزنامه پاریس (اوژورال دو پاریس) روزنامه انقلاب پاریس (ژورنال دو پاریس) (لاگازت) و چند روزنامه دیگر.

در (لاروس) راجع بر روزنامه مينگارند قبل از قرن هفدهم در هالاند و آلمان و بعضی معالک دیگر نیز بتناوب جرایدی انتشار یافته و پس از چندی افول نموده اند.

اساساً تاریخ روزنامه با کشمکشهای دستجاتی و اختلافات حزبی توأم بوده و غالباً اوایاه مطبوعات گرفتار شدت و سختیها شده و گاهی

نیز بر شمایند غلبه جسته و منویات خود را بروفق دلخواه بموقع اجرا گذارده اند.

در ایران ما هم مطبوعات متناسب عمده محدود خود از جزر و مد بی نصیب نمانده و هم تلفات داده و هم مقامات بلندی را در جامعه اشغال کرده اند.

با آنکه از بدو پیدایش تمدن جدید و ظهور روزنامه پیش از نیم قرن گذشته و تقریباً شاید زیاده از یکصد جرییده یعنی روزنامه که انقلابیکسال عمر خود مداومت داده باشد یا بمعرض افکار و محالعه جماعت نگذارده - معیناً اولیاء مطبوعات از زمامداری یا بالعکس فداکاری بی بهره نمانده و در طریق نهضت ایران جدید صف مقدم را احراز کرده اند.

چنانکه اشخاصی مانند میرزا جهانگیر خان شیرازی مدیر و محرر روزنامه انقلابی صوراسرافیل و مدیر جرییده (روح القدس) و متین السلطنه صاحب امتیاز و ناشرنامه (عصر جدید) و رکن الاسلام مدیر روزنامه (کوکب ایران) شربت ناگوار مرگ اجباری را چشیده و کسانی همچون مجدد الاسلام کرمانی مدیر جرییده اندای وطن و میرزا حسین خان صبا مؤسس (ستاره ایران) و امثالهم بحسب و تبعید گرفتار و در راه آمال خویش مبتلا بانواع مشقات شده اند.

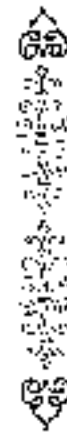
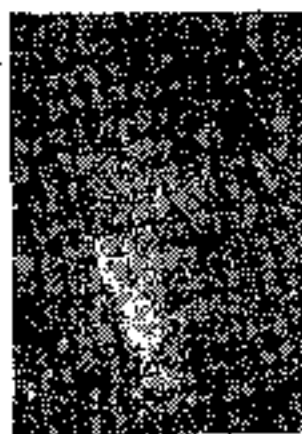
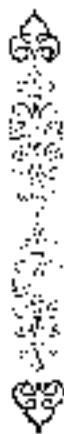
همچنین رجالی نامدار بذروه ارتقاء رسیده و خدماتی به نهضت ایران انجام داده اند.

آقایان میرزا علی اکبر خان داور مدیر روزنامه (مرد آزاد) سید حسن تقی زاده نویسنده نامه (کاوه) سیدضیاء الدین مدیر روزنامه



(۳۴) آقای سید ضیاء الدین طباطبائی مدیر روزنامه رعد

(رعد) آقای سید محمد تدین مدیر جریده (صدای طهران) میرزا علیخان
دشتی صاحب امتیاز و نویسنده روزنامه (شفق سرخ) میرزا زین العابدین
خان رهنما مدیر روزنامه (ایران) و غیر هم هر يك مقامات مهمی
مانند ریاست وزراء، ریاست مجلس وزارت مالیه و عدایه و نمایندگی
دارالشورای ملی را اشغال نموده اند.



آقای میرزا علی اکبر خان دایور
(مدیر روزنامه مرد آزاد)

الجمعه روزنامه نگاری یکی از شاخه کاردهی اسرار تمدن جدید
است که میتوان آنرا قوه چهارم تمدن مان خوانند.

روزنامه خوب و متین که زائیده انکار عمومی باشد برای مال
بعزله آئینه تمام نما و زبان گویای جامعه بوده و گانون شورای حقیقی معارف
و ناشر علم و هنر بین اقوام متمدن بشری محسوب میگردد. که درعالم
تمدن کنونی جای هر قسم اسلحه تعرضی و تدافعی را اشغال نموده
و جنگ های سیاسی رجال نامدار عالم بوسیله این حربه برنده صورت میگردد

روزنامه کاوه منطبعه برلین در ضمن مقاله تحت عنوان (روزنامه
نگاری) نوشته است «کلمه روزنامه و روزنامه چه از قرون اولیه اسلام در
ایران مستعمل بوده و در کتب قدیم بنظر می آید.

چنانکه در کتاب (یتیمۃ الدهر) تعالی چندین جا « کلمه روزنامه و روزنامه را آورده . من جمله شرحی از کتاب روزنامه صاحب این عباد نقل میکند . خلاصه آنکه روزنامه در آن اوقات بمعنی شرح گذارش روزانه و یادداشت وقایع همه روزه بوده . ضمناً مینگارد . اولین روزنامه بزبان فارسی بترتیب امروزی روزنامه هفتگی (اخبار) در سنه ۱۲۲۲ هجری قمری در دهلی منتشر میشد)

آنچه در تفحص بنظر نگارنده رسیده است اولین روزنامه عمومی موسوم بروزنامه (وقایع اتفاقیه) در تاریخ ربیع الثانی ۱۲۶۷ هجری منتشر و این روزنامه بحکم و تشویق میرزاتقی خان امیر کبیر و مسئولیت حاج میرزا حیاتتشار یافته و در سنوات بعد روزنامه دیگری اخباری و مصور با چاپ سنگی بنام (دولت علیه ایران) بمدیریت ابوالحسن خان غفاری منتشر شده است .

بعدها کم کم دایرۃ مطبوعات وسعت یافته و در زمان وزارت علوم علیقلی میرزا اعتماد السلطنه چندین روزنامه دایر و در موقع تصدی محمد حسن خان اعتماد السلطنه روزنامه (ایران) باسئوب محکمتر و جدی تر از آن منتشر و در همان اوان روزنامه علمی تربیت بریاست مرحوم فروغی در طهران منتشر و در تبریز مقر ولایت عهد و اصفهان حکومت نشین ظل السلطان نیز روزنامه هائی طلوع و افول کرده اند .

چنانکه ملاحظه شد ظهور و بروز روزنامه عمومی از اوایل سلطنت ناصرالدین شاه شروع و در آواخر دوره ناصری و بدوساطت مظفری بر قدرت و نفوذ مطبوعات فارسی افزوده شد و واسطه نقل و انتقال مدنیت جدید شد . در همان نیم قرن آواخر ناصری

بود که خفته گی و خرابی و ضعف شرق عموماً و ایران خصوصاً باعث
قیام عناصر حساس شرقی گردید و سید جمال الدین اسدآبادی (معروف
بافغانی) نهضت و بیداری شرق را در تلو (اتحاد مال اسلامی) تشخیص
داده و برای تهبیح طوایف مسلمانان - نامه شریفه (عروة الوثقی) را در
زمینه دعوت با اتحاد اسلام منتشر و به عرض افکار مطالعه کنندگان
گزارده و همچنین روزنامه (اختر) که در اسلامبول چاپ میشد خدمت
مهمی به بیداری ایرانیان انجام داد.

پرنس مالکم خان نیز از نظر ترویج قوانین مدنی جدید در نامه
(قانون) معایب و اصلاح دستگاه اداری را وجهه نظر قرار داده و مقالات
پر معنی حجاب توجیهی انتشار داده اند.

مؤید الاسلام نیز برای ایجاد نهضت فیما بین هموطنان ایرانی
خود نامه پایدار (جبل الممتین) را برآه انداختند

روزنامه های حکمت و (چهره نما) و (شمس و باختر) قد بر
افراشته و دنباله تئویر افکار فارسی زبانان را توسعه بخشیده اند.

این دسته از جراید اخیراً که در ممالک فرانسه عثمانی و هند و مصر
انتشار یافته و از راه دور شعاعانیت خود را در آن اوقات بر روی محیط ایران
خواب آلوده گسترده و خدماتی مهم بترقی ایران جدید کرده اند.

تبلیغات هادیان و قداکاران قوم در راه اخذ تمدن جدید اثر خود
را بخشیده و همانطور که اعلان مشروطیت باعث و موجب پرورش و ظهور
قوه ترقی طلبی افراد ملت گردیدند و بسبب بهر احتیاجات و تعدد انجمن
و حزب و فرقه سیاسی شده همینطور دایره انتشارات جراید و مجلات
توسعه یافته و کاملاً از عهد ایشی و خایشی تعالی و تکامل جوئی و بیداری
هموطنان خود برآمده اند.

در زمینه اوضاع و مسلک جراید دوره اول دارالشورای ملی
راپورت رسمی انگلیسی در جلد اول کتاب آبی چنین مینویسد (در
وقت تأسیس مجلس و تجدید اوضاع دو روزنامه جدید در طهران ایجاد
شده، یکی موسوم بروزنامه (مجلس) که مذاکرات مجلس شورای ملی
را درج نموده و گاهی اوقات نیز مکتوبات و بعضی اخبار دیگری
را مینویسد.

و یکی دیگر موسوم به (ندای وطن) که مدیر آنرا عین الدوله
در موقع صدارت خویش بتقصیر پاشیکی در کلات نادری محبوس ساخت
و این روزنامه مسلکش زبان ملی است.

در اصفهان دو روزنامه جدید بطبع میرسد و مخصوصاً بر ضد
خارجی سخن میرانند، و همچنین در تبریز یک روزنامه دایر گردیده (۱)
روزنامه مظفری که در بوشهر بطبع میرسد و مدتی توقیف شده بود در
این وقت از توقیف بیرون آمده و دایر است.

از جمله جرایدی که در طهران شیوع دارد روزنامه (جبل المتین
است) که در کلکته بطبع میرسد. این روزنامه از زبان مات سخن می
گوید. و گاهی از اوقات بر ضد خارجی مخصوصاً همیشه بر عریبه
انگلیس گفتگو میکند: در یکی از نمرات اخیر که بطهران رسیده
است مقاله در تمجید حرکات تجدید طالبان در کمال اغراق مندرج بوده
و در آن مقاله محرکین تأسیس بانک ملی را نجات دهندگان ایران بیان
نموده و چنین عنوان مینماید که:

«ایران بحالت جهالت و عظمت قدیمه خود عودت نموده است»

(۱) گویا مقصود روزنامه «سحق» باشد که بتگاریس و مدیریت آقای دکتر رضا زاده شفق
انتشار می یافت و در تمجید کودتای روسها درین وقت.

بعد از اعلام فرمان مشروطیت و دایر شدن دارالشورای ملی روزنامه‌های زیادی بظهور آمدند ؛ و پس از بمباردمان مجلس از بین رفتند مانند روزنامه‌های مجلس فدای وطن ، صور اسرافیل ، مساوات ، تمدن ، روح القدس ، شرافت ، آئینه غیب‌نما بهدیریت ملک المورخین ، پرورش ، اقیانوس ، اصناف ، ارشاد ، و غیره .

در استبداد صغیر که روح ارتجاع طلبی و خودسری دربار باغشاه فوق العاده قوت داشت . نه تنها از انتشار و طبع مطبوعات عمومی و اجتماعات ملی که زائیده مشروطیت بود جلو گیری و معانعت شد . بلکه کاشیهای تازه کار جهت نمره بندی کوچه ها و خانها و دکا کین را افراد سرباز سیلاخوری و سواران قراچه داغی و لوطیهای محلات طهران بعنوان یادگار مشروطه و مخالف شریعت «ما دین نبی خواهیم - مشروطه نمیخواهیم» گویان خورد نموده و شکستند . آزاری که از جراید ملی باقی مانده بود از بین برده اوراق بی سر و تهی بود که در نیت نقاب حمایت از دین منتشر شده و شرایع را وارونه تعبیر میکردند .

در دوره دوم مجلس شورای ملی مجدداً بازار مطبوعات ملی با رونق شد و نشریات عمومی صورت بهتری بخود گرفت . جراید طریق تکامل در پیش گرفته و هر يك با سبک مخصوص و بامسلك خاصی شروع بانشار نمودند .

چنانکه دموکراتها روزنامه (ایران نو) را تأسیس و جمعیت اعتدالیون جریده (شوری) و حزب (اتفاق و ترقی شرق) نامه میانه رو (استقلال

ران) را به عرض انتشار گذاردند. بعد از انحلال دوره دوم مجلس
کودتای معتدل ناصرالملک نیز بازار مطبوعات از رونق افتاد و چندی
محقق توقف بود.

بعد از افتتاح دوره سوم دارالشورای ملی مطبوعات نیز از حالت
نمودگی خارج و جراید نوی همچون (بامداد روشن) جارچی ملت
غیره بر تعداد جراید افزود.

پس از انحلال دوره سوم تا افتتاح دوره چهارم مجلس فترتی
بولانی روی داد و در این فترت که قریب ده سال طول کشید وقایع
حوادث عمده در وطن ماجریان داشته ولی بالنتیجه عاقبت بخیر گردید
بالمال مطبوعات نضج گرفته و تحولاتی که حاکی از رشد
جماعی میباشد در طرز توزیع و انتشار و ظواهر جراید و مجلات
مورت پذیر شد.

باینک نظر به تحولات این دوره یعنی از سنه ۱۳۳۰ الی ۱۳۴۰ هجری
مری که دوره بلوغ شمرده میشود ملاحظه میگردد که مطبوعات عمومی
از طرفی بسوی تکامل رهسپار شده و از جهتی درنگارشات جراید جنبه
بیت و مصالح عمومی ضعیف گردیده و غالباً منافع فردی مورد توجه بوده است
با وجود نظریه فوق خوشبختانه در این ایام فترت بطوری که
گذرش رفت بر عده مطابع افزوده و مطبوعات عامل ذی نفوذ در
سیاست عمومی شده و در غیاب مجلس شورای ملی خدمات لایقی بافکار
عمومی کرده اند.

بعض جراید و مجلات منتشره آن دوره عبارتست از روزنامه های (ایران
ستاره ایران) (عصر جدید) (رعد) (شرق) و (برق) (کوکب

ایران (نوبهار) (شفق سرخ) (ایران آزاد) (وطن) (عصر انقلاب)
 گلشن (خلاج) (صدای طهران) (زبان آزاد) (صدای ایران) (میهن)
 بهارستان (حیوة جاوید) (کار) (حقیقت) (مرد آزاد) (قانون) (رهنما)
 (شمس) و (بدر) و (جنت) و (توفیق) (نسیم شمال) گل زرد، و زنبور، و غیره.
 در ولایات نیز جراید خوبی انتشار یافته: همچون راه نجات
 و اخگر و عرفان در اصفهان، بهار و مهر منیر و استقامت و چمن و
 آزادی در مشهد،

گلستان و عصر آزادی و استخر و تخت همیشه و بهار آزادی
 در شیراز،

پرورش و فکر جوان و ندای گیلان و ترغیب و معیشت ملی در رشت،
 تبریز و سهند عنکبوت و شاهین در تبریز، بطوریکه سابقاً
 اشارت رفت - فترت طولانی و بهم خوردگی اوضاع مسبب تغییرات
 گوناگون در طرز خط مشی احزاب شده و دستهای نا پاکی برای
 خراب کردن حیثیات فرق سیاسی کوشیدند، از همین روی برای
 بی اعتبار نمودن مطبوعات نوزاد ملی عناصر ذینفع دخالتهای مؤثری
 نموده و باعث ظهور فساد در جامعه معارف وطن گردیدند. با وجود
 اینگونه اعمال غرضهای مزورانه معهدا دامن مطبوعات ملی بطور کلی
 از لوث روش مخالف ملیت و استقلال کامل ممانعت مبرا و با همین رویه
 بعمر متناوب مداومت داده و دنباله رشد خود را وسعت داده و میدهند.

بعد از انحلال کابینه نود روزه سید ضیاءالدین طباطبائی و تشکیل
 هیئت وزراء امیرزا احمد خان قوام الساطنه علاوه بر رفع توقیف از جراید

گملشبن ، حلاج ، ستاره ایران ، روزنامه‌های دیگری نیز رونق بخش بازار معارف شده‌اند . مانند جراید (ناهید) (کوشش) (اتحاد) (شهاب) (قرن بیستم) (پرتو) (سیاست) (طوفان) (آسیای وسطی) (اقدام) (فریاد) (سیاست اسلام) و غیره .

دنباله توسعه انتشارات جریان داشت تا دوره چهارم مجلس شورای که آن دوره را نیز میتوان دوره بحران مطبوعات نامید . برای آنکه چون عوامل مؤثر سیاسی داخلی و خارجی و اشخاص متنفذی غرض - پی به اهمیت نشریات عمومی در افکار عامه برده بودند هر يك در صدد برآمدند قسمتی از جراید را آلت اغراض و خیالات خود قرار داده و استفاده بر وفق دل خواه بنمایند .

از این نظر مردمان گمنام را با تقویتهای مادی و معنوی داخل در صنف مطبوعات تموده آسرا برای نتیجه منظوره گل آلود و ضمناً تبلیغات شدیدی برای اطمینان بچیشیات مطبوعات در انظار عمومی مینمودند . چنانکه همان اشخاص که ذکر نامشان خارج از رویه این تاریخ است در اوراق منتشره بی هویت صفحاتی را از فحاشی سیاه نموده و انتشار میدادند و صبح روز انتشار همان نگارشات یاوه را که زاده اغراض فحاشی بود بر رخ مردم از همه جا پخش کشیده و میگفتند (به بینید جراید فحاشی میکنند) مثلاً شخصی را که سابقه مشکوک داشت و بر طبق قانون مطبوعات فاقد صلاحیت بود غیر مستقیم تقویت بخشود عناصر معلوم الحال با عناوین مختلفه بعنوان (اتحادیه جراید) بدیوای نصب و دیگران در زیر نقاب روزنامه مسلك فحاشی را ترویج میکردند و عمال فساد برای بی اثر گذاردن نشریات ملی باعث اینگو

رفتار زشت شده و برخلاف قانون و نظامات سوء استفاده از معارف نموده و مرتکب این نوع حرکات تفرق آور میگردیدند .

بالجمله بطوریکه در باب احزاب و فرق اجتماعات سیاسی ملاحظه کردیم - که احزاب و فرق بدواً صرف از نظر مسلک و آزادی ایجاد شده بودند و کارکنان ارتجاع دخالت نموده و موجبات بی اعتباری انجمن ها را با دستهای ناپاک فراهم داشتند . راجع به مطبوعات هم باید گفت - روزنامه های ملی با جدیت و روح پاک برای خدمت به جامعه انتشار یافتند ولی عناصریکه از مطبوعات رنجیده بودند موجب هرج و مرج مطبوعات شده و این پریشانی که ریشه آن در بین دستجات نمایندگان دوره چهارم - روئیده بود* تا نهضت جمهوری و دوره سوم حکومت نظامی ادامه پیدا کرده بود

خلاصه با مو قرار شدن حکومت نظامی جراید سرکش در تحت سانسور قرار گرفته و سانسور مطبوعات نیز نافع واقع شد . برای آنکه هویت جراید در تحت نظر گرفته شد و بالطبع عناصر مغرض از مداخله در مطبوعات برکنار و او را قیقه از نظر پیشرفت

* از بدو پیدایش مشروطیت تا حال نگارش این تاریخ در طهران و پایتخت سه مرتبه حکومت نظامی اعلام و مقررات آن با کمی اختلاف بموقع اجرا گذارده شده است .

مرتبه اول در دوره کابینه نجفقی خان مصمم السلطنه بهتاری ۱۳۳۶ هجری قمری .

مرتبه دوم در کودتای ۱۳۰۹ شمسی و مرتبه سوم بواسطه قتل قونسول آمریکا در اراک و سقاخانه بازی سیاسی از طرف مخالفین نجدد اوضاع در سنه ۱۳۰۴ شمسی)

اعراض اشخاص منتشر می‌شدند یکی بعد از دیگری افول نموده و از بین رفتند و در وضعیات مطبوعات تعادلی ایجاد شده علاوه بر جرایدیکه باقی ماندند روزنامه‌های دیگری نیز از افق معارف طالع شدند.

مانند جراید (اطلاعات) (احصار عدل) (تجدد ایران) (آزادگان) (آینده ایران) (آئینه ایران) (اوقات) مسأله و طهران (بزبان فرانسه) (ستاره جهان) و غیره و برای تمرکز اخبار و توزیع آن بین جراید در سنه ۱۳۲۱ شمسی مؤسسه موسوم به (مركز اطلاعات) در تحت نظر میرزا علی اکبر خان سلیمی دائر شده بود که سألها بمطبوعات ملی خدمت کرده اند

علاوه بر مجلات ادبی بهار و ارمان و دانشکده در سنوات اخیره نیز مجلات رسمی و غیر رسمی و سالنامه‌های قابل توجهی نشر یافته که از هر حیث مورد دقت و شایان تشویق و تمجید بوده اند که برخی تعطیل و اکثر در حال تکامل است (گاهنامه مدیریت آقای سید جلال الدین طهرانی) (تقویم پارس) بمسئولیت آقای امیر جاهد سالنامه معارف بمدیریت آقای میرزا علی اصغر خان حکمت مجلات ملی (آینده) دکتر افشار (تقدم) آقایان فراموزی و اخیراً (مهر) در تحت سرپرستی میرزا مجید خان موقر.

مجلات رسمی (تعلیم و تربیت) در تحت توجه آقای میرزا علی

اصغر خان حکمت.

(بلدیه) بمدیریت میرزا مهدیخان مافی.

(نظمیه) سرهنگ فضا الله خان بهرامی.

(عدایه) عالی خان صادقی مجله (قشون). (پست و تلگراف) (فلاحت)

(گمرکات) (اطاق تجارت) (مذاکرات مشروح مجلس شورای ملی).

از بدو پیدایش روزنامه بمعنی امروزه مطبوعات ملی تا کنون سه دوره متمایز را بعقیده نگارنده طی و فعلا در حال رشد و تکامل قدم میزنند .

اول - دوره تحول و ترقی و بروز و ظهور آمال ملی در زمینه تجدد و آزادیخواهی و استقلال طلبی .

دوم - دوره بحران و تصادم منافع فردی و اجتماعی .

سوم - دوره رشد و بردباری؛ خلاصه در هر سه دوره - مطبوعات

نوزاد فارسی با عدم تجربه و وسایل لازمه بخوبی از عهده انجام وظایف رهنمائی جامعه برآمده و در عصر تحول و تطور مدنیت غربی و شرقی پیش آهنگ قافله اتخاذ تمدن فنی و علمی فرنگ و مظهر کامل احساسات و افکار طبقه متور مملکت بوده اند .

در پایان فصل تاریخچه مختصر مطبوعات فارسی ایران اسلامی اشخاصیکه توانسته اند تا حال تحریر بخدمات خود در طریق روزنامه نگاری ادامه داده و اقلایک قرن کوچک (دهسال) ناشر روزنامه یومیه میباشند مینگاریم. تا ضبط دفتر ایام گشته و بتوان یادگار باقی بماند شاید مورخین بعد را حاجت افتد، انشاء الله در جلد دوم (ایران جدید) بطور تفصیل از عهده انجام وظیفه نسبت بعموم اهل قلم بقدم مقدور برایم با کسانیکه رشته خدمت هدایت قلمی را از کف رها نکرده و تا حال نگارش بانجام وظیفه اشتغال دارند .

میرزا علیخان دشتی صاحب امتیاز و مؤسس روزنامه شفق سرخ

شلاوه بر معلومات قدیمه از زبانهای عربی و فرانسه بهره‌ور و کتب تفسیری از حیث ترجمه و تألیف (ایام محبس - اعتماد بنفوس - سر تقدم انکلیس) از خود بیادگار گذارده و چند مرتبه بنماینده گی دارالشورای ملی برگزیده شده‌اند.

میرزا زین العابدین خان رهنما صاحب و مدیر روزنامه ایران دارای اطلاعات لازمه و آشنا بزبان فرانسه و عربی عضو مجلس شورای ملی و در طریق تکامل و ترقی روزنامه ایران ایقت و فطانت مخصوص نشان داده‌اند.

میرزا یدالله خان مایل نویسرکانی مدیر فعلی روزنامه شفق سرخ در خدمت بمطبوعات ملی شایق و در علوم اسلامی و فلسفه قدیم و جدید و در ادبیات عربی و فرانسه ماهر.

میرزا ابوالقاسم خان اعتصام زاده صاحب و مدیر روزنامه ستاره جهان از روابط بین‌الملل با اطلاع و در فنون ادبیات فرانسه استاد. امیر رضوانی صاحب و مدیر جریده گلشن شاعر و ادیب و قریب بیست سال در عالم مطبوعات ملی بذل جهد کرده‌اند. سید محمد طباطبائی مدیر تجدد و اجدد معلومات نویسنده گی و میرزا عباس خان مسعودی صاحب و مدیر روزنامه اطلاعات جوانی با اطلاع و عاشق اصلاحات و در اداره کردن روزنامه یومیه اطلاعات نهایت استعداد را نشان داده‌اند.

میرزا شکر الله خان صفوی صاحب و مدیر روزنامه کوشش در طریق عمل ساعی و زبان روسی را بخوبی میدانند.

از نظر اینکه نگارنده قریب هفتده سال در خدمت بمطبوعات

مای عمر بسر برده ام سزاوار چنان بود که نیش از اینها در زمینه و تاریخ مفصل مطبوعات فارسی را با نقل آثار و تراجم احوال کلیه نویسندگان و ادبای مطبوعات سخن رانده عصر حاضر را برشته تحریر در آوزم تا از عهد و وظایف خود راجع به اساتید اهل قلم و آنانی که در طریق معارف و مطبوعات مای عالمانه و باخاوض نیت گام زده اند بر آمده باشم ولی چون پایه نگارش تاریخ مختصر نهضت ایران بر روی اختصار گذارده شد برای این سطور تدوین کتاب دیگری نیز در نظر است . امیدوارم اساتید معظم عذر موجه نگارنده را پذیرفته و از دعای خیر فراموشم نفرمایند .



فصل دوازدهم

اوضاع قبل از کودتای ۱۲۹۹ هجری شمسی

بطوریکه سابقاً شرح و توضیح آن داده شد، کابینه میرزا حسن خان وثوق الدوله در اثر تیره گیی و وضعیات از کار کناره گرفته و میرزا حسن خان مشیرالدوله زمامدار امور گردیده و بعمل پرداخت. بعد از انحلال هیئت وزراء قرارداد - اوضاع از همه جهت متشنج و راه چاره از هر طریق مسدود و مشکلات گوناگون پیاپی در حال بروز و ظهور بودند.

وضع طهران در آن اوقات آشفته و درهم و احساسات مایون - در نتیجه قرارداد ۱۹۱۹ در هیجان و افکار عمومی در بحران بود. کار برهم خوردگی و وضعیات یا بخت بجاای کشید که برخی از مؤسسات اقتصادی انگلیسی متوقف در هر کر نسبت به پیش آمد نگران شده و بانک شاهنشاهی ایران اعلامی انتشار داده و خبر اشغال مرکز بانک را از طهران باصفهان در روزنامه ایران منتشر کرد. ۱۹۰۱ میلادی قوای نامنظم معروف بجنگانگلیها که در گیلان تحت ریاست میرزا کوچک خان آراسته شده بودند و وضعیات را بحال خود مساعد دیدند و تا کوههای رودبار قزوین و برغان پیش آمده و باینخت را تهدید مینمودند. بقول شخص مطاع و موثق توسط حاج سید محمد سلطان العلماء ساوجبلی بوسیله ناصرالدین میرزا باحمد میرزا پینام فرستادند که اقوای

جنگل برای تصفیه مرکز بطرف طهران حرکت نمود [تجاسر جنگلیها کابینه مشیرالدوله را وادار بجلو گیری از قوای متجاسرین نموده و عده از بزرگان قزاق را در تحت فرماندهی صاحب منصب روسی (استراسوسکی) تجهیز و جهت جلو گیری و ممانعت از قوای متجاسر و مهاجم بطرف مازندران و گیلان سوق و برای تحکیم مرکزیت بفکر ایجاد و تأسیس دوره چهارم دارالشورای ملی برآمده و در اطراف انتخابات نمایندگان که در دوره و نوبت اندوله بعمل آمده بود بمطالعات پرداخت. هنوز نتیجه از نظریات خود نگرفته بودند که هجوم مشکلات خارجی و داخلی معظم له را بکناره گیری وادار و فتح الله خان اکبر سپهدار رشتی عهده دار تشکیل کابینه گردیده و بعمل پرداخت.

در کابینه سپهدار معاهده مودت ایران و روس که مبطل معاهده ترکمانچای و سایر معاهدات دوره تزاری و موجب شناسائی رژیم جدید گردید از طرف دولت اتحاد جماهیر شوروی توسط عالی قلی خان انصاری سفیر فوق العاده ایران در مسکو بکابینه سپهدار پیشنهاد گردید. ۱۹۲۱ میلادی. و از طرف رئیس الوزراء جلسه شورای عالی مرکز بآن نمایندگان سابق و لاحق حاضر در مرکز ادوار سه گانه مجلس شورای ملی و اعیان و رجال و معاریف پایتخت از قبیل - مشیرالدوله - مؤتمن المنك - مستوفی الممالک - ممتاز الممالک - ممتاز الدوله - حکیم الممالک - مستشار الدوله و غیره در دربار گانستان تشکیل و در آن مجلس موضوع شناسائی روسیه جدید و معاهده پیشنهاد شده مطرح و باتفاق آراء مورد تصویب واقع گردیده و پایه روابط فعلی ایران و ممالک اتحاد جماهیر شوروی بر روی

آن معاهده گذارده شد - روابط سیاسی و اقتصادی که چندی تعطیل بود بجزریان افتاد که ذیلاً برای تکمیل اطلاعات خوانندگان مبادرت بدرج مینمائیم .

عهدنامه مزبور در بیست و سوم آبان ۱۳۰۰ هجری شمسی بتصویب مجلس شورای ملی ایران رسیده است .

متن عهدنامه

چون دولت ایران از یک طرف و دولت جمهوری اتحادی اشتراکی شوروی روسیه از طرف دیگر نهایت درجه مایل بودند که روابط محکم و حسنه همجواری و برادری در آتیه مابین ملتین ایران و روس برقرار باشد لهذا مصمم شدند که داخل مذاکره در این باب شده و برای این مقصود اشخاص ذیل را وکلای مختار خود نمودند .

از طرف دولت ایران علیقلی خان مشاور الممالک از طرف دولت جمهوری اتحادی اشتراکی شوروی روسیه گذارگی و اسلیویوچ چیچرین و اومیکزانیلوویچ کاراخان

وکلای مختار مزبور پس از ارائه اعتبار نامه های خود که موافق قاعده و ترتیبات مقتضیه بوده در آنچه ذیلاً ذکر میشود توافق نظر حاصل نمودند .

فصل اول

دولت شوروی روسیه مطابق بیانیتهای خود راجع بمیثاقی سیاست روسیه نسبت بملت ایران مندرجه در مراسلات ۱۴ یانوار ۱۹۱۸ و ۲۶ یون ۱۹۱۹ یکمرتبه دیگر رسماً اعلان مینماید که از سیاست جابرائله که دولت های

مستعمراتی روسیه که باراده کارگران و دهاقین این مملکت سرنسگون شدند نسبت بایران تعقیب مینمودند قطعاً صرف نظر مینمایید. نظر آنچه گفته شد و با اشتیاق باین که ملت ایران مستقل و سعادت مند شده و بتواند آزادانه در داری خود تصرفات لازمه را بنماید دولت شوروی روسیه تمام معاهدات و مقاولات و قراردادهای که دولت تزاری روسیه بایران منعقد نموده و حقوق ملت ایران را تخصیص مینمود مانعی و از درجه اعتبار ساقط شده اعلان مینمایید.

فصل دوم

دولت شوروی روسیه از سیاست دولت های روسیه تزاری که بدون رضایت ملل آسیا و به بهانه تأمین استقلال ملل مزبور با سایر ممالک اروپا در باب مشرق معاهداتی منعقد مینمودند که باین نتیجه منجر باستملاک آن میگردد اظهار تنفر مینمایید.

این سیاست جنایت کارانه را که نه تنها استقلال ممالک آسیا را منهدم می نمود بلکه مال زنده مشرق را طعمه حرص غارتگران اروپائی و تعدیات مرتب آنها قرار میداد دولت شوروی روسیه بدون هیچ شرطی تفی مینماید. نظر آنچه گفته شد و مطابق اصول مذکور در فصل اول و چهارم این معاهده دولت شوروی روسیه استکفاف خود را از مشارکت در هر نوع اقدامیکه منجر به تضعیف و محسوظ نماندن سیادت ایران بشود اعلان نموده و کلیه معاهدات و قرار دادهائی را که دولت سابق روسیه با ممالک ناشی بضرر ایران و راجع به آن منعقد نموده است مانعی و از درجه اعتبار ساقط می دانند.

فصل سوم

دولتین معظمتین متعاهدتین رضایت میدهند که سرحد مابین ایران و روسیه را مطابق کمیسیون سرحدی ۱۸۸۱ تصدیق و رعایت نمایند ضمناً بواسطه عدم میایی که دولت شوروی روسیه از استفاده از نمره سیاست غاصبانه دولت تزاری سابق روسیه دارد از انتقاع از جزائر عاشوراده و جزائر دیگری که در سواحل ولایت استرآباد و ایران واقع میباشند صرف نظر کرده و همچنین قریه فیروزه را با اراضی مجاوره آن که مطابق قرارداد ۲۸ مای ۱۸۹۳ از طرف ایران بروسیه انتقال داده شده است بایران مسترد میدارد.

دولت ایران از طرف خود رضایت میدهد که شهر سرخس معروف بسرخس روسی یا سرخس کهنه با اراضی مجاور آن که منتهی به رودخانه سرخس میشود در تصرف روسیه باقی بماند.

طرفین معظمتین متعاهدتین با حقوق مساوی از رودخانه اترک و سایر رودخانه ها و آب های سرحدی بهره مند خواهند شد و ضمناً برای تنظیم قطعی مسئله انتزاع از آب های سرحدی و برای حل کلیه مسائل متنازع فیهای سرحدی و ارضی یک کمیسیون مرکب از نمایندگان ایران و روسیه معین خواهد شد.

فصل چهارم

با تصدیق اینکه هر يك از ملل حق دارد مقدرات سیاسی خود را بلامانع و آزادانه حل نماید هر يك از طرفین معظمتین متعاهدتین از مداخله در امور داخلی طرف مقابل صرف نظر کرده و جداً خود داری خواهند نمود.

فصل پنجم

طرفین معظمتین متعاهدتین تقبل مینمایند که :

۱ - از ترکیب و یا توقف تشکیلات و یا دستجات (گروپها) بهر اسم که نامیده شوند و یا اشخاص منفرد که مقصود تشکیلات و اشخاص مزبور مبارزه با ایران و روسیه و همچنین با ممالک متحده روسیه باشد در خاک خود ممانعت نمایند .

و همچنین از گرفتن افراد قشونی و یا تجهیزات قنرات برای صفوف قشون و یا قواء مسلحه تشکیلات مزبوره در خاک خود ممانعت نمایند

۲ - بکلیه ممالک و یا تشکیلات قطع نظر از اسم آن تشکیلات که مقصودشان مبارزه با متعاهد معظم باشد نباید اجازه داده شود که بخاک هر یک از طرفین معظمتین متعاهدتین تمام آنچه را که ممکن است بر ضد متعاهد دیگر استعمال شود و آوردنموده یا عبور دهند .

۳ - باتمام وسایلی که بآن دسترس باشد از توقف قشون و یا قواء مسلحه ممالک ثالث دیگری در صورتیکه احتمال برود توقف قواء مزبوره باعث تهدید سرحدات و یا منافع و یا امنیت متعاهد معظم دیگر می شود باید در خاک خود و متحدین خود ممانعت نمایند .

فصل ششم

طرفین معظمتین متعاهدتین موافقت حاصل کردند که هر گاه ممالک ثالثی بخواهند بوسیله دخالت مسلحه سیاست خاصانها را در خاک ایران مجری دارند یا خاک ایران را مرکز حملات نظامی بر ضد روسیه قرار دهند و اگر ضمناً خطری سرحدات دولت جمهوری اتحادی شوروی روسیه یا متحدین آنها تهدید نماید و اگر حکومت ایران پس

از اخطار دولت شوروی روسیه ننخودش. متواند این خطر را رفع نماید. دولت شوروی حق خواهد داشت قشون خود را بخاک ایران وارد نماید تا اینکه برای دفاع از خود اقدامات لازمه نظامی را بعمل آورد. دولت شوروی روسیه متعهد است که پس از رفع خطر بلاد رنگ قشون خود را از حدود ایران خارج نماید.

فصل هفتم

نظر باینکه ملاحظات مذکوره در فصل ششم نمیتواند هیچچنین در ثبات امنیت در بحر خزر مورد پیدا نمایند. لهذا طرفین معظمین متعهدتین موافق هستند که اگر در جزه افراد بحریه ایران اتباع دولت ثالثی باشد که از بودن خود در بحریه ایران برای تعقیب مقاصد خصمانه نسبت بر روسیه استفاده نمایند. دولت شوروی روسیه حق خواهد داشت که اتصال عناصر مضره مزبوره را از دولت ایران بخواهد.

فصل هشتم

دولت شوروی روسیه انصراف قطعی خود را از سیاست اقتصادی که حکومت تزاری روسیه در شرق تعقیب مینمود و بدوات ایران نیاز نقطه نظر توسعه اقتصادی و ترقی مات ایران بلکه برای اسارت سیاسی بران پول میداد اعلان مینماید.

بنا بر این دولت شوروی روسیه از هر نوع حقوق خود نسبت قروضی که دولت تزاری بایران داده است، صرف نظر کرده و این گونه استقراضها را نسخ شده و غیر قابل تادیه مینماید.

همچنین دولت شوروی روسیه از تمام تقاضاهای راجع بانسحاب از

بجوایز مملکتی ایران که وثیقه استقراضهای مذکور بودند صرفه نظر مینماید.

فصل نهم

دولت شوروی روسیه نظر باعلاق تقی سیاست مستعمراتی سرمایه داری که باعث بدبختیها و خونریزیهای بیشمار بوده و میباشد از انتفاع از کارهای اقتصادی روسیه تزاری که قصد از آنها اسارت اقتصادی ایران بود صرف نظر مینماید.

بنابر این دولت شوروی روسیه تمام نقدینه و اشیاء قیمتی و کلیه مطالبات و بدهی بانک استقراضی ایران را و همچنین کلیه دارائی منقول و غیر منقول بانک مؤبور را در خاک ایران بملکیت کامل مات ایران واگذار مینماید.

توضیح آنکه در شهرهایی که مقرر است قونسولگریهای روسیه تأسیس شوند و در آنجا هاخانهای متعلقه بانگ استقراضی ایران وجود داشته و مطابق همین فصل نه که منتقل بدولت ایران میشود دولت ایران رضایت میدهد که یکی از آن خانها را مجاناً برای استفاده مطابق انتخاب دولت شوروی روسیه برای محل قونسولگری روسیه واگذار نماید.

فصل دهم

دولت شوروی روسیه کوشش سیاست مستعمراتی دنیا را که در ساختن راهها و کشیدن خطوط تلگرافی در ممالک غیر برای تأمین نفوذ نظامی خود بر توسعه تمدن ملل ترحیح میدهد تقی کرده و مایل است که وسایل مرادفات و مخازنات که برای استقلال و تکمیل تمدن

هر ملتی لزوم حیاتی دارد باینکه خود دولت ایران را گذارده شود و ضمنا هم بقدر امکان خسارات وارده بایران بواسطه قشون دولت تزاری چیران شود لهذا دولت شوروی روسیه مؤسسات روسی ذیل را بلاعوض بملکیت قطعی ملت ایران واگذار مینماید .

۱ - راه های شسه از انزلی بطهران و از قزوین بهمیدان باتمام اراضی و ابنیه و اثاثیه متعلق براههای مذکوره

ب - خطوط راه آهن از جلغا به تبریز و از صوفیان بندر ریچه ارومیه باتمام ابنیه و وسائل نقلیه و متعلقات دیگر

ت - اسکله ها و انبارهای مال التجاره و کشتی های بخاری و کرجها و کلیه وسائل نقلیه در دریایچه ارومی باتمام متعلقات آنها

ث - تمام خطوط تلگرافی و تلفونی باتمام متعلقات و ابنیه و اثاثیه که در حدود ایران بتوسط دولت سابق تزاری ساخته شده است .

ج - بندر انزلی (پرت) بانبارهای مال التجاره و کارخانه چراغ برق و سایر ابنیه .

فصل یازدهم

نظر باینکه مطابق اصول بیان شده در فصل اول این عهدنامه منعقد در ۱۰ فورال ۱۸۲۸ مابین ایران و روسیه در ترکمن چای نیز که فصل ۸ آن حق داشتن بحریه را در بحر خزر از ایران سلب نموده بود از درجه اعتبار ساقط است لهذا طرفین معظمین متعاهدین رضایت میدهند که از زمان امضاء این معاهده هر دو بالسویه حق کشتی رانی آزاد را در زیر بیرق های خود در بحر خزر داشته باشند .

فصل دوازدهم

دولت شوروی روسیه پس از آنکه رسماً از استفاده از فواید اقتصادی
که مبتنی بر تفوق نظامی بوده صرف نظر نمود اعلان مینماید که علاوه
بر آنچه در فصول (۸) و (۱۰) ذکر شد سایر امتیازات نیز که دولت
سابق تزاری عملاً برای خود و اتباع خود از دولت ایران گرفته بود از
درجه اعتبار ساقط میباشند.

دولت شوروی روسیه از زمان امضاء این عهدنامه تمام امتیازات
مذکوره را اعم از آنکه بموقع اجرا گذارده شده باشند و یا گذارده
نشده باشند و تمام اراضی را که بواسطه آن امتیازات تحصیل شده اند
بدولت ایران که نماینده ملت ایران است واگذار مینماید.
از اراضی و مایملکی که در ایران متعلق بدولت تزاری سابق بوده
محوطه سفارت روس در طهران و در زرگنده با تمام ابنیه و اثاثیه
موجوده در آنها و همچنین محوطهها و ابنیه و اثاثیه جنرال قونسولگریها
و قونسولگریها و ویس قونسولگری های سابق روسیه در ایران در
تصرف روسیه باقی میماند.

توضیح آنکه دولت شوروی روسیه از حق اداره کردن قریه زرگنده
که متعلق بدولت سابق تزاری بود صرف نظر مینماید.

فصل سیزدهم

دولت ایران از طرف خود وعده میدهد که امتیازات و مایملکی
را که مطابق این عهدنامه بایران مسترد شده است بصرف و اختیار و
یا استفاده هیچ دولت ثالث و اتباع دولت ثالثی واگذار ننموده و تمام
حقوق مذکوره را برای رفاه ملت ایران محفوظ بدارد.

فصل چهاردهم

با تصدیق اهمیت شیلات سواحل بحر خزر بوی اعانه روسیه دولت ایران پس از انقضاء اعتبار قانونی تقبلات فعلی خود نسبت بشیلات مزبوره حاضر است که با اداره ارزاق جمهوریت اتحادی اشتراکی شوروی روسیه قراردادی در باب صید ماهی با شرایط خاصی که تا آن زمان معین خواهد شد منعقد نماید.

همچنین دولت ایران حاضر است که با دولت شوروی روسیه داخل مطالعه و سائلی که حالیه نیز تارسیدن موقع شرایط مذکوره در فوق امکان رساندن مواد شیلات مزبوره را بر روسیه در نظر ادارات ارزاق جمهوریت اشتراکی روسیه تأمین بنماید بشود.

فصل پانزدهم

دولت شوروی روسیه نظر باصول اعلام شده خود در باب آزادی عقاید مذهبی مایل است به تبلیغات مذهبی که مقصود باطنی از آن اعمال نفوذ سیاسی در توده مردم و کمک به دسائیس سبغانه تزاری بوده در ممالک اسلامی خاتمه دهد.

بنابر این دولت شوروی روسیه انحلال تمام هیئتهای روحانی را که در ایران دولت سابق تزاری تأسیس کرده بود اعلان مینماید و اقدام خواهد نمود که بعدها از روسیه بایران اینگونه هیئتها اعزام نشوند. دولت شوروی روسیه اراضی و آبیه و دارائی هیئت ارتودکس را در ارومیه و همچنین تمام دارائی سایر مؤسسات سنج هیئت مزبوره را بلاعوض بملکیت دائمی ملت ایران که دولت ایران نماینده آن است واگذار مینماید.

دولت ایران اراضی و اشیاء و دارائی مزبور را بمصرف ساختن
مدارس و سایر مؤسسات معارفی خواهد رساند.

فصل شانزدهم

نظر بمندرجات مرسله دولت شوروی بتاريخ ۲۵ ایون ۱۹۱۹ راجع
بابطال قضاوت قونسولها اتباع روسیه ساکن ایران و همچنین اتباع
ایران ساکن روسیه از تاریخ امضاء این معاهده دارای حقوق مساوی با
ملکته محلی بوده و محکوم قوانین مملکت متوقف فیها خواهند بود و
بتمام کارهای قضائی آنها در محاکم محلی رسیدگی خواهد شد.

فصل هفدهم

اتباع ایران در روسیه و همچنین اتباع روسیه در ایران از خدمت
نظامی و تأدیه هر نوع مالیات نظامی یا عوارض نظامی معاف هستند.

فصل هیجدهم

اتباع ایران در روسیه و اتباع روسیه در ایران در آزادی مسافرت
در داخله مملکت دارای حقوقی میباشند که با اتباع دول کامله الوداد بغیر
از دول متحده با روسیه واگذار میشود.

فصل نوزدهم

طرفین معظمتین متعاهدتین در مدت قلیلی پس از امضاء این عهدنامه
اقدام در تجدید روابط تجارتي خواهند نمود،
وسائل تنظیم واردات و صادرات مال التجاره و تأدیه قیمت آن و
همچنین طرز دریافت و میزان حق گمرکی که از طرف ایران بر مال-

التجارة روس تعاق میگیرد مطابق قرار داد خاص تجارتي که بوسیله کمیسیون خاص از نمایندگان طرفین تشکیل خواهد شد معین خواهد گردید.

فصل بیستم

طرفین معظمین متعاهدین متقابلاً بهمدیگر حق ترانزیت میدهند که از طریق ایران و یا طریق روسیه بممالک ثالثی مال التجارة حمل نمایند ضمناً بر مال التجارة حمل شده عوارض بیش از آنچه از مال التجارة دول کامله الوداد غیر از ممالک متحده با جمهوری اتحادی شوروی روسیه اخذ میشود نباید تعاق بگیرد.

فصل بیست و یکم

طرفین معظمین متعاهدین در اقل مدت پس از امضاء این عهد نامه اقدام در استقرار روابط تلگرافی و پستی مابین ایران و روسیه خواهند نمود شرایط روابط مذکوره در قرارداد خاص پستی و تلگرافی معین خواهد شد.

فصل بیست و دوم

برای تثبیت روابط و دادیه هم جواری و تهیه موجهات درك حسن نیت همدیگر که پس از امضاء این عهد نامه فیما بین برقرار میشود هر يك از طرفین معظمین متعاهدین در پایتخت طرف مقابل نماینده مختار خواهند داشت که چه در ایران و چه در روسیه دارای حق مصونیت خارج از ممالک (اکستری توریالته) و سایر امتیازات مطابق قوانین بین المللی و عادات و همچنین قواعد و مقررات جاریه در ممالکین نسبت نمایندگان سیاسی خواهند بود.

فصل بیست و سوم

طرفین معظمتین متعاهدین به نیت توسعه روابط ممالکتین متقابلاً در تقاطیکه برضایت طرفین معین خواهد شد تأسیس قونسولگری ها خواهند نمود حقوق و صلاحیت قونسولها در قرارداد مخصوصی که بلا تأخیر پس از امضاء این عهدنامه منعقد خواهد شد و همچنین مطابق قواعد و مقررات جاریه در هر دو ممالکت نسبت بمؤسسه قونسولها معین خواهد شد.

فصل بیست و چهارم

این عهدنامه باید در ظرف سه ماه تصدیق شود مبادله تصدیق نامها در شهر طهران حتی الامکان در مدت قلیلی بعمل خواهد آمد.

فصل بیست و پنجم

این عهدنامه بزبان فارسی و روسی در دو نسخه اصلی نوشته شده در موقع تفسیر آن هر دو نسخه معتبر میباشند.

فصل بیست و ششم

این عهدنامه فوراً پس از امضاء دارای اعتبار خواهد شد، برای تصدیق آن چه گفته شد امضاء کنندگان ذیل این عهدنامه را امضاء کرده و بامهار خود معهور نمودند. در شهر مسکو در ۲۶ فورال ۱۹۲۱ تحریر شد. امضاء: - که اور کسی چیچورین. ل. کاراخان - مشاور الممالک

پایان و نتیجه

در سطور و فصول گذشته ملاحظه گردید که مشروطیت ایران از دوره ناصرالدین شاه سرچشمه گرفته و نهضت ترقی طلبی او نتیجه دید مظاهر تمدن بر وفق مقتضیات عصر شروع و حوادث بس اهم از نظر سیاسی و اجتماعی و تاریخی در وطن عزیز ما ظهور یافته است بنا بر مراتب فوق خلاصه و نتایج تاریخ گذشته را تکرار و تفسیر میدهیم که اصولاً نهضت اخذ تمدن جدید و اصلاح عادات و رسوم گذشته بعد از مغلوبیت قوای ایران از قشون منظم روسیه ۱۲۴۶ هجری قمری و تحمیل معاهده منچوس تر که منچای ۱۸۲۸ که مبنای سایر قرارداد های مضره بنام معاهدات دول کماة الوداد گردید * (خوشحانه تمام اینگونه عهدنامه ها در عصر بهلوی که شرح آن در کتاب (ایران جدید) بناید ملغی و معاهدات جدید بر روی تساوی حقوق و منافع متقابل تنظیم شده) و پی بردن مردان دانشمند ایران بخرابی وضعیات اداری و سیاسی و اقتصادی و مرادده رجال منورالفکر باممالک و مال فرنگ شروع گردید - نهایت آنکه در دوره مظفری بحران و فرو ریختگی اوضاع بشدت رسیده و بندر افشارده از حوادث آبیاری و بنای خود نمائی را گذارده دانشمندان گفته اند : **حوادث را باید از علل اصلیه شناخت و از حقیقت معنی پی بظاهر برد .**

بطوریکه از مطالعه دقیق اوراق و صفحات تاریخ وطن استنباط میشود . همیشه يك شعور باطنی که حاکی از روح زنده و فعال استقلال طلبی میباشد - در کمون ایران باستانی موجود و از پیش آمده ها استفاده نموده و در مواقع لازمه استعداد باطنی ایران را نشان داده و نوابغی

در برای اصلاح و سعادت خرابکارها و تجدید جلال و عظمت دیرینه کشور دنیوش بمنصبه بروز و ظهور رسانیده است.

اقوی دلیل تاریخی در زمان خود ما و عصر حاضر واقع شد ستاره درخشان اقبال پهلوی یکی از همان گذارشات مهم تاریخی است. زبان گویای تاریخ میگوید: صد يك صدمات و بحر آنها و تشنجات و قتل عامهای تاریخی که بواسطه موقعیت جغرافیائی بوسیله اسکندر، اعراب، مغول، ترك، افغان و غیره بملت بردبار ایران روی داد عارض ملل دیگر همچون - کلد، آشور، روم شرقی شد و آنها از بین رفتند ولی هنوز ایران کهن با استقلال بنام معنی بر پای ایستاده و باهمدستی سایر ملل متمدن هم عصر خود برای ترقی و تکامل مدنیت بشر کوشش میورزد، « تا قبل از کودتا غالباً از دهان برخی از نمایندگان بیگانه متوقف در ایران شنیده شده بود که گفته بودند (با این همه ابتلائات و با رویه و اخلاق ظاهری اکثر ایرانیان تعجب میکنیم چطور تا کنون ایران زنده و استقلال خود را نباخته است) چندی از این گفته را گذشته بود که دستی از غیب بدرآمد و بر سینه نامحرم زد و عظمت و جلال دیرینه را تجدید کرد.

بطوریکه در فصول گذشته ذکر آن رفت تا قبل از کودتای ۱۲۹۹ مملکت هم از نظر داخله و هم از نظر خارجه بمنتهای خرابی و مذلت و بیچارگی رسیده بود که هیچ دانشمند عاقلی ظاهراً امید بهبودی وضعیات را نداشت.

خزانة تهی و کار بجائی رسیده بود که در سنه ۱۳۳۶ هجری قمری وزیر مائیه وقت چند هزار خز و ازجو - بقایای انبار غله دولت را

در ازاء حقوق ادارات فیما بین جمعی از مستخدمین دولت توزیع کرده و جریان قحطی مصنوعی را تسریع و بالنتیجه قریب شصت هزار نفر در طهران پایتخت ممالکت از گرسنگی مردند و عده صدقه خور مبلغین مذهب پروتستان گردیدند .

ممالکت تا قبل از کودتا - نوعی فاقد قوای منظم بود که برای سرکوبی رضای جوژانی چند ماه وقت دولت صرف تهیه چند صد سوار بختیاری شد - بالجمله، دورنمای آنروز چنین بود - گیلان و مازندران در حال اغتشاش، آذربایجان لگد کوب سواران وحشی کرد، سمیتقو، استرآباد و اطراف خراسان مورد تاخت و تاز ترا کمه . صفحات جنوب دستخوش یکه تازان بهارلو و بویر احمدی . قطعات مرگزی گرفتار چیاول الوار، پایتخت صحنه بازیگری جمعی وانگرد و ورشکسته گان بازاری .

این بود در نهای مختصری از وضعیت داخله تا قبل از کودتای ۱۲۹۹

اماسیاست خارجی

تقریباً از يك قرن باینطرف ممالکت، از هر حیث اسیر فشار و تجاوز دو همسایه مقتدر جنوبی و شمالی شده بود .

از طرفی بعضی از اعمال جنویبها سعی در انهدام قوای معنوی ایران داشته و طرفدار استقلال پوشالی ایران و راضی نمیشدند در جوار هندوستان دولت مقتدری بنام ایران موجود باشد .

چنانکه داستان تصرف هرات این سیاست را روشن ساخت - آثار نشان میداد - و اسناد سیاسی منتشره دلالت دارد بر اینکه:

منظور سیاسی خود را این قرار داده بودند که در این کشور يك دولت پوشالی و حکومت بوروکراسی و از هر جهت ضعیف و آلت

دستی موجود باشد. تا در مواقع لازمه بتوانند بهر طرفی و هر مقصدی که
کامین دارند آنرا سوق بدهند.

فکر کنید بر طبق این نظریه در تمام کارها از مساجد و بازار گرفته
تا مورد ایلات صحرا اگر د و حتی قصابخانه با سم حمایت (کورمی) قصابهای
بر روی طهران مداخله و اعمال نفوذ مینمودند.

بازرجه دیگر روسهای تزاری برای رسیدن به دریای آزاد
(خارج فارس) از هیچ نوع فداکاری مضایقه نداشته و با قدرت سر تیزه
همه روزه بر شدت تجاوز خود افزوده و صفحه ایران را مهمترین میدان
نبرد خصومت دیرینه با حریف بیدار و زردنگ و قوی پنجه خود
قرار داده - خراب میکردند و میکشند و پیش میرفتند. و هیچگونه
معاهده نیز مانند تقسیمات نفوذی معاهده ۱۹۰۷ میلادی نتوانست از طمع
روسیه بکاهد و سیاست دربار تزار را از پیشرفت مقصود منحرف سازد.
جنگ بین الملل هم مدت مبارزه شده و در عین اثنای اتحاد جنگی دولتین از رقابت
نکاست و یرده خونین فراموش نشدنی را در وطن بیطرف ما بمعرض نمایش گذارده
وهستی رعایای صلح طلب را پند فنا دادند.

اوضاع دربار

عدم علاقه دربار سلاطین قاجار خصوصاً در ادوار مشروطیت بیشتر
سبب پریشانی وضعیات سیاسی و اجتماعی گردیده و از هر طرف روزانه
امید را مسدود و قلوب وطن پرستان حقیقی را مجروح و از پیش
آندهای تاریک و مهجول مأیوس ساخته بود.
بایک چنین وضعیتی که اندک را از بسیار نشان دادیم و عامه عقلاء
دور اندیش سر بیچیب تفکر فرو برده و بحال زار آینده نگران بوده

روزگار را تیره و نار مینسگریستند تا گهان :-

صبح سوم حوت ۱۲۹۹ شمسی طلوع و در اندک زمانی خرابیها
اصلاح و آب رفته را بطوری بجوی بازگردانیدند که ایران جدید
ابدأ قابل مقایسه با ترتیبات قرون اخیر نیست؛ امنیت در همه جا برقرار -
خزانه سرشار - قشون منظم و یسا بر جا - صلای آبادی بلند و طبقات
عموطنان سرگرم خدمت و پیشرفت شدند که در کتاب (ایران جدید) مفصلاً
نگارش خواهد رفت .

تاریخ (نهضت ایران) را بذکر یک بیت حافظ شبرازی خاتمه
داده و از دوستان همت و از خداوند مغفرت و رحمت میطلبیم .

باش تا صبح دولتت بدمد

کین هنوز از نتایج سحر است

مرداد ۱۳۱۲ شمسی ح - مدیر حلاج



فرمان مشروطیت (السلطان مظفرالدین شاه)

جناب اشرف صدر اعظم :

از آنجا که حضرت باری تعالی جل شأنه سر رشته توفیق و سعادت ممالک محروسه ایران را بکف با کفایت ما سپرده و شخص همایون ما را محافظ حقوق قاطبه اهالی ایران و رعایای صدیق خومان قرار داده - لهذا در این موقع که برای رفاهیت و امنیت قاطبه اهالی ایران و تشدید و تأیید مبانی دولت و اصلاحات مقتضیه که بمرور در دوائر دولتی و مملکتی بموقع اجراء گذارده شود - چنان مصمم شدیم که مجلس شورای ملی از منتخبین شاهزادگان و علماء و قاجاریه و اعیان و ملاکین و تجار و اصناف بانتخاب طبقات مرقومه در دارالخلافت طهران تشکیل و تنظیم شود که در مهم امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مذاقه لازمه را بعمل آورده و بهیئت وزراء دولت خواه در اصلاحاتی که برای سعادت و خوشبختی ایران خواهد شد اعانت و کمک لازم را بنمایند ،

و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خود را در خیر دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات قاطبه اهالی ممالک بتوسط شخص اول دولت بعرض برسند که بصره همایونی موشح و بموقع اجراء گذارده شود . بدیهی است بموجب این دستخط مبارک نظامنامه و ترتیبات

۱۳۲۴ هـ

مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آنرا موافق تصویب و احضار منتخبین
از این تاریخ مرتب و مهیا خواهند نمود . که بصره ملوکانه رسیده
بعون الله تعالی - مجلس شورای مرقوم که نگهبان عدل ماست - افتتاح
و اصلاحات لازمه امور مملکت و اجراء قوانین شرع مقدس شروع
نماید. و نیز مقرر میداریم که سواد دستخط مبارک را اعلان و منتشر نمائید
تا قاطبهم اهلای از نیات حسنه ما که تماماً راجع بترقی دولت و ملت ایران
است - کمابینعی - مطلع و مرفه الحال مشغول دعا گوئی دوام این دولت
و این نعمت بی زوال باشند در قصر صاحبقرانیه . بتاريخ چهاردهم
مهر جمادی الثانیه ۱۳۲۴ هجری در سال یازدهم سلطنت ما .

محل صحه همایونی

البته خوانندگان محترم ملاحظه فرموده اند که بعد از ابلاغ
فرمان فوق توسط میرزا نصرالله خان مشیرالدوله - بطوری که در فصل سوم
و چهارم شرح آن داده شد مجلس مؤسسان تشکیل و بعداً نظامنامه و قانون
اساسی تدوین و بجزریان افتاد - ولی نظر بانکه قوانین مزبوره در
دسترس همه کس بود درج آن را زاید دانستیم . (حلاج)